

امتحانات الہی



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

قرآن.

آیه ۱۵۵ - ۱۵۷ بقره

آیه و ترجمه

و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاءمول و الاءنفس و الثمرت و
بشر الصبرین ۱۵۵

الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انا لله و انا الیه راجعون ۱۵۶

اولئک علیهم صلوت من ربهم و رحمة و اولئک هم المہتدون ۱۵۷

۱۵۵- قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی، و

کمبود میوه‌ها آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به استقامت‌کنندگان!

۱۵۶- آنها که هر گاه مصیبتی به آنها رسد می‌گویند: ما از آن خدا هستیم و

به سوی او باز می‌گردیم!

۱۵۷- اینها همانها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده و آنها

هستند هدایت یافتگان .

یکی از مسائل بسیار مهم اعتقادی، مسئله امتحانات الهی است. در آیات قرآن و روایات تصریح شده که خدا از همه

آزمایش و امتحان بعمل می‌آورد تا اندازه ایمان افراد مشخص شود. البته خدا با علم لدنی خود می‌داند که عاقبت انسانها

چیست. که در روایت است: السعید سعید فی بطن امه والشقی شقی فی بطن امه. بچه در رحم مادر در علم الهی مشخص است که

سعادت‌مند است یا بدبخت.

پس این آزمایش برای این است که خود انسان متوجه شود که چقدر مؤمن است و حجتی علیه او در قیامت باشد.

اما راههای امتحان انسانها مختلف است بعضی با فقر و بعضی با ثروت امتحان می‌شوند. بعضی با مصیبت مالی و بعضی با مصیبت

جانی و فرزندان. عده ای با علم و عده ای با ریاست. بعضی با شهوات و بعضی با زبان و گوش و چشم و غیره.

امید است که ما در امتحانات الهی موفق و پیروز بوده باشیم اگر چه همیشه از خدا تمنای کنیم که از ما امتحان سخت بعمل نیاورد.

پلدختر- زمستان ۸۴

امتحانات الهی

1- آزمایش با فقر

گاهی خداوند انسان را با فقر آزمایش می کند. آیا فقر باعث میشود که آدمی از خدا فاصله بگیرد؟ یا اینکه مانند اصحاب بزرگ پیامبر اسلام مانند سلمان و ابوذر و مقداد هرگز فقر و تنگدستی در ایمان او خللی ایجاد نمی کند. بزرگان دین اسلام مانند رسول خدا و فاطمه زهرا و علی مرتضی زندگی فقیرانه ای داشتند.

سلمان می گوید: روزی فاطمه را با چادری وصله دار و ساده دیدم. تعجب کرده و گفتم: عجب! دختران پادشاه ایران و روم بر صندلی های طلا نشسته و پارچه های زربفت بر تن می کنند. اما این دختر رسول خداست که نه چادرهای گرانقیمت بتن دارد و نه لباسهای زیبا!

فاطمه فرمود: ای سلمان! خدای بزرگ، لباسهای زینتی و تخته های طلا را برای ما در روز قیامت ذخیره کرده است.

- روی سنگ داغ!

در بیانی می خوانیم: یک روز رسول خدا (ص)، سلمان فارسی و ابوذر غفاری را که از یاران بلند مقام و ممتاز آن حضرت بودند، نزد خویش فرا خواند

و به هر یک مبلغ پولی هدیه داد.

سلمان وقتی حضور پیامبر (ص) را ترک گفت، پولی را که دریافت داشته بود، در مسیر خود میان بی نوایان و تهی دستان تقسیم کرد، اما ابوذر آن پول

را، صرف مخارج معاش و زندگی خویش نمود.

روز بعد که آن حضرت آن دو را دعوت نموده بود، دستور داد سنگی را با آتش داغ کنند و سلمان و ابوذر بالای آن رفته، توضیح دهند با پولی که

دریافت داشته اند، چه کرده اند؟

سلمان، روی سنگ داغ رفت و قبل از آن که گرفتار ناراحتی و آسبی شود، به طور سریع گفت: انفق فی سبیل الله.

امتحانات الهی

پولی را که به من دادی، در راه خدا به نیازمندان پرداخت کردم.

اما وقتی نوبت به ابوذر رسید، بالای سنگ قرار گرفت و خواست موارد مصرف دریافتی خود را بیان کند، داغی سنگ به او مهلت نداد و قبل از آن که

بتواند حساب خود را پس بدهد، از سنگ پایین آمد!

رسول خدا(ص) فرمود: ای ابوذر! تو را مورد عفو قرار دادم، اما این را بدان، کسی که طاقت تحمل این سنگ داغ را ندارد، هرگز

نمی تواند حرارت آتش دوزخ را تحمل کند

- پیامبر خدا(ص): خداوند فقر را نزد خلق خود امانت نهاده است بنابراین، هرکس آن را مخفی نگه دارد، خداوند پاداش روزه گیر شب زنده دار را به او عطا فرماید.

- فقر، امانت است پس، هر که آن را پوشیده نگه دارد، این کار او عبادت است و هر که آشکارش سازد، به گردن برادران مسلمان خود قلاعه انداخته است (مسئولیت و تعهد به گردن آنها گذاشته است).

- خداوند تعالی مؤمن فقیری را که خویشتندار باشد، دوست دارد.

فقرا شهریاران بهشتند.

- پیامبر خدا(ص): فقرا شهریاران اهل بهشتند مردم همگی مشتاق بهشتند و بهشت مشتاق فقیران است.

- امام علی(ع): شهریاران دنیا و آخرت، درویشان خرسند هستند.

- پیامبر خدا(ص): درهای بهشت، به روی فقرا باز است.

- به بهشت سری زدم، دیدم بیشتر مردم آن فقیرانند.

- پیامبر خدا(ص): کسی که بمیرد و درهم و دیناری از خود بر جای نگذارد، توانگرتراز او کسی وارد بهشت نشود.

- فقرای مسلمان نیم روز، که پانصد سال است، جلوتر از توانگران شان به بهشت وارد می شوند.

- فقرا از رسول خدا(ص) پرسیدند: وقتی در بازار انواع میوه ها می بینیم و دلمان هوس آنها را می کند اما پولی نداریم که بخریم، آیا اجری داریم؟ حضرت فرمود: مگر اجر، در چیزی جز این است.

- امام صادق(ع) به محمد خزاز فرمود: آیا به بازار نمی روی؟ آیا میوه هایی که به فروش می رسد و چیزهای دیگری که دلت هوس آنها را می کند نمی بینی (وقدرت خریدنداری)؟ عرض کردم: چرا فرمود: بدان که در برابر هر چیزی که می بینی اما از عهده خرید آن بر نمی آیی، برایت حسنه ای است.

- همه پیامبران چهل سال جلوتر از سلیمان بن داود وارد بهشت می شوند

- امام صادق(ع): آخرین پیامبری که وارد بهشت می شود، سلیمان است و این به سبب دنیایی است که به او داده شد.

2- آزمایش با ثروت

پیامبر (ص) «کسانیکه در دنیا از همه سیرتر هستند، روز قیامت از همه گرسنه تر هستند.»

- هر که خداوند به او ثروتی دهد، باید به خویشاوندان خود رسیدگی کند و در راه ادای حقوق (مالی خود) و مصائب و گرفتاریها، خود را به صبر وا دارد.

«همانا زمین، روزی هفتاد بار ندا می کند: ای پسر آدم! هر چه می خواهید بخورید و لذت ببرید، که بخدا قسم! گوشت و پوستان را خواهم خورد!»

«قارون ابتدا جزء اصحاب موسی (ع) و پسر عموی او بود. او علم و زیبایی و ثروت را با هم داشت. ثروت او آنچنان زیاد بود که کلیدهای انبار گنجهای او را شتران حمل می کردند. وقتی در کوچه ها با آن شوکت و ابهت و زینتها حرکت می کرد، مردم می گفتند: ای کاش ما هم مثل قارون بودیم! ولی دنیا طلبی او باعث شد که با موسی (ع) مخالفت کند و علیه موسی (ع) توطئه کند و سرانجام دچار قهر الهی شده و به نفرین موسی (ع) خود و ثروتش به زمین فرو رفتند.»

«ثعلبه مردی فقیر بود. او از پیامبر خواست که دعا کند تا ثروتمند شود! پیامبر به او هشدار داد که ثروت برای تو خطرناک است. اما ثعلبه اصرار کرد و پیامبر برایش دعا نمود. طولی نکشید که ثعلبه ثروتمند شد و جزء دامداران گردید. کم کم از نظر جابجایی برای دامهای او در مدینه مشکل پیدا شد لذا از پیامبر اجازه گرفت تا به خارج از مدینه برود.

او در خارج از مدینه به زیاد کردن ثروت خود مشغول بود. وقتی پیامبر (ص) نماینده ای نزد او فرستاد تا زکات گوسفندان او را بگیرد، ثعلبه امتناع کرد و گفت: چرا پیامبر (ص) سراغ افراد دیگر نمی رود و سراغ من فرستاده است؟

نماینده پیامبر با دست خالی برگشت. ناگاه آیه ای در باره این امتناع ثعلبه و افرادی مانند او نازل شد.. که تقریباً از ارتداد ثعلبه خبر می داد. وقتی این جبر به ثعلبه رسید، گوسفندان خود را برداشت و به مدینه آمد و خدمت پیامبر رفت و گفت: زکات آورده ام! پیامبر فرمود: من نمی توانم از تو زکات قبول کنم! ثعلبه با شنیدن این مطلب شروع به عجز و لابه کرد ولی حضرت زکات او را قبول ننمود. بعد از رحلت پیامبر، ثعلبه سراغ ابوبکر رفت و گفت: من زکات آورده ام. ابوبکر گفت: چون پیامبر زکات تو را قبول نکرد، من هم نمی توانم قبول نمایم. ثعلبه بعد از مدتی با حسرت دادن زکات از دنیا رفت!»

3- امتحان با مصیبت ها

یکی از امتحانات الهی بوسیله **مسئله بلا و مصیبت است**. خانواده ای که در کمال آرامش و شادابی زندگی می کنند ناگاه طوفانی از راه می رسد و خبر رحلت یکی از عزیزانشان، به آنها داده می شود که مثلاً فلانی سگته کرد! فلان جوان در آب غرق شد! چند نفر در تصادف مردند و... علت این مصیبتها چیست و یک فرد مسلمان چه وظیفه ای در برابر این مصیبتها دارد.

- پیامبر خدا(ص) به یکی از اصحاب خود در مرگ فرزندش، چنین تسلیت نوشت: اما بعد، خدای بزرگ اجر تو را زیاد گرداند و صبر عطایت فرماید مبادا بیتابی تو اجرت را از بین ببرد، و فردا (ی قیامت) برای از دست دادن ثواب مصیبتت پشیمان شوی اگر ثواب آن را می دیدی در می یافتی که آن مصیبت در برابرش ناچیز است بدان که بیتابی کردن آنچه را از دست رفته بر نمی گرداند و هیچ اندوهی قضای الهی را دفع نمی کند پس آنچه به جای فرزندت به تو داده می شود، سزا است که اندوه تو را ببرد و السلام.

علی علیه السلام:

- صبر، از شدت مصیبت بزرگ می کاهد.
- صبر، بهترین عامل دفع بلا و گرفتاری است.
- صب، بهترین وسیله دفع ضرر است.
- صبر، مصیبت را آسان می کند.

- در خطبه شقشقیه، می فرماید: و با خود اندیشیدم که آیا با دست تنها حمله کنم یا آن که بر سر این تیرگی شکبایا باشم دیدم که صبر در این جا خردمندانه تر است پس صبر کردم در حالی که گویا در چشمانم خاشاک و در گلویم استخوانی است در این مدت دراز و در این شدت غم و محنت صبر کردم.

- امام صادق(ع): مصیبتی را که نعمت صبر در برابر آن به تو داده شده و به سبب آن مستوجب ثواب الهی هستی، هرگز مصیبت به شمار می آید، بلکه مصیبت آن است که مصیبت دیده بر اثر ناصبر از اجر و ثواب آن محروم شود.

- هریک از شیعیان ما که گرفتار شود و صبر ورزد، اجر هزار شهید دارد.

از ابن عباس روایت شده است که: وقتی وفات حضرت رسول اکرم(ص) نزدیک شد، آنقدر گریه کرد که اشک بر محاسنش، جاری گردید. عرض کردند: یا رسول الله! علت گریه شما چیست؟ فرمود: برای فرزندانم و آنچه بعد از من نسبت به آنها روا می دارند، گریه می کنم. گویا فاطمه دخترم را می بینم که بر او ستم کرده باشند و او صدا می زند: یا ابتاه! یا ابتاه! ولی احدی از امت من او را کمک و یاری نکنند!

فاطمه (س) وقتی این سخن را شنید، به گریه افتاد. حضرت فرمود: ای دخترم! گریه نکن. فاطمه (س) عرض کرد: بخاطر مصیبت‌هایی که بعد از شمابر سرم می آید گریه نمی کنم! بلکه بر جدایی شما می گریم. حضرت فرمود: بتو بشارت می دهم که بزودی بمن ملحق می شوی و تو اولین شخص از اهل بیت هستی که نزد من می آیی. «جاء العیون ص 22»

از علی (ع) نقل شده است که: چون پیامبر را در پیراهنش، غسل دادم، فاطمه (س) فرمود: آن پیراهن را بمن بده. وقتی پیراهن را به او دادم، آنرا بوسید و سپس بیهوش شد. من هم دیگر پیراهن مذکور را به او نشان نمی دادم.

مریضی و مرگ دو فرزند

شیخ علی زاهد قمی به زهد و تقوا در بین عوام و خواص شهره بود، و اهل علم و متدینین - از عرب و عجم و سایر طبقات نجف - همه بر او رجحان و اتقی و اعلا بودن وی اتفاق کلمه داشتند و کسی در آن شکی نداشت. کم سخن می گفت و تنها باندازه پاسخ پرسش سخن می گفت و هیچگاه با همنشین سخن آغاز نکرد. این امر باعث شد تا اکثر اهل علم و دانش به فضیلتش - جز زهد و تقوا - پی نبرند. زهد و ورع او، مکان علمی و مقام بلندش در فقه و اجتهاد را تحت پوشش قرار داده بود و متأسفانه این اعتقاد حتی در افاضل و بزرگان حوزه تأثیر گذاشته بود و او را به جز زاهد نمی شناختند.

او در مسجد هندی اقامه جماعت می کرد و گروهی بسیار بدو اقتدای کردند و برای درک نمازش، علما و صلحا و اهل فضل و معروفین به تقوا و زهد و عبادت، بر یکدیگر پیشی می گرفتند.

او در شدايد و سختیها و گرفتاریها بسیار صبور و بردبار بود به حدی که اهل این زمان آن را بر نمی تابند و تحمل نمی کنند. فرزندش در نجف از دنیا رفت و او گریه و زاری نکرد. زمانی که از دفن او بر می گشت، خبر درگذشت فرزند دیگرش، شیخ شریف از ایران رسید پس او به سجده افتاد و شکر خدا را نمود و برای هر دو مجلس فاتحه گذاشت و بر این مصیبت و بلا خدا را سپاس می گذارد. زیرا اعتقادش آن بود که این، آزمایش بندگان و پاک شدن گناهان است. صبر و بردباریش در بیماری اخیر او - که منجر به وفاتش شد - به این اعتقادش به خوبی گواهی داد.

او به بیماری سختی در مجرای ادرارش دچار شد و پس از عملی نا کار آمد، برای او مجرای ادراری از خصره اش ساختند و چند بار برای معالجه به ایران آمد اما درمان مفید و کار ساز نیافتاد. و در بستر بیماری خفت و مرضش نزدیک ده سال به درازا کشید. در این زمان علما و فضلا و دوستانش و سایر مؤمنین به دیدار او می رفتند ولی کسی از او در خلال این مدت طولانی، کلمه ای گلایه و شکایت و اظهار ناراحتی و دلتنگی مطلقا نشنید بلکه زبانش همواره به حمد و شکر الهی و رضایت به قضای خداوندی گویا بود تا آنکه به سرای باقی شتافت.

آیه ای آرام بخش

«ام عقیل زنی بادیه نشین بود. اسلام را با جان و دل پذیرفته بود و با ایمان راستین به قوانین آن عمل می کرد. روزی دو تن به خانه اش آمدند، او ضمن پذیرائی از میهمانان، ناگاه دریافت که پسرش که در کنار شترها بازی می کرد، به سبب رسیدن شترها کشته شده است.

امّ عقیل بی آنکه موضوع را به اطلاع میهمانان برساند از آنها پذیرائی کرد.

پس از آنکه غذا صرف شد، میهمانان از کشته شدن فرزند امّ عقیل آگاه شدند و از صبر و روحیه بالای این زن تعجب کردند. پس از آن که میهمانان رفتند، چند نفر از مسلمانان برای عرض تسلیت، نزد امّ عقیل آمدند. امّ عقیل گفت: آیا کسی هست که آیات قرآن را بداند و با تلاوت آن مرا تسلی دهد؟ یکی از حاضران گفتاری و این آیه را خواند:

وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَّا لَاجِعُونَ

به استقامت کنندگان بشارت بده. آنان که وقتی دچار مصیبت می شوند می گویند: ما از خدائیم و بسوی او باز می گردیم. امّ عقیل با شنیدن این آیه، از آنها خدا حافظی کرد، وضو گرفت و دست به دعا برداشت و گفت: خدایا! فرمانت را انجام دادم و صبر نمودم. اینک آنچه بر صابران وعده داده ای به من برسان.

همسر داود در بهشت.

- امام صادق (ع): خدای تعالی به داود وحی فرمود: خلاده دختر اوس را نوید بهشت ده و به او خبر ده که همسر تو در بهشت خواهد بود داود به طرف خلاده رهسپار شد و در خانه اش را کوبید خلاده بیرون آمد و عرض کرد: آیا چیزی درباره من نازل شده است؟ داود فرمود: آری عرض کرد: چه چیز؟ داود فرمود: خدای تعالی به من وحی فرمود و خبرم داد که تو همسر من در بهشت خواهی بود و فرمود تو را به بهشت مژده دهم خلاده گفت: شاید تشابه اسمی میان من و کسی دیگر رخ داده است؟ داود فرمود: آن خلاده خود تو هستی! عرض کرد: ای پیامبر خدا! حرفت را باور می کنم، اما به خدا قسم در خود چنین سزامندی نمی بینم.

داود فرمود: از باطن و درونت به من خبر ده که در آن چه می گذرد خلاده عرض کرد: می گویم هرگز به هیچ دردی از هر نوع مبتلا نشدم و هیچ گزند و نیاز و گرسنگی از هر نوع به من نرسید مگر آن که در برابرش صبر کردم و از خداوند نخواستم آن را از من بر طرف سازد، تا آن که او خود آن را از من دور کند و عافیت و گشایش دهد و به جای آن چیزی از خدا نخواستم و او را بر آن شکر و سپاس گفتم داود (ع) فرمود: بدین سبب است که به این مقام رسیده ای. امام صادق (ع) سپس فرمود: این همان دین خداست که برای بندگان صالح خود برگزیده و پسندیده است.

- امام باقر (ع) به مردی که نزد ایشان از داغ فرزندش شکایت کرد، فرمود: مگر نمی دانی که خداوند از مال مؤمن و از فرزندان او بهترینش را بر می گزیند، تا بدین وسیله به وی اجر دهد. - امام باقر (ع): هیچ مؤمنی نیست که درد دنیا مصیبتی به او رسد و هنگامی که خبر ناگهانی آن به او رسد استرجاع گوید، مگر آن که خداوند گناهان گذشته او را بیامرزد به جز گناهان کبیره که خداوند برای آنها آتش واجب کرده است.

- امام علی (ع) شنید که مردی جمله استرجاع را می گوید، فرمود: این که می گوییم: ما از خداییم، اقرار ماست به مالکیت خدا و این که می گوییم: به سوی او باز می گردیم، اقرار ماست به فانی شدن خودمان.

- پیامبر خدا (ص) به زنی که نزد ایشان از مرگ فرزندانش شکوه کرد، فرمود: چند فرزند از تو مرده است؟ عرض کرد: سه تا.

- تو در برابر آتش ، حصار محکمی بر گرد خود کشیده‌ای.
- هر که در داغ سه فرزند خود سوگوار شود و مرگ آنها را به حساب خدای عز و جل بگذارد ، بهشت بر او واجب گردد.
- یکی از پسران امام صادق (ع) در جلوان حضرت راه می‌رفت ، که ناگهان چیزی در گلویش گرفت و مرد.
- و گفت : (الهی) اگر بگیری هم تو هستی که می‌دهی و اگر بیمار گردانی هم تو هستی که عافیت می‌بخشی.
- آنان را قسم داد که شیون و فریاد نکنند.
- خدایی که فرزندان ما را می‌کشد ، اما جز بر عشق ما به او افزوده نمی‌شود و چون پیکرش را به خاک سپرد ، فرمود : فرزندانم! خداوند آرامگاه تو را گشایش دهد و تو را با پیامبرت گرد آورد.
- شیون کردن برای مرده.
- پیامبر خدا (ص) : شیون کردن ، کار جاهلیت است.
- امام علی (ع) در نامه‌ای که به رفاعه بن شداد ، قاضی خود در اهواز نوشت ، فرمود : مبادا در شهری که تو در آن قدرت داری بر مرده شیون شود.
- امام کاظم (ع) در پاسخ به سؤال از نوحه کردن برای مرده ، فرمود : کراهت دارد.
- هنگامی که امام علی (ع) ، شیون زنان بر کشتگان صفین را شنید ، به حرب بن شرحبیل شبامی فرمود : زنان شما با این شیون که می‌شنوم ، بر شما چیره شدند؟ چرا آنان را از این فریادها باز نمی‌دارید؟
- امام صادق (ع) : هر که خداوند به او نعمتی عطا فرماید و او در هنگام برخوردار شدن از آن نی نوازد ، کفران نعمت کرده است و هر که به مصیبتی گرفتار آید و در آن نوحه‌خوان آورد به آن مصیبت دامن زده است.
- عایشه : هنگامی که ابراهیم درگذشت پیامبر (ص) چندان گریست که اشکهایش بر محاسنش جاری گشت.
- خدا! شما از گریستن نهی می‌کنید و خود می‌گریید؟ فرمود : این گریه نیست ، بلکه رحم است ، و هر که رحم نکند ، به او رحم نمی‌شود.
- جابر بن عبدالله : پیامبر خدا (ص) دست عبد الرحمان بن عوف را گرفت و نزد ابراهیم که در حال جان دادن بود آمد.
- خواست خدا کاری از من ساخته نیست و از چشمانش اشک سرازیر شد.
- کرد : ای رسول خدا! گریه می‌کنید؟ مگر شما خود از گریستن نهی نفرمودید؟ حضرت فرمود : من از شیون کردن نهی کردم ، از دو صدای احمقانه و زشت : صدایی که در هنگام خوشی بلند می‌شود ، یعنی لهو و لعب و ساز و آواز شیطانی و صدایی که هنگام مصیبت بر می‌خیزد : خراشیدن چهره و دریدن گریبان و فریاد شیطانی.
- نکند به او رحم نمی‌شود.
- خداست که باید رفت و بازماندگان ما به رفتگانمان می‌پیوندیم ، هر آینه بیش از این برای تواند و هگین می‌شدیم و ما برای تو غمگینیم.
- خدای عز و جل را ناخشنود سازد ، بر زبان نمی‌آوریم.
- امام علی (ع) : هر که مصیبت‌های کوچک را بزرگ شمارد ، خداوند او را به مصیبت‌های بزرگ مبتلا

گرداند.

- امام صادق (ع) : خدای تعالی با سه کار به بندگان خود لطف فرمود : گندیده شدن بدن بعد از مرگ که اگر چنین نبود هیچ عزیزی عزیز خود را دفن نمی کرد و فراموشی بعد از مصیبت، که اگر چنین نبود نسل (بشر) قطع می شد و کرم خوردگی این دانه (گندم و) که اگر چنین نبود فرمانروایانشان، همچنان که زر و سیم رامی اندوزند، آن را نیز می اندوختند.

4- امتحان با ریاست

نکوهش ریاست.

- امام علی (ع) : ریاست (مایه) نابودی است.

- امام صادق (ع) : دم باش و سر مباح.

- امام باقر (ع) : در پی سر بودن مباح، که دم می شوی.

- امام صادق (ع) - از مناجاتهای خدای تعالی با موسی (ع) - : به حال کسی که مردم از او خشنودند غبطه مخور تا آن که بدانی خدا هم از او خشنود است و به حال کسی که مردم فرمانش را می برند نیز غبطه مخور، زیرا طاعت و پیروی بناحق مردم از او، باعث هلاکت او و پیروانش باشد.
- در زبور آمده است : ریاست، ریاست پادشاهی نیست، بلکه ریاست (حقیقی) ریاست آخرت است. خطر ریاست طلبی برای دین.

قرآن.

((آن سرای آخرت را از آن کسانی ساخته ایم که در این جهان نه خواهان برتری جویی هستند و نه خواهان فساد و سرانجام نیک از آن پرهیزگاران است)).

- امام رضا (ع) - پس از آن که نام مردی را برد و گفت : او ریاست طلب است - فرمود : اگر دو گرگ درنده به یک رمه بی شبان حمله کنند خسارتی که می زنند کمتر است از خسارتی که جاه طلبی به دین مسلمان وارد می کند ((۱۴)).

- امام باقر (ع) : مال دوستی و جاه طلبی به دین مؤمن زودتر خسارت می زند تا حمله دو گرگ درنده به یک رمه بی شبان که یکی از جلورمه حمله آورد و دیگری از آخر آن. بر حذر داشتن از ریاست دوستی.

- امام صادق (ع) : همانا بدترین شما کسی است که دوست دارد پشت سرش راه روند، چنین کسی ناچار دروغ پرداز یا سست اندیش باشد.

- پیامبر خدا (ص) : نخستین بار خدای تعالی به شش خصلت نافرمانی شد : دنیا دوستی، ریاست طلبی، شکم پرستی، زن بارگی، علاقه مفراط به خواب، و آسایش طلبی.
- امام علی (ع) : آفت دانشمندان ریاست طلبی است.

- پیامبر خدا (ص) : هر کس دوست داشته باشد که مردم در برابرش به تعظیم بایستند، جایگاهش در دوزخ است.

- امام صادق (ع) : حب مقام و شهرت در دل ترسان بیمناک (از خدا) نباشد. نابودی ریاست طلب.

- امام صادق (ع) : از این سران ریاست پیشه بپرهیزید ، زیرا به خدا سوگند که کفشها در پی مردی به صدا در نیاید مگر آن که او هلاک شود و دیگران (پیروانش) را نیز به هلاکت اندازد.

- هر که جویای ریاست باشد ، نابود شود.

- هر که ریاست خواهد هلاک شود.

ریاست طلبی نکوهیده کدام است؟.

- امام صادق (ع) : به سفیان بن خالد فرمود : ای سفیان! از ریاست بپرهیز ، زیرا هر که جویای ریاست

شد هلاک گشت عرض کردم: فدایت شوم! پس همه ما هلاک شدیم ، زیرا هیچ یک از ما نیست جز

آن که دوست دارد اسمش برده شود و مردم به او روی آورند و از او استفاده کنند حضرت فرمود :

درست متوجه نشدی ، بلکه ریاست طلبی به این معناست که بی دلیل مردی را علم کنی و هر چه

می گوید تصدیق نمایی و مردم را به عقیده او فرا خوانی.

- به ابو حمزه ثمالی فرمود : از ریاست بپرهیز و از راه افتادن پشت سر شخصیتها خود داری کن

عرض کردم : فدایت شوم ، (مذموم بودن) ریاست را دانستم اما دو سوم آنچه (از اخبار و احادیث

شما) در دست دارم از همین راه افتادن دنبال رجال و شخصیتهاست حضرت فرمود : درست

متوجه نشدی بلکه مقصود این است که مبادا کسی را بدون دلیل علم کنی و هر چه می گوید

تصدیق نمایی.

- هر که به ناحق جویای ریاست شود از اطاعت به حق مردم نسبت به خود محروم گردد.

آفت ریاست.

- امام علی (ع) : آفت ریاست فخر فروشی است.

- امام صادق (ع) : کسی که مردم را به اندک گناهی کیفر دهد نباید به سروری چشم بدوزد.

- شما را از پنج واقعیت آگاه می سازم : بخیل را آسایش و حسود را خوشی و شاهان را وفاداری و

دروغگو را مردانگی و نادان را سروری نباشد.

5- آزمایش با خوف و هراس

جنگ خندق در سال پنجم هجری واقع شد. مشرکین باده هزار نفر، مدینه را محاصره کرده بودند و مسلمانان هم در پشت

خندقی که اطراف شهر حفر شده بود، در مواضع خود بسر می بردند. بعضی از مسلمانان از کثرت لشکر دشمن دچار هراس

و ترس شده بودند. در این زمینه قرآن می فرماید: «إِنَّ جَائِكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَأَسْفَلَ مِنْكُمْ وَادْزَاغَتِ الْبَصَارُ» یاد بیاورید آن

زمانی را که دشمن از بالا و از پایین بر شما هجوم آورد و چشمان شما از ترس جابجا شدند.

دشمن 27 روز مدینه را محاصره کرد. سپس چند نفر از شجاعانش از جمله عمرو بن عبدود و عکرمه بن ابی جهل و نوفل بن عبدالله

و ضرار بن خطاب از خندق راهی را پیدا کردند و خود را به نزدیکی مسلمانان رساندند. عمرو که او را با هزار سوار برابر می دانستند پیش

آمد و مبارز طلبید. احدی جرأت جواب دادن به او را پیدا نکردند تا عاقبت علی (ع) خارج شد و در مقابل او قرار گرفت. پیامبر در این

موقع فرمود: تمامی ایمان در مقابل تمامی کفر قرار گرفته است. علی (ع) بعد از مبارزه ای سر عمرو را از تن جدا کرد. که پیامبر

فرمود: ضربت علی در خندق از عبادت انس و جن تا روز قیامت، برتر است.

شکست دشمن آغاز شد و مخصوصاً طوفان، سنگریزه و خاک را بر لشکر دشمن می ریخت. یکی از مسلمانان هم در لشکر دشمن رخنه کرد و اتحادیهود با آنان را برهم زد. با این عوامل لشکر دشمن عقب نشینی کرد و به مکه بازگشت.

توطئه علیه امام ششم علیه السلام

راوی می گوید که روزی منصور دوانقی غضبناک شد و تصمیم به قتل امام صادق (ع) گرفت. لذا امام را احضار نمود. هنگامی که امام به در قصر او رسیدند، امام به من (راوی) فرمود: صبر کن تا دور کعت نماز بخوانم. وقتی امام نماز خواندند و نزد منصور رفتند. منصور اول عصبانی بود ولی بعد بصورت یک آدم متملق درآمد و امام را با احترام به منزلش برگرداند.

در زندگی علماء زیاد شنیده شده که در مواقع بحرانی و خطر به نماز روی می آوردند. از جمله وقتی حکم کشتن ملاطاهر قمی از سوی شاه طهماسب صفوی صادر شد و مأمور جلاد با دست خط شاه نزد ملاطاهر رفت. قبل از اجرای حکم شاه، ملاطاهر مشغول نماز شد، و یک نماز طولانی را شروع کرد. ناگاه حکم دیگر شاه مبنی بر دستگیری ایشان و رفتن نزد شاه با اطلاع ملاطاهر رسید. و هنگامی که او را نزد شاه بردند، سخنانی بینشان رد و بدل شد و عاقبت با صحت و سلامت از کاخ شاه بیرون آمد.

- پیامبر خدا (ص): هر گاه مؤمن مرتکب گناهان شود، به سبب آنها گرفتار فقر آید اگر آن گناهانش را پاک نکرد به بیماری مبتلا شود و اگر آن هم گناهانش را نزدود به ترس از تعقیب قدرت حاکمه گرفتار آید و اگر این نیز گناهانش را پاک نکرد هنگام مردن بسختی جان دهد تا آن که سرانجام خدا را بدون گناهی که به سبب آن بازخواست شود، دیدار کند و دستور داده شود که او را به بهشت برند.

- امام صادق (ع): همانا مؤمن خواب هولناک می بیند و به سبب آن گناهانش بخشوده می شود و آسیب بدنی می بیند و بدان سبب گناهانش آمرزیده می شود.

6- امتحان با دنیا

زندگی دنیوی.

قرآن.

((پس، تو نیز از کسی که از سخن ما رویگردان می شود و جز زندگی دنیوی را نمی جوید اعراض

کن منتهای دانش آنان همین است پروردگار تو به آن که از راهش گمراه می شود یا به راه هدایت

می افتد دانایتر است)).

- ((بعد از اینان گروهی به جایشان نشستند و وارث آن کتاب شدند که به متاع دنیوی دل بستند و گفتند که به زودی آمرزیده می شویم و اگر همانند آن باز هم متاعی بیابند بگیرند آیا از ایشان پیمان نگرفته اند که درباره خدا جز به راستی سخن نگویند ، حال آن که آن چه را در آن کتاب آمده بود خوانده بودند؟ سرای آخرت برای کسانی که می پرهیزند بهتر است آیا تعقل نمی کنید؟)).
- امام علی(ع) : دنیا از آن رو دنیا نام گرفته که پست ترین (یا نزدیکترین) چیزهاست و آخرت از آن رو آخرت نامیده شده که سزاوار پاداش در آن جاست.
- یزید بن سلام از رسول خدا(ص) پرسید : دنیا چرا دنیا نامیده شده است؟ فرمود : چون دنیا پست است و پایین تر از آخرت آفریده شده است اگر همپایه با آخرت آفریده شده بود اهل آن فانی نمی شدند ، همچنان که اهل آخرت چنانند عرض کرد : آخرت چرا آخرت نامیده شده است؟ حضرت فرمود : چون متاخر است و بعد از دنیا فرامی رسد ، سالهایش به وصف نیاید و روزهایش بی شمار است و ساکنان آن نمی میرند.
- امام علی(ع) : مردم فرزندان دنیایند و هیچ کس برای دوست داشتن مادرش سرزنش نمی شود.
- مردم فرزندان دنیا هستند و فرزندبر دوست داشتن مادرش سرشته شده است.
- امام علی(ع) : دنیا چه سرای نیکویی است برای کسی که آن را خانه (همیشگی) خویش نداند و چه جایگاه خوبی است برای کسی که آن را وطن خود قرار ندهد.
- آخرت با دنیا به دست می آید.
- پیامبر خدا(ص) : دنیا کشتزار آخرت است.
- امام باقر(ع) : از جمله سخنان نجو آمیز خدای تعالی با موسی(ع) این بود که دنیا سرای ستمگران است مگر آنان که در دنیا کردار نیک کنند ، برای اینان دنیا سرایی نیکوست.

امتحانات الهی

- امام علی(ع) : بد سرایی است دنیا برای کسی که خود را در آن (برای آخرت) آماده نکند و در آن بیمناک نباشد.

دنیا برای آخرت آفریده شده است.

- امام علی(ع) : همانا خدای سبحان دنیا را برای پس از آن آفریده و اهل دنیا را در آن می آزماید تا معلوم شود که چه کسی نیک کردارتر است ، ما برای دنیا آفریده نشده ایم و به کوشش در آن (برای به دست آوردن حطام دنیوی) مامور نگشته ایم.

- دنیا نه برای خودش که برای جز خود آفریده شده است.

- پیش از آن که پیکرهایتان از دنیا برود ، دلهای خود را از آن بیرون برید ، زیرا در اینجا آزمایش می شوید و برای جز آن آفریده شده اید.

- پیامبر خدا(ص) : بنده باید از دنیای خود برای آخرتش و از زندگی خود برای مردنش و از جوانی خود برای پیریش توشه بگیرد ، زیرا که دنیا برای شما آفریده شده است و شما برای آخرت. تفسیر دنیا (۱).

دنیای بلاغ و دنیای ملعون.

- امام سجاد(ع) : دنیا دو گونه است : دنیای بلاغ و دنیای ملعون.

- پیامبر خدا(ص) : دنیا و هرچه در آن می باشد ملعون است مگر آنچه که به واسطه آن خشنودی خدا طلب شود.

- دنیا و هرچه در آن می باشد ملعون است مگر آنچه که در دنیا در راه خدای عز و جل استفاده شود.

- خدای تعالی به موسی (ع) وحی فرمود : دنیا سرای کیفر است ، در آن آدم را به سبب خطایی که از او سر زد کیفر دادم و آن را ملعون قرار دادم و هرچه در دنیا است ملعون است مگر آنچه که برای

من باشد.

- امام علی (ع) : بدانید که دنیا سرایی است که هیچ کس از آن به سلامت نمی‌رهد جز با دل برکندن از آن و هیچ کس به واسطه کاری که برای دنیا کند نجات نمی‌یابد مردم برای آزمایش گرفتار دنیا شده‌اند آنچه را از دنیا به خاطر دنیا برگرفتند از کفشان برود و باید حساب پس دهند و آنچه را از دنیا برای غیر آن (آخرت) به دست آوردند به آن برسند و همیشه با آنهاست.

- امام صادق (ع) - در زیارت وداع با امام حسین (ع) - : خدایا! نه چندان دنیا را بر من زیاد گردان که با سرگرم شدن به زیباییهای شگفت آور و فریفته شدن به درخشندگی زیورهای آن از یاد تو باز مانم و نه چندان در تنگنایم قرار ده که رنج آن به کار من (برای آخرت) لطمه زند و هم و غم آن سینه‌ام را بپاکند از دنیا آن اندازه به من ده که از بندگان بدت بی‌نیاز مانم و به سبب آن به خشنودی تو دست یابم.

- امام علی (ع) - به مردی که از نیازمندی خود نزد او شکوه کرد - : بدان که هر چه از دنیا بیش از قوت و نیازت به تو رسد تو خزانه دار آن برای دیگران هستی.

- پیامبر خدا (ص) : دنیا را برای اهلش واگذارید ، زیرا هر که از دنیا بیش از حد کفایت خود بگیرد ، نادانسته ، مرگ خود را شتاب بخشیده است.

- امام علی (ع) : در دنیا بیش از احتیاج نجوید و بیش از کفاف از آن نخواهید.

- اندک دنیا بهتر است از بسیار آن و آنچه به قدر کفایت باشد شایسته‌تر است از آن مقدار که به نابودی آدمی انجامد.

- امام صادق (ع) : لقمان به فرزندش گفت : از دنیا به قدر کفاف بگیر و آن را رها مکن چندان که نانخور مردم شوی و در آن چندان فرومرو که به آخرت زیان رساند.

- پیامبر خدا(ص): هیچ کس از ما، از پیشینیان و پسینیان، نیست مگر آن که در روز قیامت آرزو می کند کاش از دنیا بیش از قوتش به او داده نمی شد.

- امام صادق(ع): اگر توانی از دنیا به چیزی دست نیابی که فردا(ی قیامت) از آن باز خواست شوی، این کار را بکن.

- امام علی(ع): متاع دنیا چون خاشاک است و مال و میراثش گل و لای و لجن، به قدر کفاف از آن برگرفتن بهتر است از جمع کردن آن، دل برکندن از آن آرام بخش تر است تا دل بستن به آن، فزونخواه محکوم به فقر و درویشی است و دنیا گریز در آرامش و آسودگی است.

- سلمان فارسی (رض) در هنگام مرگ اظهار تاسف و دریغ کرد، سؤال شد: ای اباعبدالله، از بهر چه افسوس می خوری؟ گفت: اندوه و افسوسم برای دنیا نیست، بلکه چون پیامبر خدا(ص) به ما سفارش کرد و فرمود: باید قوت روزانه هر یک از شما به اندازه رهنوشه یک مسافر باشد، من با این همه اثاثیه ای که پیرامونم هست می ترسم از دستور آن حضرت تخطی کرده باشم و سپس با دستش به اثاث خانه اش اشاره کرد و گفت: آن بالش و شمشیر و قدح.

بر گرفتن از دنیا به اندازه ضرورت.

- امام علی(ع): این پیامبران و برگزیدگان خدا از دنیا دل برکنند و سپس مردمان صالح و پارسا در پی آنان رفتند و دنیا را چون مرداری دیدند که جز در حال ضرورت خوردن از آن بر هیچ کس روا نیست و از آن به اندازه ای خوردند که زنده بمانند و نمیرند و دنیا را به منزله لاشه ای بس گندیده دانستند که هر کس (از آنها) بر آن می گذشت دهان (و بینی) خود را می گرفت آنان از دنیا به کمترین قوت بسنده می کردند.

برادران من! به خدا سوگند دنیا، در این سرای و آن سرای - در نظر کسی که اندیشه اش راناب و

امتحانات الهی

- فکرش را خالص گرداند - گندیده‌تر از لاشه و ناخوشایندتر از مردار است ، اما آن که کارش دباغی پوست است ، مانند کسی که از کنار آن لاشه و مردار می‌گذرد یا نزدیکش نشسته‌است گندیدگی آن را حس نمی‌کند و بوییش آزارش نمی‌دهد.
- امام صادق(ع) : دنیا در نظر من چونان مردار است ، که هر گاه ناچار شوم از آن می‌خورم.
- امام علی(ع) : مؤمن به دنیا تنها به‌دیده عبرت می‌نگرد و از روی ناچاری از آن قوت خود را برمی‌گیرد و با گوش خشم و نفرت به آن گوش می‌دهد.
- کسی که از دنیا کم (و به اندازه نیاز) برگیرد مایه ایمنی بسیار به دست آورده است و هر که از آن مقدار زیادی به دست آورد مایه هلاک خود را افزون ساخته است.
- بخشی از اندرزنامه آن حضرت به یکی از یارانش - : هر که تقوای خدا پیشه کند قوی شود و از غذا و آب سیر گردد و خردش از حد دنیا پرستان فراتر رود حرام دنیا را پلید داند و از شبهات آن دوری گزیند ، به خدا سوگند که به حلال خالص دنیا هم روی خوش نشان ندهد ، مگر به اندازه‌ای که نیاز دارد ، مانند تکه نانی که بدنش را نیرو دهد و جامه‌ای که برهنگیش را بپوشاند ، آن هم از درشت‌ترین و زبرترین خوراک و لباسی که به دستش می‌رسد و به آنچه هم که چاره‌ای از آن ندارد اطمینان و امیدی ندارد.
- دنیا سرای منافقان است نه سرای پرهیزگاران ، پس از دنیا به اندازه‌ای بهره بگیر که به بدنت نیرو دهد و زنده بمانی و توشه‌ای برای معادت باشد.
- پیامبر خدا (ص): از زیادهای دنیا (و آنچه مازاد بر نیاز شماست) بگریزید همچنان که از حرام می‌گریزید ، دنیا را کم اهمیت بدانید همچنان که مردار را و از زیادهای دنیا و کردارهای ناپسندتان به درگاه خدا توبه برید تا از عذاب سخت رهایی یابید.

دنیا از آن کسی است که آن را رها کند.

- پیامبر خدا (ص) : خدای تبارک و تعالی به دنیا وحی فرمود : در خدمت آن کس باش که مرا

خدمت می کند و آن را که در خدمت توست به رنج در فکن.

- چون خداوند دنیا را بیافرید، او را به اطاعت خود فرمان داد و دنیا پروردگارش را اطاعت کرد

پس ، خدا به دنیا فرمود : با هر که تو را بجوید ، سر ناسازگاری نشان بده و به هر که با تو مخالفت

ورزد روی خوش و سازگاری نشان بده پس ، دنیا بر این سفارشی که خدا به آن کرد می چرخد و

همان سرشت اوست.

- خداوند جل جلاله به دنیا وحی فرمود که: هر که تو را خدمت کند به رنجش در فکن و به هر که تو

را دور فکند خدمت کن.

- امام علی (ع) : بهره دنیا به سوی آن کس می شتابد که خواستار آن نباشد.

- دنیا از آن کسی است که آن را رها کند و آخرت برای کسی است که آن را بجوید.

- هر که برای دنیا بکوشد آن را از دست بدهد و کسی که از دنیاخواهی دست کشد ، دنیا به سراغش

آید.

- کسی که از دنیا دوری کند ، دنیا با خواری نزد او آید.

- کسی که دنیا را خدمت کند ، دنیا او را به خدمت گیرد و کسی که خدای سبحان را خدمت کند

دنیا به خدمت او در آید.

- اگر تو به دنیا روی کنی او به تو پشت کند و اگر تو به دنیا پشت کنی او به تو روی آورد.

- پیامبر خدا (ص) : خدای تعالی دنیا را به نیت آخرت می دهد و از این که دنیا را به نیت دنیا بدهد

ابا دارد.

امتحانات الهی

- امام علی(ع) : هر که در طلب دنیا بکوشد به آن نرسد و هر که از آن دست بکشد دنیا خود نزد او آید.

- حکایت دنیا حکایت سایه توست که اگر بایستی می ایستد و اگر دنبالش کنی دور می شود.

- به موسی (ع) وحی شد که : هیچ کس نیست که دنیا را بزرگ شمارد و در آن شادمانی و خرمی بیند و هیچ کس آن را خرد و ناچیز نشمرد جز آن که از آن سود برگرفت.

نکوهش ناآگاهانه دنیا.

- پیامبر خدا(ص) : اگر کسی بگوید : نفرین بر دنیا ، دنیا گوید : نفرین بر نافرمانترین ما دو نفر نسبت به پروردگار.

- به دنیا ناسزا مگویید که آن نیکو مرکی است برای مؤمن ، زیرا به وسیله آن به خیر و خوبی می رسد و از شر و بدی می رهد هر گاه بنده بگوید : لعنت خدا بر دنیا ، دنیا گوید : لعنت خدا بر نافرمانترین ما نسبت به پروردگار.

- امام علی (ع) : ای کسی که دنیا را نکوهش می کنی ، اما فریفته پوچیها و اباطیل آن هستی! فریفته دنیایی و نکوهشش می کنی؟ آیات او را مجرم و گناهکار می دانی یا او تو را؟ دنیا کی شیفته ات کرد یا کی فریبت داد؟ دنیا برای کسی که از در راستی با آن درآید سرای راستی است و برای کسی که آنرا نیک بفهمد سرای عافیت و سعادت است و برای کسی که از آن توشه بردارد سرای توانگری و بی نیازی است.

- ای که دنیا را نکوهش می کنی! آیا تو بر او دعوی جرم و گناه داری یا او بر تو؟ یکی از حاضران

گفت : ای امیرالمؤمنین! من بر او دعوی جرم و گناه دارم حضرت به او فرمود : با این حال چرا

آن را نکوهش می کنی؟ مگر نه این که دنیا برای کسی که با آن از در راستی درآید سرای راستی

است اگر دنیا را بر تلخیهایش نکوهش می‌کنی بر شیرینهایش نیز آن را بستای ، در غیر این صورت رهایش کن و نه به مدح آن زبان بگشای و نه نکوهشش.

- اما بعد ، چه شده است که گروهی دنیا را نکوهش می‌کنند و به آن پشت می‌کنند؟ دنیا برای کسی که با آن از در راستی درآید سرای راستی است ای جابر! کیست آن که دنیا را نکوهش می‌کند حال آن که دنیا خود اعلان جدایی کرده است؟ پس ، گروهی در فردای پشیمانی آن را نکوهش کنند(و گروهی دیگر آن را بستایند) و دنیا به همه آنان خدمت کرده است.

- امام هادی (ع) : دنیا بازاری است که گروهی در آن سود می‌برند و گروهی زیان می‌بینند.

بینا شدن در دنیا.

- امام علی(ع) : همانا دنیا آخرین دید رس کور است و فراتر از آن را نمی‌بیند ، اما شخص بینا و بابصیرت نگاهش را از دنیا فراتر می‌برد و می‌داند که سرای حقیقی در ورای این دنیاست پس بینا از دنیا دل برمی‌کند و کور به آن روی می‌کند شخص با بصیرت از آن توشه بر می‌دارد و کور برای آن توشه فراهم می‌آورد.

- هر که به وسیله دنیا نگاه کند (و آن را آینه عبرت سازد) دنیا بینایش گرداند و هر که به دنیا بنگرد (و جز آن نبیند) دنیا کورش سازد (و ورای آن را نبیند).

ویژگیهای دنیای نکوهیده.

- امام علی(ع) : دنیا خوابی است و فریفته شدن به آن مایه پشیمانی است.

- دنیا بازار زیان است.

- دنیا میدان به خاک افتادن خردهاست.

- دنیا مضحکه‌ای گریه انگیز است.

- دنیا طلاق داده زیرکان است.
- دنیا زهر است ، کسی آن را می خورد که نمی شناسدش.
- دنیا معدن بدی و جایگاه فریب است.
- دنیا برای هیچ نوشنده ای گوارا و به هیچ دوستی وفادار نیست.
- دنیا کشتزار شر و بدی است.
- دنیا آرزوی نگونبختان است.
- دنیا (آدمی را) تسلیم می کند.
- دنیا (آدمی را) خوار می سازد.
- دنیا آرزوی پلیدان است.
- کسی که با دنیا پیوند زند ، پیوندش بریده شود (و به آرزویش نرسد).
- مسیح (ع) : ای آن که دنیا را به هدف کار خیر کردن می جویی ، ترک کردن دنیا کاری نیکوتر است.
- روایت شده است که چون عثمان بن مظعون درگذشت پیامبر (ص) پارچه را از صورت او کنار زد و میان دو چشمش را بوسید و آن گاه مدتی طولانی گریست و چون تابوت را برداشتند پیامبر فرمود : خوشا به حالت ای عثمان ! نه دنیا جامه خود را بر تو پوشاند و نه تو جامه دنیا را پوشیدی.
- دنیا دوستی منشا هر گناهی است.
- از وحیه های خدای تعالی به موسی (ع) : بدان که بذر هر گمراهی و فتنه ای را دنیا دوستی افشانده است.
- پیامبر خدا (ص) : بزرگترین گناهان دنیا دوستی است.

- امام صادق (ع) : منشا هر گناهی دنیا دوستی است.
- پیامبر خدا (ص) : دنیا دوستی ریشه هر معصیت و آغاز هر گناهی است.
- امام علی (ع) : دنیا دوستی منشا فتنه‌ها و ریشه محنتهاست.
- شیفتگی به دنیا منشا همه آفات است.
- همانا دنیا مایه تباهی دین و سلب‌یقین است و راس فتنه‌ها و ریشه رنجها و محنتها همان است.
- همانا تو خدای سبحان را با کاری زیانبارتر از دنیا دوستی دیدار نخواهی کرد.
- در حدیث معراج آمده است : اگر بنده به اندازه (همه) اهل آسمان و زمین نماز بگزارد و به اندازه روزه اهل آسمان و زمین روزه بگیرد و چون فرشتگان از طعام کناره گیرد و جامه (فقیران) برهنه را بپوشد ، اما ذره‌ای از حب دنیا یا رفاه آن ، یا ریاست آن یا زیور و زینت آن را در دلش مشاهده کنم ، هرگز در سرای و جوار من نخواهد بود و محبت خود را از دلش برخواهم کند.
- امام صادق (ع) : نخستین چیزهایی که موجب نافرمانی و معصیت خدا شد شش چیز بود : دنیا دوستی ، ریاست طلبی ، شکم پرستی ، زن دوستی ، پرخواهی و راحت طلبی.
- امام سجاد (ع) : بعد از شناخت خدای عزوجل و شناخت پیامبر او (ص) هیچ عملی بهتر از بغض و نفرت از دنیا نیست و این معاصی از آن سرچشمه گرفت : زن دوستی ، دنیا دوستی ، ریاست طلبی ، تن آسایی ، شهوت کلام و عشق به مقام و ثروت همه هفت خصلت در دنیا دوستی جمع شده است ، از این رو ، پیامبران و عالمان ، بعد از شناخت این مطلب ، گفتند که : دنیا دوستی سرچشمه هر گناهی است.

آنچه که دنیا دوستی به شمار نمی‌آید.

- پیامبر خدا (ص) : جستن آنچه از دنیا که تو را اصلاح می‌کند دنیا دوستی نیست.

امتحانات الهی

- ابن ابی یغفور : به امام صادق (ع) عرض کردم : ما دنیا را دوست داریم فرمود : تا با آن چه کنی؟
عرض کردم : ازدواج کنم ، حج بروم ، خرج خانواده ام را بدهم ، به برادرانم رسیدگی کنم و صدقه
بدهم حضرت فرمود : این از دنیا نیست بلکه از آخرت است.

پیامدهای دنیا دوستی.

- امام علی (ع) : پس ، دنیا را رها کن که دنیا دوستی (انسان را) کور و کر و لال و خوار می سازد.
- دنیا دوستی خرد را تباه می کند و دل را از شنیدن حکمت کر می سازد و موجب عذاب دردناک
می شود.

- خداوند به داود فرمود : ای داود! از دل‌های وابسته به شهوات و خواهشهای دنیوی پرهیز کن ، زیرا
که خردهای آنان از (دیدن) من در حجابند.

- امام علی (ع) : هر که دنیا بر او چیره شود از دیدن آنچه فراپیش اوست کور گردد.

- آن که دلش غرق دنیا دوستی باشد سه چیز از این جهان پیوسته با او باشد : اندوهی که او را رها
نمیزد ، حرصی که از او دست برندارد و آرزویی که به آن نرسد.

- امام صادق (ع) : هر که به دنیا دل بندد به سه چیز دل بسته است : اندوه بی پایان و آرزوی دست
نیافتنی و امید نا رسیدنی.

- امام علی (ع) : هر که دوستدار ماندن است ، باید برای مصیبت‌ها و گرفتاریها دلی شکبیا آماده کند

- پیامبر خدا (ص) : دنیا دوستی در دل هیچ بنده ای جا نکرد مگر آن که سه چیز پیوسته با او شد :

گرفتاری و مشغله ای که رنج آن را پایانی نباشد ، فقری که به توانگری و بی نیازی نینجامد
و آرزویی که به آخر نمی رسد.

- امام علی(ع) : اگر به دنیا دل بندید عمر خود را در راه چیزی صرف کرده‌اید که نه شما برای آن می‌مانید و نه آن برای شما.

- هر که هم و غمش دنیا باشد ، در هنگام جدا شدن از آن بسیار حسرت و دریغ خورد.

- امام صادق(ع) : هر که بیشتر به دنیا بچسبد هنگام جدایی از آن بیشتر افسوس خورد.

- امام علی(ع) : دنیا دوستی موجب طمعکاری می‌شود.

- پیامبر خدا(ص) : جدا شدن طمع از دلی که دنیا دوست باشد حرام است.

- دنیا مایه گرفتاری دلها و تنهاست ، خدای تبارک و تعالی از نعمتهای حلالش که به ما داده بازخواست می‌کند ، چه رسد به نعمتهایی که از حرام به دست آید.

- امام علی(ع) : دنیا دوست برای دیگران جمع می‌کند.

- آنان که از دنیا بهره‌مند و کامروایند دل‌هایشان گریان است هر چند (به ظاهر) شاد باشند ، از خویشتن بسیار خشمگین و ناراضی هستند هر چند به سبب پاره‌ای از آنچه در دنیاینبیشان شده است ، خوشحال باشند.

- امام کاظم(ع) : کسی که دنیا را دوست داشته باشد ، ترس از آخرت از دلش برود.

- مصباح الشریعة : امام صادق(ع) فرمود : هر که دنیا را دوست داشته باشد دچار تکبر شود و هر که

آن را بپسندد و نیکویش شمارد حریص گردد و هر که دنیا را بطلبد گرفتار طمع گردد و هر که

آن را بستاند دنیا جامه ریابر او پوشاند و هر که دنیا را بخواهد دچار عجب و خودپسندی گردد و

هر که به آن تکیه کند دنیا او را بر مرکب غفلت نشانند.

- امام علی(ع) : به سبب دنیا دوستی است که گوشها از شنیدن حکمت کر شده و دلها از دیدن

نور بصیرت کور گشته است.

امتحانات الهی

- در خبر معراج آمده است که خدای تبارک و تعالی فرمود: ای احمد! اگر بنده به اندازه نمازهای اهل آسمان و زمین نماز گزارد و به اندازه روزه‌های اهل آسمان و زمین روزه بگیرد و چون فرشتگان از غذا کناره گیرد و جامه عابدان بر تن کند، اما در دل او ذره‌ای دنیا دوستی یا شهرت طلبی، یا ریاست طلبی، یا علاقه به زیورهای دنیا ببینم هرگز در خانه‌ام به جوار من درنیاید و محبت خود را از دل او برکنم (و دلش را سیاه کنم تا مرا از یاد برد و حلاوت محبت خود را به او نچشانم).

نفرت از دنیا.

- امام علی(ع): آیا آزاده‌ای نیست که این خرده ریزه‌های لای دندانها (دنیا) را برای اهلش واگذارد؟ بدانید که جانهای شما را بهایی جز بهشت نیست، پس آنها را جز به این بهامفروشید.
- این پیامبران و برگزیدگان خدا از (آلوده شدن به) دنیا رستند و در آنچه از دنیا که خداوند به زهدشان خوانده بود زهد ورزیدند و آنچه را خدا دشمن داشت دشمن داشتند و آنچه را او خرد شمرد، خرد شمردند.

- امام سجاده(ع) هر گاه آیه ((ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا بترسید و با راستگويان باشید)) را تلاوت می‌کرد، می‌گفت: خدایا! مرا در بالاترین درجه این فراخوان قرار ده و با برخوردار کردن از اراده قوی (برای پاسخ گفتن به این دعوت تو) یاریم رسان و دل و زبانی روزیم کن که در نکوهش دنیا و دوری کردن از آن همگام باشند تا این که جز سخن راست نگویم.

- امام علی(ع): سرمشق بودن پیامبر خدا(ص) برای تو کافی است و راهنمایی است برای این که به نکوهیدگی و ننگین بودن دنیا و فراوانی رسواییها و بدیهایش پی ببری، چه آن که دنیا از آن حضرت گرفته شد و برای دیگران فراهم گشت و از شیر (مادر) دنیا باز گرفته شد و از زیباییها و

زخارف آن دور گشت پس ، به پیامبر پاک و پاکیزه اقتدا کن ، زیرا که آن حضرت برای کسی که بخواهد به کسی تاسی جوید سرمشق است و برای کسی که بخواهد به کسی منتسب باشد بهترین است و محبوبترین بندگان نزد خدای متعال کسی است که به پیامبر او تاسی جوید و از او لقمه دنیا را با اطراف دندان می خورد (به اندازه ضرورت از دنیا برمی گرفت) و گوشه چشمی پیروی کند.

هم به دنیا نداشت ، پهلوهایش از همه لاغرتر و شکمش از همه گرسنه تر بود، دنیا به او پیشنهاد شد اما از پذیرفتن آن سرباز زد و دانست که خدای سبحان چیزی (علاقه به دنیا) را دشمن دارد او هم آن را دشمن گرفت، چیزی را خوار دارد او هم خوارش داشت و چیزی را خرد می شمارد او هم خرد شمرد اگر در ما هیچ (عیبی) نبود جز همین که آنچه را خدا و پیامبرش دشمن دارند دوست داشته باشیم و آنچه را خدا و پیامبرش خرد شمرده اند بزرگ و با ارزش شماریم ، همین خود برای مخالفت ما با خدا و سرپیچی از فرمانش کافی بود.

«رسول خدا(ص)» روی زمین غذا می خورد و همچون بردگان می نشست ، بادیست خود کفکش رامی دوخت و جامه اش را وصله می زد و بر الاغ برهنه سوار می شد و پشت سر خود شخص دیگری را هم سوار می کرد پرده ای با نقش و نگار بر در خانه اش آویخته دید به همسرش گفت : ای زن! این پرده را از جلو چشم من بردار، زیرا هرگاه به آن می نگرم به یاد دنیا و زرق و برق آن می افتم.

او از ته دل از دنیا روی برتافت و نام و یاد آن را در جانش میراند و دوست داشت که زیب و زیور دنیا از جلو چشمش دور باشد ، تا از آن جامه زیبایی تهیه نکند و آن را جای آرامش نداند و امید ماندن همیشگی در آن نداشته باشد.

پس ، دنیا را از جان خود بیرون راند و از دلش دور کرد و از چشمانش پنهان ساخت آری اینچنین کسی که چیزی را دشمن بدارد از نگاه کردن به آن و از این که یاد و نام آن در حضورش

برده شود نفرت دارد.

راه و رسم رسول خدا(ص) تو را به بدیها و عیبهای دنیا رهنمون می شود ، چه ، او و نزدیکانش در دنیا همیشه گرسنه بودند و با این که مقام و منزلت عظیمی (نزد خداوند) داشت زیب و زیورهای دنیا از اودور نگهداشته شد ، پس هر بیننده ای ، بادیده خرد خود بنگرد و ببیند که آیا خداوند با این کار محمد را تکریم کرده یا خوار و کوچکش نموده است؟ اگر بگویند : او را خوار و بیمقدار کرده است ، سوگند به خدای بزرگ که دروغ گفته و بهتان بزرگی زده است و اگر بگویند : او را گرمی داشته است ، پس بدانند که خداوند دیگران را خوار و حقیر کرده است ، چرا که دنیایی را که از نزدیکترین و مقربترین افراد خود گرفته برای آنان گسترده است.

پس ، آن که خواهان پیروی است به پیامبر خود تاسی جوید و گام در جای گامهای او گذارد و هر جاکه او درآمده است درآید و گرنه از تباه شدن ایمن نباشد ، زیرا خداوند محمد(ص) را نشانه قیامت قرارداد و بشارت دهنده بهشت و بیم دهنده از کیفر و عقوبت او با شکم گرسنه از دنیا رفت و با سلامت به آخرت قدم گذاشت تا زمانی که عمرش به سر آمد و دعوت پروردگارش را اجابت کرد سنگی روی سنگ گذاشت چه منت بزرگی خداوند بر مانهاد که نعمت وجود آن حضرت را به ما ارزانی داشت که پیشروی است که ما از او پیروی می کنیم و پیشوایی است که گام در جای گام او می نهیم.

دنیا از دیدگاه امام علی (ع).

- امام علی(ع) : به خدا سوگند ، دنیای شما در نظر من به چیزی نمی ماند جز کاروانی که در آبشخوری فرود آمده باشد و ناگهان کاروان سالار آنها بانگ الرحیل برآورد و آنها بیدرنگ کوچ کنند ، و لذت های آن در نگاه من نیست مگر چونان آب جوشان دوزخ که می نوشم و چونان شرنگ

امتحانات الهی

که جرعه جرعه سرمی کشم و همچون زهرمار که کاسه کاسه می خورم و همانند گردنبندی از آتش که به گردنم می آویزم.

من این جبه خود را آنقدر پینه زده‌ام که از پینه دوز آن خجالت می کشم او به من گفت : این جبه رامنند سنگ سوخته به دور افکن و حاضر نشد آن را پینه زند به او گفتم : دور شو از من ، که بامدادان شبروان ستوده می شوند و رنج بیخوابی از ما زدوده می گردد.

- به خدا سوگند ، که دنیای شما در نظر من از استخوان یک خوک در دست فردی جذامی بی ارزشتر است.

- این دنیای شما نزد من از آب بینی یک بز هم ناچیزتر است.

- همانا دنیای شما نزد من بی ارزشتر است از برگ درختی که در دهان ملخی است و آن را خورد می کند علی را به نعمتهای فناپذیر چه کار!

- دنیای شما در نظر من ناچیزتر است از برگ درختی در دهان ملخی که آن را می شکند و پلشت تر از استخوان خوکی است که فردی مبتلا به جذام دور می افکند و تلختر از حنظلی است که بیماری آن را می جود و دچار تخمه می شود علی را به نعمت فناپذیر و لذت آمیخته به گناه چه کار؟ بزودی من و شیعیانم با چشمانی شب نخفته و شکمهایی لاغر و فرو رفته به دیدار پروردگارمان خواهیم رفت ((تا مؤمنان را بیالاید و کافران را نابود کند)).

- عبدالله بن عباس (رض) : در ((ذی قار)) خدمت امیرالمؤمنین (ع) رسیدم آن حضرت مشغول تعمیر کفش خود بود به من فرمود : ارزش این کفش چقدر است؟ عرض کردم : ارزشی ندارد! حضرت فرمود : به خدا سوگند که این کفش را بیش از فرمانروایی بر شما دوست دارم ، مگر آن که به وسیله آن حکومت حقی را برپا دارم یا باطلی را بر اندازم.

امتحانات الهی

- امام علی(ع) : در گذشته برادری دینی داشتم که ناچیزی دنیا در نگاهش ، او را در نظرم بزرگ کرده بود.

- امام حسن (ع) : ای مردم! بدانید مرابرداری بود که از بزرگترین مردمان در نظر من به شمار می رفت ، مهمترین چیزی که او را در نظرم با عظمت کرده بود بی ارزشی دنیا در نگاه او بود.

- امام علی(ع) : هر که کرامت نفس داشته باشد دنیا در نگاهش خرد آید.

- معاویه از ضرار بن ضمیره شیبانی درباره امیرالمؤمنین(ع) پرسید، ضرار گفت: گواهی می دهم که در شبی تاراو را دیدم که در محرابش ایستاده و محاسنش را گرفته است و مثل مارگزیده به خود می پیچد و مانند مصیبت زده گریه می کند و می فرماید : ای دنیا! ای دنیا! از من دور شو ، آیا خود را به من عرضه می کنی؟ یا آرزومند منی؟ مباد آن روز که مرا بفریبی ، هیاهات ، دیگری را بفریب ، مرا به تو نیازی نیست ، من تو را سه طلاقه کرده ام که رجوعی در آن نیست ، زندگی در تو کوتاه است و اهمیت تو اندک و امید به تو حقیر آه از کمی توشه و درازی راه و دوری سفر و عظمت آن جا که وارد می شویم.

گفتنی است که در نهج البلاغه آمده است: ((از خبر ضرار بن ضمیره ضبائی است که چون بر معاویه وارد شد معاویه از او درباره امیرالمؤمنین (ع) پرسید، و ضرار گفت: گواهی می دهم که او را در یکی از عبادتگاههایش دیدم)) دنباله حدیث با آنچه در تنبیه الخواطر آمده یکسان است.

- امام علی(ع): من دنیا را به رو افکنده ام و به آن به اندازه خودش بها می دهم و با نگاه خودش به آن نگاه می کنم (با دیده بصیرت و عبرت ، یا بانگاهی که زبنده آن است یعنی نگاه حقیرانه و خفت بار به آن می نگرم).

- ای دنیا از من دور شو که ریسمانت را بر پشتت افکنم (رهایت کردم) من از چنگالهای تو

امتحانات الهی

رهیده‌ام و از دامهای تو گریخته‌ام و از افتادن در لغزشگاههای تو دوری کرده‌ام افسوس! آن که به لغزشگاه تو قدم گذاشت لغزید و هر که در ژرفگاههای تو وارد شد غرق گشت ، آن که از دامهای تو رهید رستگار شد و کسی که از دست تو به سلامت ماند چه باک که در دنیا به سختی گذراند ، زیرا دنیا در نظر او به منزله روزی است که زوالش نزدیک است از من دور شو! که به خدا سوگند من رام تو نگردم که خوارم سازی و سر به فرمان تو ننهیم که مرا هر جا خواهی بکشانی.

قرآن:.

((و زندگی دنیا چیزی جز بازیچه و لَهو نیست و برای پرهیزگاران سرای آخرت بهتر است آیا تعقل نمی‌کنید؟)).

((زندگی این دنیا چیزی جز لَهو و لعب نیست و سرای آخرت سرای زندگانی است، اگر می‌دانستند)).

((بدانید که زندگی دنیا بازیچه است و سرگرمی و آرایش و فخر فروشی میان یکدیگر)).

- امام باقر(ع): آیا دنیا جز همانند ستوری است که خواب می‌بینی سوارش شده‌ای و چون بیدار می‌شوی خود را در بستر می‌بینی و نه برستوری سواری و نه افسارش را گرفته‌ای ، یا همانند جامه‌ای که (در عالم خواب) می‌پوشی ، یا چون دختری که (خواب می‌بینی) با او نزدیکی می‌کنی.

- امام علی(ع): جابر بن عبدالله را دید که آهی برکشید، فرمود: ای جابر! برای دنیا آه می‌کشی؟ جابر عرض کرد: آری حضرت فرمود: ای جابر! لذتهای دنیا در هفت چیز است: خوردنی ، آشامیدنی ، پوشیدنی ، آمیزشی ، سوار شدنی ، بوییدنی و شنیدنی.

لذیذترین خوردنی عسل است و آن آب دهان مگسی باشد ، گواراترین آشامیدنی آب است که بر

امتحانات الهی

خاک روا و روان است ، بهترین پوشیدنی ابریشم است و آن از آب دهان کرمی باشد ، برترین همبستر شدنی زنانه و آن فرورفتن مبالی است در مبالی و نزدیکی دو عضوهمانند ، زیباترین چیزی که در زن است (لذت جنسی) از زشتترین عضو او خواسته می شود، بهترین سوارشدنی اسب است و آن کشنده است، ارزشمندترین بوییدنی مشک است و آن خون ناف حیوانی باشد و بهترین شنیدنیها غنا و آواز است که آن هم گناه باشد پس ، آدم خردمند برای چیزهایی با این اوصاف هرگز آه نمی کشد.

جابر بن عبدالله می گوید : به خدا سوگند از آن زمان به بعد هرگز دنیا بر دلم خطور نکرد.

بر حذر داشتن از دنیا.

- امام علی (ع) : شما را از دنیا بر حذر می دارم ، که دنیا جای شادمانی نیست دنیا با چیزهای فریبنده خود را آراسته است و زرق و برق آن کسی را که بدان بنگرد می فریبد.

- شما را از دنیا بر حذر می دارم ، زیرا آن شیرین و باطراوت است و محاط در خواهشهای نفسانی است.

- شما را از دنیا پرهیز می دهم ، زیرا دنیا منزلی است که باید از آن کوچ کرد و سرای ماندن نیست.

- شما را از دنیا بر حذر می دارم ، زیرا دنیا سرای کوچیدن و جایگاه کدورت و سختی است ساکن در آن بار سفر بر می بندد و مقیمش از آن جدا می شود.

- شما را از دنیا پرهیز می دهم ، زیرا که بسیار فریبنده است و زمانی هم که دنیا پرستان به آرزوی خود برسند ، دنیا از این توصیف خدای عزوجل فراتر نیست که ((و مثل زندگی دنیا را برای آنان ذکر کن که)).

- از دنیا پرهیزید ، که حلال آن حساب دارد و حرام آن کیفر ، آغازش رنج است و پایانش نابودی.

امتحانات الهی

- شما را از دنیا و فریفته شدن به آن بر حذر می‌دارم ، زیرا دنیا بزودی از شما گرفته و جدا خواهد شد
همچنان که از پیشینیان شما جدا شد پس ، کوشش خود را در دنیا مصروف این دارید که از چند
روزه کوتاه آن برای روز طولانی آخرت توشه بگیرید.

- از این دنیای پر فریب بی وفا و غدار پرهیزید ، دنیایی که به زیورهایش خود را آراسته و بازرق و
برقش دلربایی می‌کند و همچون عروسی جلوه گر شده و چشمها به آن خیره گشته است.

- از دنیا کاملاً حذر کنید و چون یقین دارید که بزودی از شما جدا می‌شود، پس بار اندوههای آن را
از دوش خود بردارید و آن گاه که بیش از هر زمانی در دنیا شادید بیش از هر وقت دیگر از دنیا بر
حذر باشید.

- از دنیا حذر کنید که دنیا بی وفا و پر مکر و فریب است ، عطا کننده ای است
خسیس و پوشاننده ای است که برهنه می‌سازد (چیزی را که بدهد پس می‌گیرد).

- از دنیا پرهیزید که آن هم دشمن دوستان خداست و هم دشمن دشمنان خدا ، زیرا دوستان خدا
را اندوهگین می‌سازد و دشمنان او را می‌فریبد.

- پیامبر خدا (ص) : از دنیا حذر کنید که دنیا افسونگرتر از هاروت و ماروت است.

پرهیز از فریب دنیا (۱).

قرآن:

((برای کافران زندگی اینجهانی آراسته شده است و آنان مؤمنان را به ریشخند می‌گیرند ، آنان

که از خدا می‌ترسند در روز قیامت بر فراز کافران هستند و خدا هر کس را که بخواهد بی حساب
روزی می‌دهد)).

((در چشم مردم آرایش یافته است عشق به امیال نفسانی از دوست داشتن زنان و فرزندان و

همسایانهای زر و سیم و اسبان داغ بر نهاده و چارپایان و زراعت همه اینها متاع زندگی اینجهانی است ، در حالی که بازگشتگاه خوب نزد خداست)).

((دارایی و فرزندان زیورهای زندگی دنیا هستند و کردارهای نیک که همواره بر جای می ماند ، نزد پروردگارت بهتر و امیدبستن به آنها نیکوتر است)).

- امام علی(ع) : حکایت کسی که فریفته این جهان شده حکایت گروهی است که در منزلی پر نعمت و سرسبز باشند و نخواهند به منزلی خشک و قحطی زده روند برای اینان چیزی ناخوشر و سخت تر از این نیست که از جای خرم و پر نعمت خود جدا شوند و ناگهان به جایی آن چنان بی نعمت و خشک فرو آیند.

- در حدیث معراج آمده است : ای احمد! حذر کن از این که چونان کودک باشی که هرگاه چشمش به چیزهای رنگارنگ بیفتد یا آب نبات ترشی به او داده شود فریفته آن شود.

- امام علی(ع) : مبادا فریفته شدن به زایل شونده ای ناچیز (دنیا) تو را فریب دهد و شاد شدن به فناپذیری بی ارزش (دنیا) تو را بلغزاند.

پرهیز از فریب دنیا(۲).

قرآن:

((هر نفسی مرگ را می چشد و بتحقیق در روز قیامت مزد اعمال شما را به تمامی خواهند داد و هر کس را از آتش دور سازند و به بهشت در آورند به پیروزی رسیده است و این زندگی دنیا جز متاعی فریبنده نیست)).

((زندگی دنیا فریبتان ندهد و نیز شیطان فریبکار ، به کرم خدا مغرورتان نسازد)).

((ای مردم! وعده خدا حق است مبادا زندگی دنیا شما را بفریبد و آن شیطان فریبنده به خدا

مغرورتان بگرداند)).

((و این به کیفر آن است که آیات خدا را به مسخره می گرفتید و زندگی دنیوی شما را بفریفت

پس ، امروز از این آتش کسی بیرونشان نبرد و کسی عذرشان رانپذیرد)).

- امام علی(ع) : بدانید ، که دنیا سرایی بس فریبنده و مکار است هر روزی شوهری می کند و هر

شبى خانواده ای را می کشد و هر دم وساعتی جمعی را از هم می پراکند.

- شگفتیهای فراوان دنیا شما را نفریبید ، زیرا اندکی از آن را با خود می برید.

- از فریب دنیا پرهیزید ، زیرا دنیا همواره خوبیهای فریبنده خود را (که به آدمی می دهد مانند

جوانی و زیبایی و ثروت و مقام) پس می گیرد و کسی را که به آن دل بسته و در آن جاکش کرده

است ، بیرون می کند.

- دنیا بس فریبنده است و هر آنچه در آن است فریب باشد ، نابود شدنی است و هر که

در آن می زید فانی می شود در هیچ یک از توشه های آن خیر و خوبی نیست مگر در توشه تقوا.

- مسیح (ع) : دنیا بسی فریبنده و غم زاست فریب خورده کسی است که فریب دنیا را بخورد و

مفتون کسی است که به آن اطمینان کند.

- امام علی(ع) : فریفته دنیا هر چند از این جهان به بالاترین کامیابی رسد ، همانند کسی نیست که

از آخرت کمترین نصیبی برده باشد.

- کسی که دنیا با آروزهای محال بفریبش و با امیدهای دروغین گولش زند ، جامه کوری

و کوردلی بر قامت او پیوشاند و از آخرت جدایش سازد و در هلاکتگاهها فرودش آورد.

- آنچه (برای آخرت) پیش فرستی مال توست و آنچه بعد از تو ماند از آن وارثان است و آنچه اینک

داری جز مایه فریب تو نیست.

- دنیا فریبنده‌ای زوال پذیر است و سرایی پوچ و تکیه گاهی کج.

- در وصف دنیا ، می‌فرماید : دنیا می‌فریبد و زیان می‌رساند و می‌گذرد خدای تعالی آن را نه به

عنوان پاداشی برای دوستان خود پسندیده است و نه کیفری برای دشمنانش.

- دنیا اگر (به آدمی) روی آورد فریب می‌دهد و اگر پشت کند زیان می‌رساند.

خطر فریفته شدن به دنیا.

قرآن.

((و این به کیفر آن است که آیات خدا را به مسخره گرفتید و زندگی دنیوی شمارا بفریفت پس

امروز از این آتش کسی بیرونشان نبرد و کسی عذرشان را نپذیرد)).

((و اگذار آن کسانی را که دین خویش را بازیچه و لهو گرفته‌اند و زندگانی دنیا فریبتان داد)).

((امروز کسانی را که دین خویش را لهو و بازیچه پنداشتند و زندگی دنیا فریبتان داد فراموش

می‌کنیم ، همچنان که آنها نیز رسیدن به این روز را از یاد برده بودند و آیات ما را انکار می‌کردند)).

- امام علی(ع) : ترفند دنیا (انسان را) به خاک در می‌افکند ، ترفند هوی و هوس می‌فریبد ، ترفند

شیطان (دنیا را در نظر انسان) می‌آراید و طمع می‌آورد.

- دل خوش کردن به دنیا بزرگترین فریب است.

- دنیا همچون دام است و به دست و پای دنیا خواهان می‌پیچد.

تنها نادان فریب دنیا را می‌خورد.

- امام علی(ع) : ای دنیا! کسی را بفریب که حیل‌های تو را نمی‌شناسد و از دام‌های نیرنگ تو بی‌خبر

است.

- اعتماد کردن به دنیا ، با وجود مشاهده تغییرات و دگرگونی‌های آن ، نادانی است.

امتحانات الهی

- با مشاهده دگرگونیهای ناخوشایند دنیا ، تکیه کردن به آن نادانی است.
- دنیا غنیمت مردمان نابخرد است.
- این سرای زودگذر فریب (دهنده) مردمان احمق است.
- شاد شدن به دنیا حماقت است.
- ثمره خرد دشمنی با دنیا و سرکوب هوی و هوس است.
- هر که ترفند دنیا را شناخت ، فریب رؤیاهای تحقق ناپذیر آن را نخورد.
- پیامبر خدا(ص) : اگر آنچه من از دنیا می دانم شما بدانید جانهایتان از آن آسوده می شود.
- دنیا در فریب مردم مقصر نیست.
- امام علی(ع) : به حق می گویم ، دنیا تو را فریب نداد بلکه تو فریفته آن شدی ، دنیا(مایه های)
پسند و عبرت را بر تو آشکار ساخت و عادلانه و منصفانه تو را آگاه کرد و در وعده هایی که به تو
می دهد ، از قبیل بلای جسمانی و کم شدن نیرو و توانایی تو ، راستگوتر است و با وفادارتر از آن که
به تو دروغ بگوید یا فریبت دهد.
- پرهیز از دل خوش کردن به دنیا.
- قرآن.
- ((کسانی که به دیدار ما(قیامت) امید ندارند و به زندگی دنیوی خشنود شده و بدان آرامش
یافته اند و آنان که از آیات ما بی خبرند ، به کیفر کارهایی که می کرده اند ، جایگاهشان جهنم است))
- .
- امام صادق(ع) : اگر دنیا فناپذیر است پس دل خوش کردن به آن چرا؟.
- امام حسین(ع) : زیر دیوار یکی از شهرها لوحی یافت شد که در آن نوشته شده بود : من الله هستم

و خدایی جز من نیست و محمد پیامبر من است در شگفتم از کسی که دنیا را آزموده است و با این حال به آن دل خوش می‌کند.

- امام علی (ع) - درباره آیه شریفه ((وکان تحتہ کنز لهما)) - : این گنج لوحی زرین بود که در آن نوشته شده بود : در شگفتم از کسی که دنیا و دگرگونیهای احوال مردمان را می‌بیند و باز به آن دل خوش می‌کند.

- بسا کسانی که به این دنیا اعتماد کردند و دنیا آنان را دردمند کرد و بسا کسانی که به آن دل خوش کردند و دنیا آنان را به خاک (مذلت) افکند و بسا افراد محتاط و هوشمندی که دنیا فریبشان داد.

پرهیز از دل بستن به دنیا.

- از وصیت آدم (ع) به فرزندش شیث (ع) : به دنیای فانی دل مبنیدید ، زیرا من به بهشت جاویدان دل بستم اما با من وفا نکرد و از آن بیرون رانده شدم.

- خدای تعالی به موسی (ع) وحی فرمود که : ای موسی! همچون ستمگران و همانند کسانی که دنیا را به منزله مادر و پدر می‌شمارند به آن دل نبند و آنچه را که از دنیا نیازی بدان نداری رها کن.

- امام علی (ع) : بخت به آنان رو کرد و بهره‌مند شدند و به دنیا دل بستند و پس ، (برای آخرت) آماده نشدند تا آن که گلویشان گرفته شد و به سرای مردمی کوچانده شدند که از بیشتر آنان خبر و نشانی نمانده است ، در دنیا دیری نپاییدند و شتابان به سوی آخرت برده شدند.

نگاه به دنیا.

- امام علی (ع) : همچون دوری کنندگان از دنیا به آن بنگرید ، زیرا دنیا بزودی ساکنانش را از خود می‌رانند و توانگر ناز پرورده را دردمند می‌کند ، پس زنهار که فراوانی آنچه از دنیا خوشایند

امتحانات الهی

شماست فریبتان ندهد، زیرا آنچه از دنیا با خود می‌برید اندک است.

- به دنیا، همچون وارهیده‌گان از دنیا، بنگرید، زیرا که آن بزودی، ماوی گزیده ساکن خود را می‌راند و بهره‌مند آسوده خاطر را دردمند می‌سازد، به دنیایی که رفته و پشت کرده است امید بازگشت نیست و معلوم نیست در آینده چه روی خواهد کرد تا منتظرش بود.

- دنیا را چون بوته خار بدان و بنگر که پایت را در کجای آن می‌گذاری، هر که به دنیا تکیه کرد دنیا خوارش نمود و هر که با دنیا، انس گرفت دنیا تنهایش گذاشت و هر که به آن رغبت کرد، دنیا سست و ناتوانش ساخت.

- به دنیا همچون کسی بنگر که به آن پشت کرده و از آن جدا می‌شود، به دنیا مانند دل‌باخته شیدا منگر.

- به دنیا مانند زاهدان روی برتافته از آن بنگرید، زیرا که به خدا سوگند دنیا بزودی ماوی گزیده ساکن خود را بیرون می‌کند و توانگر آسوده خاطر را دردمند می‌سازد.

- شما را به دور افکندن این دنیا سفارش می‌کنم، دنیایی که اگر هم نخواهید ترکش کنید او شما را ترک می‌کند پس، در کسب عزت و افتخارات دنیوی با یکدیگر رقابت نکنید و زرق و برق و نعمتهای آن شمارا پسند نیفتد و از سختی و رنج آن بیتیابی مکنید، زیرا که عزتها و افتخارات آن به پایان می‌رسد و زرق و برق و نعمتهای آن به سر می‌آید و سختی و رنج آن تمام می‌شود.

خطر برگزیدن دنیا (بر آخرت) (۱).

قرآن.

((پس هر که طغیان کرد و زندگی اینجهانی را برگزید، جهنم جایگاه اوست)).

((بلکه زندگی دنیا را برمی‌گزینند حال آن که آخرت بهتر و پایدارتر است)).

امتحانات الهی

((اینان همان کسانی هستند که آخرت را دادند و زندگی دنیا را خریدند از عذابشان کاسته نگردد و یاری نشوند)).

- پیامبر خدا(ص) : با (پیروی از) لذتها و خواهشهای نفس زندگی دنیا را بر آخرت برمگزین ، زیرا که خدای تعالی در کتاب خود می فرماید: ((پس هر که طغیان کرد و)) یعنی دنیای ملعون (بی خیر و بدور از رحمت الهی) را هر آنچه در دنیاست ملعون است مگر آنچه برای خدا باشد.

- هر که دنیا و آخرت به او پیشنهاد شود و دنیا را بر آخرت برگزیند خدای عزوجل را ، بدون هیچ حسنه ای که از آتش نجاتش دهد دیدار کند و هر که آخرت را برگیرد و دنیا را فرو گذارد در روز قیامت خدا را که از وی خوشنوداست دیدار نماید.

- امام علی(ع) : هر که دنیا را بپرستد و بر آخرت ترجیحش دهد ، فرجامی ناگوار خواهد داشت.
- مردم برای سود دنیای خود امری از امور دین خود را وا نگذارند ، مگر آن که خداوند کاری برای آنان پیش می آورد که زیانش از آن سود بیشتر است.

- امام صادق (ع) : علی بن الحسین(ع) به من فرمود : هرگاه دو کار برای من پیش آمد یکی برای دنیا و دیگری برای آخرت و من دنیا را برگزیدم هنوز شب نشده پیشامد ناخوشایندی برایم کرد سپس امام صادق(ع) درباره بنی امیه فرمود : آنان هشتاد سال است که دنیا را بر آخرت برگزیده اند و هیچ پیشامد ناخوشایندی برایشان رخ نمی دهد.

- امام علی(ع) : کسی که در صورت سالم ماندن دنیایش از گزند دیدن آخرتش باکی نداشته باشد به هلاکت درافتد.

- لقمان (ع) - در اندرز به فرزندش - : دنیایت را به آخرت بفروش که هر دو را به دست می آوری و آخرت را به دنیایت بفروش که هر دو را از دست می دهی.

خطر برگزیدن دنیا (۲).

قرآن:

((و روزی که کافران را بر آتش عرضه کنند : در زندگی دنیوی از چیزهای پاکیزه و خوش بهره‌مند شدید ، امروز به عذاب خواری پاداشتان می‌دهند و این بدان سبب است که در زمین به ناحق گردنکشی می‌کردید و عصیانگری در پیش گرفته بودید)).

در حدیثی عمر می‌گوید : به پیامبر (ص) عرض کردم : ای رسول خدا ، خداوند به ایرانیان و رومیان که خدا را نمی‌پرستند گشایش و رفاه داده است ، دعا کن که امت تو را نیز آسایش و توانگری بخشد پیامبر (ص) راست نشست و سپس فرمود : ای پسر خطاب ! مگر دستخوش شک شده‌ای ؟ آنان قومی هستند که خوشیهایشان را زودتر در همین دنیا داده‌اند.

تشویق به برگزیدن آخرت.

قرآن.

((پس ، آنان که زندگی دنیا را داده‌اند و آخرت را خریده‌اند ، باید که در راه خدا بجنگند و هر که در راه خدا بجنگد ، چه کشته شود چه پیروز گردد ، مزدی بزرگ به او خواهیم داد)).

- سوید بن غفله : بعد از آن که با امیرالمؤمنین بیعت خلافت بسته شد خدمت ایشان رسیدم آن حضرت در اتاق خود بر بوریایی تنهانشسته بود عرض کردم: ای امیرالمؤمنین! بیت المال در اختیار توست و من در اتاق تو اثاثی که برای هر خانه‌ای لازم است نمی‌بینم؟ حضرت فرمود : ای پسر غفله! آدم خردمند برای خانه‌ای که باید ترکش نماید اثاث فراهم نمی‌کند ما را سرای امنی است که بهترین متاع خود را به آن منتقل کرده‌ایم و خود نیز بزودی آن جا می‌رویم.

مردم بنده دنیايند.

امتحانات الهی

- امام حسین(ع) : همانا مردمان بنده دنیایند و دین لقلقه زبان آنهاست و هر جا منافعشان (به وسیله دین) بیشتر تامین شود آن رامی چرخانند و چون به بلا آزموده شوند آن گاه دینداران اندکند.

- امام علی(ع) : هر که دینار و درهم را دوست داشته باشد، بنده دنیاست.

- امام صادق(ع) : - به اسحاق بن غالب : ای اسحاق! فکر می کنی مصداق این آیه چند نفرند : ((اگر از دنیا چیزی به آنها داده شود خوشنود و خوشحال می شوند و اگر چیزی داده نشود در خشم می آیند))؟ سپس خود به من فرمود : بیش از دو سوم مردم چنین اند.

- امام علی(ع) : آیا شما در جای پیشینیان خود نیستید که عمرهایشان از شما درازتر بود و آثارشان پابنده تر و آرزوهایشان بیشتر و شمارشان فراوانتر و سپاهشان انبوهتر؟ دنیا را پرستیدند آن هم چه پرستیدنی و آن را برگزیدند چه برگزیدنی! اما از این دنیا بی هیچ توشه ای و بی هیچ مرکبی که آنها را به سر منزل مقصود برساند ، کوچیدند.

- خواهشهای نفسانی، خرد او را متلاشی می کند و دنیا دلش را می میراند و نفس او شیفته دنیامی گردد ، پس او بنده دنیا و بنده هر کسی می شود که چیزی از دنیا به دست دارد ، به هر طرف که دنیا برود او نیز به آن سو می رود و به هر سو که دنیا رو کند او نیز به آن رو می کند.

ویژگیهای دنیاپرستان.

- در حدیث معراج آمده است : دنیا خواهان، کسانی هستند که پرخور و پرخنده و پرخواب و پرخشمند و کمتر خشنودند اگر به کسی بدی کنند پوزش نمی طلبند و اگر کسی از آنان پوزش بخواهد معذرت او رانمی پذیرند ، در طاعت (خدا) تنبلند و در معصیت بی باک ، با آن که مرگشان نزدیک است آرزوهای دور و دراز دارند ، از نفس خود حساب نمی کشند ، کم خیرند ، پرگویند ،

کمتر (از خدا) می ترسند ، در موقع خوردن بسیار شادمانند.

دنیا خواهان در هنگام برخورداری سپاسگزار نیستند و به گاه سختی شکیبایی نمی ورزند ، زیاد مردم در نظر آنان کم است ، از کارهای خود تعریف و تمجید می کنند و مدعی چیزی هستند که ندارند ، از آرزوهای خود سخن می گویند ، از بدبهای مردم یاد می کنند و خوبیهای آنان را پوشیده می دارند.

پیامبر عرض کرد : بار خدایا! آیا عیب دیگری هم در دنیاپرستان هست؟ فرمود : ای احمد! دنیاپرستان عیبهای زیادی دارند آنان مردمانی نادان و احمقند ، در برابر معلم خود فروتنی نمی کنند ، به نظر خودشان مردمانی خردمندند اما نزد فرزندان نابخردانی بیش نیستند. دنیا زندان مؤمن است.

- پیامبر خدا(ص) : دنیا زندان و مایه رنج مؤمن است ، پس چون از دنیا بروی از زندان و رنج‌هایی یابد.

- لقمان (ع) - در اندرز به فرزندش - : دنیا را زندان خود کن تا آخرت بهشت تو باشد.

- پیامبر خدا(ص) : دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است.

- امام صادق(ع) : دنیا زندان مؤمن است و گور دژ او و بهشت جایگاهش و دنیا بهشت کافر است و گور زندان او و آتش جایگاهش.

- پیامبر خدا(ص) : دنیا به کام هیچ مؤمنی نیست ، چگونه چنین باشد در حالی که آن زندان و مایه رنج و گرفتاری اوست.

خدایا دنیا را زندان من مگردان.

- امام باقر(ع) : - در دعا- : خدایا! از تو می خواهم که تا زنده هستم زندگی مرا مرفه گردانی

چندان که در طاعت تو نیرومندتر گردم و به خشنودی تو دست یابم دنیا را بر من زندان مگردان و جدایی از آن را مایه اندوه من مساز.

- امام صادق (ع) : - نیز در دعا: دنیا را بر من زندان مکن و جدایی از آن را مایه اندوه من مگردان.

خطر اهمیت دادن زیاد به دنیا.

- امام علی (ع) : - از سفارشهای آن حضرت به فرزندش حسن (ع) : - دنیا بزرگترین هم و غم تونباشد!

- امام صادق (ع) : کسی که شب و روز بزرگترین هم و غمش دنیا باشد، خدای تعالی فقر را در برابر دو چشم او قرار دهد و کارش را پریشان سازد و از دنیا جز به آنچه خداوند قسمتش کرده است نرسد و کسی که شب و روز بزرگترین هم و غمش آخرت باشد خداوند دلش را بی نیاز گرداند و کارش را سامان دهد.

- امام علی (ع) : کسی که بیشترین هم و غمش دنیا باشد، بدبختی و اندوهش به درازا کشد.

- پیامبر خدا (ص) : پیوسته این دعا را می خواند: پروردگارا، چنان ترسی از خود، روزی ما فرما که از نافرمانی تو بازمان دارد و دنیا را بزرگترین هم ما و نهایت دانش ما قرار مده.

- کسی که صبح خویش را بی اغازد و بزرگترین هم و غمش دنیا باشد، نزد خدا هیچ مرتبه ای ندارد و چهار خصلت پیوسته گریبانگیرش باشد : اندوهی که هرگز از او جدا نشود، گرفتاری که هرگز از آن رهایی نیابد، فقری که هرگز به بی نیازی و توانگری نینجامد و آرزویی که هرگز پایان نپذیرد.

پراح ترین مردم.

- پیامبر خدا (ص) : پراح ترین مردم دنیا، کسی است که به دنیا هیچ ارجی ننهد.

- امام سجاد(ع) ، در پاسخ به این پرسش که : پراج ترین مردمان کیست؟ فرمود : کسی که دنیا را برای خویش مایه ارج و منزلت نداند.

- امام باقر(ع) ، در پاسخ به این سؤال که : ارزشمندترین مردم کیست؟ فرمود : کسی که دنیا را برای خود قدر و ارزش نداند.

- در پاسخ به همین پرسش فرمود : کسی که اهمیت ندهد دنیا در دست کیست.

- امام کاظم(ع) : ارجمندترین مردم کسی است که دنیا را مایه ارزش خود نداند.

- امام سجاد(ع) : کسی که از دنیا به آخرت روی آورد ، از چیزی بی مقدار به امری ارزشمند روی آورده است و مهمتر از او کسی است که از دست رفته دنیا را سلامت و نعمتی بداند که به آن رسیده و غنیمتی شمارد که به آن دست یافته است.

خواری و بی ارزشی دنیا نزد خدا(۱).

قرآن.

((واگر نه آن بود که همه مردم یک امت می شدند ، سقفهای خانه های کسانی را که خدای رحمان را باور ندارند از نقره می کردیم و همه اینها برخوردار می شدند ، حال آن که آخرت در نزد پروردگارت برای پرهیزگاران است)).

- امام صادق(ع) : درباره آیه ((واگر نه آن بود که همه مردم)) - : اگر خداوند این کار را می کرد ، همه مردم کافر می شدند.

- خدای تبارک و تعالی به نعمت دنیا برای دشمن خود هرگز لحظه ای اهمیت نداده است اگر جز

این بود ، خداوند جل و عز در کتاب خود نمی فرمود : ((و اگر نه آن بود که همه مردم یک امت می شدند)) و اگر جز این بود در حدیث نمی آمد که : اگر مؤمن ناراحت نمی شد ، برای کافر

دستاری آهنی قرار می‌دادم تا هرگز سر درد نگیرد.

- پیامبر خدا(ص) : خداوند می‌فرماید: اگر به خاطر بنده مؤمنم نبود بر سر کافر دستاری از جواهر می‌بستم.

- خداوند تعالی بنده مؤمن خود را از دنیا پرهیز می‌دهد چون دوستش دارد، همچنان که شما، از ترس جان بیمار خود، او را از خوردن و آشامیدن پرهیز می‌دهید.

خواری و بی‌ارزشی دنیا نزد خدا(۲).

- امام علی (ع) : سرای دنیا نزد پروردگارش خوار و بی‌ارزش است واز این رو، حلال آن را با حرامش آمیخت و خویش را بابدی وزندگیش را بامرگ و شیرینی آن را با تلخی خداوند بزرگ دنیا را برای دوستان خود صاف و گوارا نفرمود و در دادن آن به دشمنانش بخل نورزید.

- پیامبر خدا(ص) : اگر دنیا نزد خدای عزوجل به اندازه پرپشهای ارزش داشت، هرگز کافر و تبه‌کار را جرعه‌ای آب نمی‌نوشاند.

- امام صادق(ع) : رسول خدا(ص) به لاشه بزغاله گوش بریده‌ای که در یک زباله دانی افتاده بود گذشت، پس به اصحابش فرمود: این چند می‌ارزد؟ عرض کردند: اگر زنده بود شاید به درهمی هم نمی‌ارزید پیامبر(ص) فرمود: سوگند به آن که جانم در دست اوست، هر آینه دنیا در نزد خداوند بی‌ارزستر از این بزغاله در نزد صاحب آن است.

- امام علی (ع) : دنیا نزد خدای عزوجل هیچ قدر و ارزشی ندارد و در میان آفریدگانش که ما خبر داریم، هیچ آفریده‌ای نیافریده است که در نظرش منفورتر از دنیا باشد و از زمانی که دنیا را آفریده به آن نگاه(التفات) نکرده است دنیا با کلیدها و خزانه‌هایش به پیامبر ما پیشنهاد شد، بی آن که در مقابل آن نصیبی از آخرتش کم شود اما آن حضرت از پذیرفتن آن سرباز زد، زیرا می‌دانست

که خدای عزوجل چیزی (دنیا) را دشمن می‌دارد پس او نیز دشمنش داشت و چیزی (دنیا) را خرد می‌شمارد او نیز آن را خردشمرد.

- در خواری و بی‌ارزشی دنیا نزد خداوند همین بس، که جز در دنیا معصیت او نمی‌شود و جز با ترک دنیا به آنچه نزد خداست (از بهشت و رضوان الهی) نمی‌توان رسید.

- امام حسین (ع) : از بی‌ارزشی و خواری دنیا نزد خدای متعال است که سر یحیی بن زکریا به فاحشه‌ای بنی اسرائیلی هدیه شد.

- امام سجاد (ع) : در بی‌ارزشی و پستی دنیا نزد خدای متعال همین بس که سربریده یحیی بن زکریا در تشتی زربین به فاحشه‌ای هدیه شد این خود مایه تسلی آزاد مرد با فضیلتی است که مشاهده می‌کند چگونه یک فرد دونمایه و پست به بهره‌ای وافر از دنیا دست می‌یابد ، چنان که آن زن بدکاره به آن تحفه گرانسنگ دست یافت.

- پیامبر خدا (ص) : در خواری دنیا نزد خدای متعال همین بس که یک زن یحیی بن زکریا را کشت. - نزد خدای متعال چیزی مبعوضتر از دنیا نیست خداوند دنیا را آفرید و سپس آن را به نمایش گذاشت اما خود به آن نگاه نکرد و تاقیام قیامت نگاهش نخواهد کرد.

حقیر بودن دنیا.

- امام علی (ع) : دنیا باید در دیده شما حقیر تر از تفاله برگ درخت سلم و خرده‌های دم قیچی باشد.

- امام صادق (ع) : ای پسر جنبد! اگر دوست داری که همسایه خانه خدای جلیل شوی و در فردوس در جوار او سکنا گزینی ، باید دنیا در نظرت خوار باشد.

پیامبر خدا (ص) در کنار زباله دانی ایستاد و فرمود: بیاید دنیا را ببینید! از میان آن زباله دانی تکه پارچه‌هایی فرسوده و استخوانهایی پوسیده برداشت و فرمود : این دنیا است.

نهی از بزرگداشت دنیا دار.

- پیامبر خدا(ص) : کسی که دنیا داری را بزرگ دارد و به طمع دنیایش او را دوست بدارد، خداوند بر وی خشم گیرد.

امام علی(ع) هنگامی که به شام می رفت در سر راه، گروهی از ملاکان ((انباء)) به ایشان برخوردند (و برای احترام) از اسبهای خود پیاده شده در رکاب آن حضرت دویدند حضرت فرمود : این چه کاری است که می کنید؟ عرض کردند : این روش ماست که بدان وسیله فرمانروایان خود را احترام می گذاریم امام (ع) فرمود : به خدا سوگند که فرمانروایان شما از این کار سودی نمی برند و شما با این کار در دنیا خود را به رنج می افکنید و در آخرت نیز به بدبختی گرفتار می آید چه زیان آور است رنجی که در پی آن عذاب باشد، و چه سودبخش است آن آسودگی که رهایی از آتش با آن توام باشد.

- کسی را که تقوا بلند مرتبه اش کرده است ، پست بشمارید و کسی را که دنیا بالا برده است، بزرگ ندانید.

جدایی دنیا از آخرت.

- امام علی(ع) : همانا دنیا و آخرت دو دشمن ناهم‌هنگ و دو راه جدا از هم هستند پس ، هر که دنیا را دوست داشته باشد و با آن دوستی کند از آخرت نفرت دارد و با آن دشمنی می ورزد دنیا و آخرت به منزله مشرق و مغربند که هر کس میان آن دو را پییماید هر چه به یکی نزدیک شود از دیگری دور می گردد دنیا و آخرت هووی همنند.
- تلخی دنیا شیرینی آخرت است و شیرینی دنیا تلخی آخرت.
- امام سجاد (ع) : به خدا قسم دنیا و آخرت همانند دو کفه ترازویند ، هر کدام پایین آید دیگری بالا رود.
- پیامبر خدا(ص) : همانا دنیا خواهی به آخرت زیان می زند و آخرت طلبی به دنیا پس شما(با طلب آخرت) به دنیا ضرر زنید که آن به زیان دیدن سزاوارتر است.
- هر که دنیایش را دوست بدارد، به آخرتش زیان رساند.

- مسیح (ع) : حکایت دنیا و آخرت، حکایت مردی است که دو زن دارد، اگر یکی را خشنود کند دیگری به خشم آید.
- امام علی (ع) : به دنبال جمع میان دنیا و آخرت بودن از نیرنگهای نفس است.
- امام صادق (ع) : هرگاه کار دنیایت آباد شد به دینت بد گمان باش.
- مسیح (ع) : محبت دنیا و آخرت در دل مؤمن جمع نمی شود ، همچنان که آب و آتش در یک ظرف جمع نمی شوند.
- خوشی دنیا اندوه آخرت است.
- امام صادق (ع) : ما دنیا را دوست داریم (اما) اگر دنیا به ما داده نشود بهتر است از آن که داده شود چیزی از دنیا به فرزند آدم داده نشد مگر آن که از بهره آخرت او کم گشت.
- آخرین پیامبری که وارد بهشت می شود سلیمان بن داود (ع) است ، و این بدان سبب است که دنیا به او داده شد.
- به هر که در این دنیا بهره زیادی داده شود و به بهشت رود، بهره اش در بهشت به سبب برخورداری اش در دنیا کمتر باشد.
- امام علی (ع) : هیچ کس در دنیا لذتی نچشد جز آن که در روز رستاخیز مایه اندوه او گردد.
- ثروت دنیا فقر آخرت است.
- هر چه در دنیا از دست دهی غنیمتی برای توست.
- تلخی دنیا شیرینی آخرت است.
- هر که در دنیا چیزی را بطلبد بیش از آن را از آخرت از دست دهد.
- هر که از دنیا چیزی به دست آورد، بیش از آنچه به دست آورده است از آخرت از دست دهد.
- هر چه دنیا زیاد شود آخرت کم گردد و هر چه دنیا کم شود آخرت زیاد گردد.
- غنی ترین مردم در آخرت فقیرترین آنان در دنیا است و بهره مندترین مردم در آخرت کم بهره ترین آنها در دنیا است.
- پیامبر خدا (ص) : فقر دو گونه است : فقر دنیا و فقر آخرت فقر در دنیا توانگری در آخرت است و توانگری در دنیا فقر آخرت است و این هلاکت باشد.
- برای پیامبر خدا (ص) فرنی مخصوصی آوردند آن حضرت از خوردن آن امتناع کرد عرض شد : خوردن آن را حرام میدانی؟ فرمود : نه ، اما خوش ندارم نفسم به آن اشتیاق پیدا کند سپس این آیه را تلاوت کرد : ((در زندگی دنیوی از چیزهای پاکیزه و خوش بهره مند شدید - عمر بن خطاب : از پیامبر خدا (ص)!!!)).
- اجازه ملاقات خواستم و خدمت آن حضرت که در غره ام ابراهیم بود رسیدم دیدم روی بوربایی دراز کشیده و قسمتی از بدنش روی زمین است و زیر سرش بالشی پر شده از لیف (پوست) درخت خرماس است سلام کردم و نشستم و عرض کردم : ای رسول خدا! تو پیامبر خدا و برگزیده و بهترین خلق اویی ، اما کسرا و قیصر بر تختهای زرین و فرشهای دیبا و حریر بنشینند؟ رسول خدا (ص) فرمود : نعمتهای آنان در همین سرا به آنان داده شده و زودا که پایان پذیرد و نعمتهای ما در آخرت به ما داده خواهد شد.
- جابر انصاری : پیامبر (ص) فاطمه (ع) را دید که جامه ای دوخته شده از جل شتر بر تن دارد و مشغول دستاس کردن و شیر دادن کودک خود است اشک از چشمان رسول خدا (ص) جاری گشت و فرمود : دخترم! با (تحمل) تلخی دنیا به سوی شیرینی آخرت بشتاب فاطمه (ع) عرض

کرد: ای رسول خدا، خدا را بر نعمتهایش می‌ستاییم و بر داده‌هایش سپاس می‌گوییم، پس خداوند این آیه را فرو فرستاد: ((بزودی پروردگارت تو را عطا می‌کند و خشنود می‌شوی)).

فراهم آمدن دنیا و آخرت.

قرآن.

((خدا پاداش اینجهانی و پاداش نیک اینجهانی را به ایشان ارزانی داشت و او نیکوکاران را دوست دارد)).

((هر که پاداش اینجهانی را می‌طلبد بداند که پاداش اینجهانی و آنجهانی در نزد خداست و او شنوا و بیناست)).

((پاداش آنان که نیکی می‌کنند، نیکی است و چیزی افزون بر آن نه سیه روی شوند و نه خوار اینان اهل بهشتند و در آن جاویدانند)).

((هر مرد و زنی که کاری نیکو انجام دهد، اگر ایمان آورده باشد، زندگی خوش و پاکیزه‌ای بدو خواهیم داد و پاداشی بهتر از کردارشان عطا خواهیم کرد)).

((واسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و در فرزندان او پیامبری و کتاب نهادیم و پاداشش را در دنیا دادیم و او در آخرت از صالحان است)).

- امام علی(ع): دارایی و فرزندان کشته‌دنیایند و کارهای شایسته کشته آخرت گاهی خداوند این هر دو را برای مردمانی، یکجا فراهم می‌آورد.

- کشته دو نوع است: کشته دنیا ثروت و فرزندان است و کشته آخرت کارهای شایسته ماندنی گاهی خدای عزوجل این هر دو را برای مردمانی، یکجا فراهم می‌آورد.

ای بندگان خدا! بدانید که پرهیزگاران، دنیای زودگذر و آخرت دیرپا را به دست آوردند با اهل دنیا در دنیایشان شریک شدند و اهل دنیا را در آخرت خود شریک نکردند در دنیا به بهترین گونه سکونت کردند و از بهترین خوردنیهای آن خوردند و از دنیا همان بهره‌ای را بردند که توانگران خوشگذران می‌برند و همان کامی را بر گرفتند که گردنکشان متکبر برمی‌گیرند، آن گاه با توشه‌ای که به مقصد می‌رساندشان و با تجارتی پر سود از دنیا رفتند در دنیای خود به لذت زهد و بی‌اعتنایی به دنیا دست یافتند و یقین داشتند که فردای قیامت در جوار خداوند هستند، دعایشان هرگز بی‌اجابت نمی‌ماند و بهره آنان از خوشی و آسایش هیچ کم نمی‌گردد((۹)).

- اگر دینت را تابع دنیایت کنی، دین و دنیایت، هر دو، را از بین برده‌ای و در آخرت از زیانکاران خواهی بود، اما اگر دنیای خود را تابع دینت کنی دین و دنیایت، هر دو، را به دست آورده‌ای و در آخرت از رستگاران خواهی بود.

- درباره آیه ((پاداش آنان که نیکی می‌کنند نیکی است و چیزی افزون بر آن)) - ((نیکی)) بهشت است و ((افزون بر آن)) دنیاست.

- امام باقر(ع) - نیز درباره همین آیه: ((نیکی)) بهشت است و ((افزون بر آن)) دنیاست آنچه خداوند در دنیا به ایشان دهد در آخرت از آن بازخواست نمی‌کند و پاداش دنیا و آخرت را برایشان فراهم می‌آورد.

- امام علی(ع): بر شما باد به تقوای خدا که آن مجمع خیر و خوبی است و جز آن خیری وجود ندارد آنچه از خیر دنیا و آخرت به وسیله تقوا به دست می‌آید به وسیله هیچ چیز دیگر حاصل نمی‌شود خدای عزوجل فرموده است: ((از پرهیزگاران بپرسند: پروردگار شما چه چیز نازل کرده است؟ گویند: خوبی را به آنان که در این دنیا نیکی کنند، نیکی پاداش دهند و سرای آخرت

- نیکوتر از آن است و جایگاه پرهیزگاران چه جایگاه خوبی است)).
- امام صادق (ع) ، در پاسخ به این پرسش که : آیا منظور از آیه ((تا منافعشان را ببینند)) منافع دنیا است یا آخرت؟ ، فرمود : هر دو.
- امام علی (ع) - درباره آیه ((و مزد او را در دنیا دادیم و در آخرت نیز از صالحان است)) : هر که برای خدای تعالی کار کند خداوند در دنیا و آخرت مزدش را بدهد و در هر دو سرای خواسته هایش را بر آورد.
- پیامبر خدا (ص) : سه چیز است که در دنیا و آخرت پاداش داده می شود : حج فقر را می برد ، صدقه بلا را می گرداند و صله رحم عمر را زیاد می کند.
- اهتمام مؤمن به دنیا و آخرت.
- امام کاظم (ع) : با بر آوردن خواهشهای نفسانی خود از حلال ، تا آن جا که به مروت لطمه ای نزنند و به اسراف نینجامد ، به نفسهای خویش از دنیا بهره ای دهید و از این طریق برای انجام امور دین خود کمک بگیرید ، زیرا روایت شده است که : از ما نیست کسی که دنیایش را به خاطر دینش رها کند یا دینش را برای دنیایش فرو گذارد.
- پیامبر خدا (ص) : با همت ترین مردم مؤمن است که به کار دنیا و آخرتش اهتمام می ورزد.
- لقمان (ع) - در اندرز به فرزندش - : فرزندم! به دنیا چنان نپرداز که به آخرت زیان زند و آن را چنان رها مکن که سربار مردم شوی.
- مثل دنیا.
- قرآن:.
- ((مثل این زندگی دنیا مثل بارانی است که از آسمان فرو فرستیم تا بدان هرگونه رستنیها از زمین روید)).
- ((بر ایشان زندگی را مثل بزن که چون بارانی است که از آسمان فرو فرستیم و به سبب آن گیاهان گوناگون بروید ، ناگاه خشک شود و باد به هر سو پراکنده اش سازد و خدا بر هر کاری تواناست)).
- امام کاظم (ع) : دنیا به مار می ماند که بسودنش نرم است اما درونش زهری کشنده است مردمان خردمند از آن حذر می کنند و کودکان دستهای خود را به سوی آن دراز می کنند.
- امام علی (ع) : همانا دنیا به مار می ماند که بسودنش نرم و گزشش سخت و درد آور است پس ، از آنچه از دنیا که خوشایندت دوست دوری کن که اندکی از آن را با خود می ببری از هر چیز دنیا که شادی تو نسبت به آن بیشتر بود بیشتر بر حذر باش ، زیرا هر که به شادی و سروری از دنیا دل بندد ، آن شادی او را به ناخوشی و غم کشاند.
- یکی از یاران رسول خدا می گوید : من با پیامبر خدا (ص) بودم ، دیدم که آن حضرت چیزی را از خود دور می کند عرض کردم : ای رسول خدا ، درود خدا بر تو و خاندانت باد ، چه چیز را از خود دور می کنی؟ فرمود : دنیا در برابرم مجسم شد و من گفتمش : از من دور شو دنیا دوباره برگشت و گفتم : اگر تو از من گریختی کسانی که بعد از تو می آیند از جنگ من نخواهند گریخت.
- پیامبر خدا (ص) : این دنیا مانند لباسی است که از بالا تا پایین دریده شده و به آخرین نخ وصل باشد که آن هم در حال گسیختن است.
- امام کاظم (ع) : دنیا به آب دریا می ماند که هر چه تشنه از آن بنوشد ، تشنه تر می شود تا سرانجام

او را می کشد.

- دنیا به صورت زنی چشم آبی در برابر مسیح (ع) مجسم شد حضرت به او فرمود: چند شوهر کرده ای؟ گفت: زیاد مسیح (ع) فرمود: همه آنها تو را طلاق دادند؟ دنیا گفت: نه، بلکه همه را کشتم مسیح (ع) فرمود: پس، وای بر شوهران باقیمانده تو، چگونه از گذشتگان عبرت نمی گیرند؟.

- امام علی (ع): دنیا مانند زهر است، کسی آن را می خورد که نمی داند.

- همانا دنیا دامی است که بی خبران در آن می افتند.

- دنیا همانند سایه توست که اگر بایستی می ایستد و اگر دنبالش روی دور می شود.

- مصباح الشریعه: امام صادق (ع) فرمود: دنیا به منزله تصویری است که سر آن تکبر است و چشمش آزمندی و گوشش طمع و زبانش ریا و دستش شهوت و پایش خودپسندی و قلبش غفلت و رنگش فنا و حاصلش نابودی.

7- آزمایش بامریضی

معنای صبر.

- پیامبر خدا (ص): ای جبرئیل! معنای صبر چیست؟ جبرئیل گفت: این که در سختی صبر کنی همچنان که در (روزگار) آسایش صبر می کنی، در تهیدستی صبر کنی همچنان که در (هنگام) توانگری صبر می کنی و در بیماری و گرفتاری صبر کنی همچنان که در زمان سلامت و عافیت صبر می کنی، (آدم صبور) از بلایی که به او می رسد نزد مخلوق زبان به شکوه نمی گشاید.

کدام یک از شما دوست دارد که صحیح باشد و به مرض نزدیک

نباشد؟ عرض کردند: یا رسول الله همه ما چنین هستیم. فرمود: آیا می خواهید مانند خران گم شده باشید آیا دوست ندارید که به واسطه بلاها گناهان شما بر طرف شود و بلاها کفاره گناهان شما باشد. قسم به خدایی که جان من به دست قدرت اوست برای شخص در جایی در بهشت هست که به آن نخواهد رسید مگر به صبر بر بلا و جزای بزرگ در مقابل بلای بزرگ است.

و به درستی که خدای متعال چون بنده را دوست دارد او را مبتلا می کند به بلای بزرگ. پس اگر راضی شد خدا از او راضی است، و اگر به غضب آمد و ناراحت شد خدا بر او غضب خواهد کرد.

روایت:

و قال علیه السلام:

لو يعلم المؤمن حاله فی السقم ما احب یفارق السقم.

ترجمه :

حضرت فرمود :

اگر مؤمن می‌دانست که در مرض چه ثوابها برای او هست دوست‌داشت که مرض از او جدا شود.

و قال علیه السلام :

یوذ اهل العافیة يوم القيمة ان لحومهم قرضت بالمقاریض لما یرون ن ثواب اهل البلاء.

ترجمه :

حضرت فرمود : در روز قیامت کسانی که در دنیا با صحت و عافیت به‌سر بردند دوست دارند که گوشت بدن آنها را با مقراض در دنیا چیده‌بودند برای آنچه که می‌بینند از ثوابها که به اهل بلا می‌دهند.

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

تب فرستاده مرگ است و زندان خدا در زمین او و گرمی او از جهنم است. و آن بهره هر مؤمن از آتش است. و نیکو دردی است تب، حقوق اعضاء بدن را از بلاها عطا می‌کند. و خیری نیست در کسی که مبتلا نشود. و مؤمن وقتی که یک مرتبه تب کند گناهان مانند برگ درخت از او فرومی‌ریزد. اگر بر فراش خود ناله کند ناله‌اش ثواب تسبیح دارد. و هرگاه از درد فریاد زند ثواب گفتن لا اله الا الله دارد. و هرگاه از شدت درد از این پهلوی به آن پهلوی بغلتد مانند کسی است که شمشیر در راه خدا بزند. و اگر در آن حال برای عبادت خدا بر خاست مورد مغفرت و آمرزش حق قرار می‌گیرد. و خوشا به حال او تب یک شب کفاره گناهان یک سال است! برای این که الم و درد او تا یک سال در بدن او باقی می‌ماند. پس آن کفاره ما قبل و ما بعد می‌باشد. و کسی که یک شب مبتلا شود و آن بلا را قبول کند و ناراضی نباشد و شکر خدا به جا آورد کفاره شصت سال اومی‌گردد، برای اینکه آن را قبول کرده. و این منتهی است بر او در مقابل صبرش. و مرض برای مؤمن سبب پاکی و رحمت می‌گردد و برای کافر سبب عذاب و لعنت است. و مؤمن همیشه در مرض هست تا گناهی بر او باقی نماند. و سر درد یک شب همه گناهان را می‌ریزد مگر گناهان کبیره.

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود :

از برای مریض در حال مرضش چهار خصلت هست : اول اینکه : قلم از او برداشته می‌شود. و خدا امر می‌فرماید ملک را که ثواب در نامه

عملش می نویسد، یعنی آن کارهای خوب که سابق انجام می داده و اکنون در اثر مرض نمی تواند انجام دهد ثواب آن کارها را در نامه عملش می نویسد. دوم اینکه : گناهانش می ریزد چنان که برگ از درخت می ریزد. سوم اینکه : هر کس او را عیادت کند چیزی از خدا سؤال نمی کند مگر این که به او عطا می فرماید. چهارم اینکه : خدای متعال به ملک دست چپ می فرماید ننویس بر بنده من چیزی را تا وقتی که در پناه من است، یعنی مریض است. و به سوی ملک دست راست خطاب می کنند که ناله های بنده مرا حسنه و ثواب قرار بده و بنویس. و به تحقیق که مرض بدن را از گناهان پاک می کند، چنان که کوره آهنگری زنگار آهن را پاک می کند و هنگامی که طفل خرد سالی مریض شود مرض. او كفاره پدر و مادر است. نقل شده :

در آنچه که موسی با خدای خود مناجات کرد عرض کرد : ای خدای من آگاه کن مرا که برای عیادت مریض چقدر اجر و ثواب است؟ پس خداوند سبحان فرمود : موکل می کنم بر او ملکی را که عیادت می کند او را در قبرش و با او هست تا این که وارد صحرای محشر شود. موسی عرض کرد : ای خدای من چه ثوابی هست برای کسی که او را غسل دهد؟ فرمود : من او را می شویم از گناهانش، چنان که از مادر متولد شده. پس گفت : ای خدای من چه ثواب است برای کسی که تشیع جنازه او کند؟ فرمود بر آنها ملائکه ام را موکل می کنم که همراهی می کنند آنان را در قبرشان تا به محشرشان. موسی عرض کرد : ای خدای من چیست برای کسی که تسلیت بگوید مصیبت زده را در مصیبت او؟ فرمود : او را سایه رحمت خود داخل می کنم در روزی که سایه ای جز سایه من نیست.

امام مجتبی علیه السلام: «به شخصی که از بیماری عافیت یافته بود، فرمود: خدا یادت کرد، تو هم یادش کن! او از تو گذشت، تو هم شکرش نما!»

علی علیه السلام: هیچ مالی چه در دریا و چه در خشکی از بین نمی رود مگر بخاطر ندادن زکات-یا خمس-پس اموالتان را با زکات-یا خمس-محافظت کنید و مریضهائتان را با صدقه درمان نمایید و بلاء را با دعا دفع کنید.

- پیامبر خدا(ص) : از مؤمن و بی تابی او در برابر بیماریها تعجب می کنم اگر بداند که بیماری او برایش چه ثوابی دارد ، هر آینه دوست داشت که پیوسته بیمار باشد تا پروردگارش را ملاقات کند.
- امام باقر(ع) : اگر مؤمن بداند که در مصیبتها چه اجری برای او نهفته است آرزو می کرد که با قیچی ریز ریز شود.

- امام صادق (ع) : هر مردی که به دردی گرفتار شود و صبر کند و آن را در راه خدا به شمار آورد ، خداوند اجر هزار شهید را برایش رقم زند.

8- امتحان با همسر بد اخلاق

از دیگر امتحانات الهی صبر ب اخلاق بد همسر هست.، تحمل یکدیگر و صبر در مقابل آزارها و رفتار و گفتار ناپسند یکدیگر پیروزی در این امتحان است. البته هر انسانی باید سعی کند که رفتار و اخلاق نامطلوب همسرش را اصلاح کند، اما نمی توان تمام اخلاق او را تغییر داد و ممکن است بعضی از حالات همسر، مایه ناراحتی و آزار انسان باشد، در این موارد چاره ای جز تحمل رفتار نامطلوب همسر نیست، زیرا این، بهترین راه برای پیشگیری از آشفتگی زندگی مشترک است

برای مصون ماندن از درگیریهای مستمر خانوادگی، باید شخصیت همسر را آن گونه که هست، پذیرفت و با صبوری به زندگی با او ادامه داد، چرا که بسیاری از ناراحتیها و ناملایمات زندگی که در نظر انسان ناپسند است، به مصلحت انسان بوده، موجبات سعادت و ترقی او را فراهم می سازد. در زندگی خانوادگی نیز ممکن است بعضی از **وَ عَاشِرُوهُنَّ** : خصوصیات همسر نامطلوب باشد، اما در نهایت به خیر و صلاح انسان باشد. قرآن کریم می فرماید با زنان به شایستگی [1] **«بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا** رفتار کنید، و اگر از آنها، (به جهتی) کراهت داشتید، (زود تصمیم به جدایی نگیرید) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار دهد

تأثیر ایمان در تحمل همسر

مهمترین عاملی که موجب تقویت صبر و تحمل انسان در قبال رفتارهای آزاردهنده همسر می شود، ایمان اوست. صبر و ایمان از هم جدا نیستند؛ انسان مؤمن بدون داشتن صبر، نمی تواند ایمان خود را حفظ کند. امام

انسان مؤمن در محیط خانواده [2] «الصَّبْرُ رَأْسُ الْإِيمَانِ»: صادق علیه السلام صبر را منشأ ایمان دانسته، فرمود همواره این نکته را در نظر دارد و با تحمل اذیت همسر و رفتار ناشایست او، درصدد ایجاد محیطی سالم است و با صبری زیبا و بدون شکوه از همسر، به زندگی خانوادگی ادامه می دهد. امام صادق علیه السلام در جواب کسی صبر زیبا صبری است که در [3] «ذَلِكَ صَبْرٌ لَيْسَ فِيهِ شَكْوَى إِلَى النَّاسِ»: که از «صبر جمیل» سؤال کرد، فرمود آن اظهار ناراحتی به مردم نباشد.

نتایج تحمل همسر

تحمل رفتار ناشایست همسر، نتایج اخلاقی و اجتماعی فراوانی دارد که بعضی از آنها به شرح زیر است:

جلوگیری از فروپاشی خانواده

حفظ کانون خانواده از خطر فروپاشی یکی از وظایف خطیر همسران است و تمام تمهیدات اخلاقی خانواده به منظور سعادت زندگی مشترک و در نهایت، جلوگیری از جدایی زن و شوهر در نظر گرفته شده است. طلاق و جدایی، منشأ آفات فراوان در زندگی فردی و اجتماعی افراد و موجب ضایع شدن تربیت کودکان و پیدایش نابسامانیهای بسیار است و اجرای آن از نظر اسلام به عنوان آخرین راه حلّ است، یعنی فقط بعد از ناامید شدن از اصلاح زندگی مشترک و پایان دادن به درگیریها و اختلافات مداوم، می توان آن را طرح کرد و تا زمانی که امید اصلاح و امکان تحمل هست، باید از آن پرهیز شود. اندیشه جدایی معمولاً به دلیل اختلافات فراوان و به امید ازدواج موفق دیگری پیدا می شود، اما باید دانست که این وسوسه ای بیش نیست. کسی که نتواند با همسر خود بسازد، در ازدواج جدید نیز همین گرفتاری را خواهد داشت.

قرب الهی

اثر دیگر تحمل آزار و بداخلاقی همسر، تکامل روحی و معنوی انسان است. صبر در مقابل اذیت همسر، موجب تقویت صفات عالی اخلاقی چون صبر و خویشتنداری و نیز موجب پاداش اخروی و قرب الهی می شود. پیامبر **مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ امْرَأَتِهِ اَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَ مَا** «: گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود **اَعْطَى إِيَّابَ عَلَى بَلَائِهِ وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا اَعْطَاهَا اللَّهُ مِثْلَ نَوَابِ اسِيَةِ امْرَأَةٍ**



امتحانات الهی

هر کس بر بداخلاقی زنش صبر کند، خداوند اجر صبر ایوب را به او عطا می کند و هر کس بر [4] «فِرْعَوْنَ» بداخلاقی شوهرش صبر کند، خداوند پاداش آسیه همسر فرعون را به او می دهد.

خلاصه اینکه تحمل همسر وظیفه دیگر در زندگی مشترک است که موجب پیشگیری از آشفتگی زندگی خانوادگی می شود و از فروپاشی کانون خانواده جلوگیری می کند. پاداش الهی نیز نتیجه دیگر تحمل آزار همسر [5]. است

پی نوشت ها

نساء (4)، آیه 19 - [1]

اصول کافی، ج 2، ص 71 - [2]

بحارالانوار، ج 71، ص 83 - [3]

محجة البیضا، ج 3، ص 97 - [4]

فاخری، علیرضا، اخلاق خانواده، 2جلد، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، اداره آموزش [5]
های عقیدتی سیاسی - ایران - تهران، چاپ: 1، 1378 ه.ش

«پیامبر(ص) فرمود:

«هر زنی که براخلاق بد شوهرش صبر کند، خداوند ثواب حضرت آسیه را به او بدهد.»
مرحوم مرشد می گفت: "من در موقع زندگی با همسر اول خود، جوان بودم و نتوانستم محبت های او را جبران کنم." پدرم می گفت: "مادر بزرگ تو لقمه می گرفت و دهان پدرم می گذاشت".

اما همسر دوم مرشد به اندازه همسر اول او وفا نداشت؛ بلکه برعکس همسر اول، با مرحوم مرشد بدرفتاری می کرد.

بدرفتاری های این همسر، به قدری شدت گرفت که به حد آزار او رسیده بود و مرشد می گفت: این سرنوشت من است و آزار و اذیت این زن تقدیری است که مرا به صبر وامی دارد.

همسر دوم با مرشد طوری رفتار می کرد که گویی غلام حلقه به گوش اوست و کمتر مردی می توانست این حقارت را تحمل کند و تاب بیاورد.
داستان معروف آن عالمی که طلبه ای برای دیدار او شهر به شهر گشته و منزل او را پیدا کرده بود، یاد آمد.

امتحانات الهی

منزل عالم نزدیک جنگل بود و وقتی طلبه جوان به منزل عالم رسید او در خانه نبود.

همسر عالم درب منزل را به روی طلبه گشود و طلبه جوان از او پرسید: "عالم کجاست؟"

همسر عالم با لحن توهین آمیز و تحقیر کننده ای به طلبه جوان پاسخ داد: "آن فلان فلان شده را می گویی؟ رفته از جنگل هیزم بیاره!"

طلبه جوان که از رفتار همسر عالم و گفته های او مکدر و غمگین شده بود، در کنار منزل عالم به انتظار می نشیند.

چند لحظه بعد عالم از جنگل برمی گردد. در حالی که هیزم ها را سوار شیر نر زنده کرده و با مارهای سمی زنده هیزم ها را به کمر شیر، گره زده بود، به طرف او می آید.

طلبه جوان در حالی که از شیر و مارها ترسیده و از این وضع تعجب کرده بود، سر پا می ایستد. در حالی که به خود می لرزید، عالم به او نزدیک شده و در گوش او به آرامی می گوید: "جوان! من از آن صبر به این مقام رسیده ام!"

آری ما نوادگان همسر اول مرحوم مرشد همیشه مانند فداییان او بودیم. از همان کودکی در مقابل او مودب می ایستادیم و بدون اجازه او کاری نمی کردیم. وقتی همسر دوم مرشد با او بدرفتاری می کرد، جلو می آمدیم تا خود فرمان نامادری را برده و مرشد را خلاص کنیم.

ولی خود مرشد اجازه نمی داد می گفت: "صبر چیز خوبی است." هر چه ناسزا می شنید، عصبانی نمی شد. آرام صحبت می کرد، آرام اطاعت می کرد و آرام به کار خود ادامه می داد.

برای اطلاع خوانندگان محترم، چند مورد را که خود در خانه معظم له بودم و با چشم خود دیدم، در اینجا نقل می کنم تا الگوی صبر و استقامت را از شیعیان امیرالمومنین بشناسید:

یک روز بعد از ظهر همراه مرحوم مرشد از مغازه به طرف خانه او می رفتیم. مرحوم مرشد آب گردان مسی را که مملو از چلو کباب برگ مخصوص بود، زیر عبا در دست داشت.

ماجرای این آب گردان این بود که: "خانم"، یعنی همسر دوم مرحوم مرشد، به مرشد گفته بود: "غذای مشتریان مغازه به درد ما نمی خورد. باید برای ما غذایی جداگانه و مخصوص پیزی و بیاوری." برای همین، جناب مرشد هر روز مجبور بود در ظرف جداگانه ای برای همسرش غذا پزد و به خانه بیاورد.

سوار تاکسی شدیم و به طرف منزل ایشان واقع در چهارراه دروازه دولاب رسیدیم. پدر خسته بود تا خواست عباي خود را در بیاورد، همسر دوم او که ما به او "خانم" می گفتیم، بدون اینکه جواب سلام ما را بدهد، رو به مرشد کرد و گفت: "سیگار خریدی یا نه؟" مرشد گفت: "یادم رفته!"

خانم بنای فحش را به آن عالم بزرگ گذاشت و شروع به پرخاش کردن کرد. من که آن زمان 12 سال داشتم، جلو دویدم و برای اینکه نامادری، پدر بزرگم را راحت بگذارم، گفتم: "خانم، من الان می روم برایتان سیگار می خرم"

خانم گفت: "نخیر! خودش باید برود." من به پدر بزرگم نگاه کردم. جناب مرشد آرام گفت: "خودم می روم." و از من خواست آرامش خودم را حفظ کنم. آرام آرام پدر بزرگ از پله های منزل پایین آمد و رفت برای خانم سیگار خرید و برگشت.

امتحانات الهی

روزی عموم حسین آقای عابد گفت نظیر این صحنه برای من پیش آمد و من خواستم پادرمیانی کنم و حرفی بزنم و کمکی به پدر بکنم، پدرم فرمود: "من برای تو مثل پاسبانی که سر چهار راه دستش را بلند می کند و به خودروها می گوید: "ایست!" می گویم: "بایست!"

شب یکی از دوستانش برای دیدن جناب مرشد به منزل او می رود. نزدیک چهار راه دروازه دولاب وارد کوچه می شود

از دور می بیند جناب مرشد کنار درب منزل خود داخل کوچه نشسته است. گفت: جلو رفتم و به جناب مرشد سلام کردم. مرا شناخت و به آرامی جواب سلام مرا داد. پرسیدم: "حاج آقا این وقت شب چرا داخل کوچه نشسته اید و به داخل خانه نمی روید؟" مرشد جواب داد: "زنم از منزل بیرونم کرده!" مرد ادامه داد: داخل منزل رفتم و خانم او که مرا می شناخت، با وساطت من مرشد را به خانه راه داد و آن شب گذشت.

مرشد در حالی که در برابر این اعمال همسر خود صبر می کرد که خود در روز صدها مستمند را دستگیری کرده، ده ها بی خانمان را مسکن داده، صدها گرسنه را سیر کرده و¹...

«اصمعی وزیر خلیفه عباسی در بیابان به خیمه ای رسید. زنی جوان و صاحب جمال درخیمه بود. اصمعی از او آب طلبید. زن گفت: شوهرم نیست و اجازه ندارم به شما آب بدهم. ولی اجازه شیر این بز بدست خودم است. زن از شیر به اصمعی داد. در این موقع سیاهی از دور پیداشد. زن گفت: شوهرم است که از صحرا برمی گردد. وقتی شتر سوار رسید، زن باستقبال او رفت و بر او سلام کرد، پاهای او را شست و... ولی هر چه زن محبت می کرد، مرد که قیافه زشتی داشت و به یک پایش لنگ بود، با بداخلاقی به او جواب می داد. تا اینکه مرد وارد خیمه شد و نگاه غضبناکی به اصمعی نمود و به آخر خیمه رفت. اصمعی به زن گفت: حیف نیست شما با این امتیازات، با همچو مردی زندگی می کنی؟ زن گفت: من از شما که وزیر خلیفه هستی تعجب می کنم که می خواهی بین من و شوهرم جدائی بیافکنی! اگر من با این مرد زندگی می کنم برای این است که می خواهم به روایت پیامبر (ص) عمل کرده باشم که فرمود: ایمان دو نیمه است. نیمه ای شکر و یک نیمه اش صبر است. من خدا را بر نعمتهایش شکر گفته و بر سختی های زندگی صبر می نمایم. و امید به پادشاهای آخرت دارم.»

— با اخلاق خوب با شوهرش روبرو شود.

«مردی خدمت پیامبر (ص) آمد و گفت: ای رسول خدا! همسری دارم که چون به خانه می روم به پیشبازم می آید و هنگام خارج شدن، بدرقه ام می کند. اگر مرا ناراحت ببیند می گوید: ناراحت نباش! که اگر غم روزی رامی خوری، خدا روزی رسان است. و اگر غم آخرت داری، خدا غمهایت را زیاد کند!

منبع: بهترین کاسب قرن¹

(خاطرات مرحوم حاج مرشد چلوپی (طاب ثراه

تالیف: علی عابد نهاوندی

پیامبر(ص) فرمود:

«به او بشارت بهشت بده! و به او بگو که تو یکی از عاملان خدایی که در هر روز، پاداش هفتاد شهید برای تو خواهد بود.»

«حسین بن علاء می گوید: در خدمت امام صادق(ع) بودم که مردی آمدو از زنش شکایت کرد. امام فرمود: برو و زنت را بیاور! آن مرد رفت و باهمسرش برگشت. امام به آن زن فرمود: شوهرت چه می گوید؟ زن گفت: خدا چنین و چنانش بکند! امام فرمود: اگر بر این حال بمانی و اخلاقت را با شویت درست نکنی، سه روز بیشتر زنده نمانی! زن گفت: می خواهم هرگز صورتش را نبینم! امام به آن مرد فرمود: دست زنت را بگیر و برو که بیشتر از سه روز زنده نمی ماند!

آن دو رفتند، بعد از سه روز آن زن از دنیا رفت»

- هر کس همسرش را چندان آزار واذیت دهد که او حاضر شود (با دادن مالی یا بخشیدن مهریه) جان خود را از او بخرد و آزادکند، خداوند متعال برای آن مرد به کیفری کمتر از آتش رضایت ندهد، زیرا خداوند متعال همچنان که برای (تعدی به) یتیم خشم می گیرد، برای زن به خشم می آید.

- هر کس بر بداخلاقی همسر خود صبر کند و آن را به حساب خدا بگذارد، خداوند متعال به ازای هر روز و شبی که بر بداخلاقی او صبر کرده است، همانند ثوابی دهد که به ایوب(ع) برای صبر در بلاها و گرفتاری هایش داده است و برای آن زن در هر شب و روز به اندازه ریگ های یک ریگستان گناه باشد و اگر پیش از آن که به مرد خود کمک و همراهی کند و قبل از آن که شوهرش از او راضی شود بمیرد، روز قیامت در طبقه زیرین دوزخ با منافقان و اژگونه محشور شود.

- هر کس زنی داشته باشد که با او ناسازگاری کند و به آن چه خدای متعال روزی مرد کرده است خشنود و قانع نباشد و بر شوهر خود سخت گیرد و آن چه را در توان او نیست بروی تحمیل کند، خداوند از آن زن کار نیکی که نگهدار او از آتش باشد، نپذیرد و تا زمانی که بر این خوی و خصلت است خداوند بر او خشمگین باشد.

ماجرای کتک خوردن یک فقیه برجسته از همسرش

.شیخ حسین انصاریان در کتاب نفس، ماجرای کتک خوردن یکی از فقهای برجسته شیعه را روایت کرده است

به گزارش ایسنا، «کیهان» نوشت: مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء از بزرگترین فقیهان عالم تشیع بوده است، در حدی که علمای بزرگ شیعه از قول او نقل کرده اند که فرموده بود: اگر تمام کتاب های فقهی شیعه را در رودخانه بریزند و به دریا برود و شیعه دیگر یک ورق فقه دستش نباشد، من از اول تا آخر فقه شیعه را در سینه ام دارم، همه را بیرون می دهم تا دوباره بنویسند. مرجع هم شده بود.

اهل علم و اصحاب سرّش فهمیدند که همسرش در خانه بداخلاقی می‌کند ولی خیلی هم خبر از داستان نداشتند. اینقدر در مقام جست‌وجو برآمدند تا به این نتیجه رسیدند که این مرد بزرگ الهی، این فقیه عالیقدر گاهی که به داخل خانه می‌رود، همسرش حسابی او را کتک می‌زند.

یک روز چهار پنج نفر جمع شدند و خدمتش آمدند و گفتند: آقا ما داستانی شنیده‌ایم از خودتان باید بپرسیم. آیا همسر شما گاهی شما را می‌زند؟! فرمود: بله، عرب است، قدرتمند هم هست، قوی‌البنیه هم هست، گاهی که عصبانی می‌شود، حسابی مرا می‌زند. من هم زورم به او نمی‌رسد. گفتند: او را طلاق بدهید. گفت: نمی‌دهم. گفتند: اجازه بدهید ما زن‌ه‌ایمان را بفرستیم ادبش کنند. گفت: این کار را هم اجازه نمی‌دهم. گفتند: چرا؟ گفت: این زن در این خانه برای من از اعظم نعمت‌های خداست چون وقتی بیرون می‌آیم و در صحن امیرالمومنین می‌ایستم و تمام صحن، پشت سر من نماز می‌خوانند، مردم در برابر من تعظیم می‌کنند. گاهی در برابر این مقاماتی که خدا به من داده، یک ذره هوا مرا برمی‌دارد. همان وقت می‌آیم در خانه کتک می‌خورم، هوایم بیرون می‌رود! این چوب الهی است، این باید باشد.

9- آزمایش با شهوات و گناهان جنسی

این امتحان از بقیه سخت تر است! و عده ای در آن مردود می شوند.

بسیجی شهید «اصغر طاهری» صداقت و صفای خاصی داشت که او را زباززد بچه ها کرده بود. در قنوت های نمازش دعاها را به عربی و فارسی مخلوط می خواند. در اکثر قنوت ها این دعا را می خواند: «اللهم ارزقنا در دنیا زیارت حسین(ع) در آخرت شفاعت». (حسین ع).

بچه ها اگر چه می دانستند اشکالی ندارد، ولی از سرشوخی به او می گفتند: «چرا اینجوری دعای می کنی؟» او با همان صداقت و پاکی خودش می گفت: «خدا دعای بنده را به هر زبانی که باشد، قبول می کند مادرش می گفت: «شبی اصغر را در خواب دیدم که در باغی نشسته بود. به من سلام کرد. به او گفتم چه جای خوبی داری مادر! چطور تو را به اینجا آورده اند؟» لبخند زنان گفت: «تنها کار من این بود که از بچگی گناه نکردم و از گناه کردن خجالت می کشیدم».

شهیدی که امام زمانش رازیارت کرد

..... از نگاه نکردن به دختران در حال شنا تا دیدار با امام زمان...

داستان این شهید رو بخونین

...بینین بعضی وقتا گذشتن از یک گناه آدم رو به چه جاهایی که نمیرسونه

یکی از همزمانش می گفت: در لحظه ی شهادت ترکشی به پهلویش اصابت کرد. وقتی به زمین افتاد از ما خواست که او را بلند کنیم.

: وقتی روی پایش ایستاد رو به کربلا دستش را به سینه نهاد و آخرین کلام را بر زبان جاری کرد

.السلام علیک یا ابا عبدالله)) بعد هم به همان حالت به دیدار ارباب بی کفن خود رفت))

آیت الله حق شناس در عظمت شهید فرمود: در این تهران بگردید و ببینید کسی مانند این احمد اقا پیدا می کنید؟! این شهید را دیشب در عالم رویا دیدم از احمد پرسیدم چه خبر؟

: به من فرمود

.تمامی مطالبی که (از برزخ و...) می گویند حق است. از شب اول قبر و سوال و ...اما من را بی حساب و کتاب بردند

بعد استاد مکثی کرد و فرمود: رفقا آیت الله العظمی بروجردی حساب و کتاب داشت اما نمی دانم این جوان چه کرده بود. چه کرد تا به این جا رسید

داستان تحول از زبان خود شهید

یه روز با رفقای محل رفته بودیم دماوند. یکی از بزرگترها گفت احمد آقا برو کتری رو آب کن بیار... منم راه افتادم راه زیاد بود کم کم صدای آب به گوش رسید. از بین بوته ها به رودخانه نزدیک شدم. تا چشمم به رودخانه افتاد یه دفعه سرم را انداختم پایین و همان جا نشستم بدنم شروع کرد به لرزیدن نمیدانستم چه کار کنم. همان جا پشت درخت مخفی شدم... می توانستم به راحتی گناه بزرگی انجام دهم. پشت آن درخت و کنار رودخانه چندین دختر جوان مشغول شنا بودن. همان جا خدا را صدا زدم و گفتم خدایا کمک کن. خدایا الان شیطان به شدت من را وسوسه میکند که من نگاه کنم هیچ کس هم متوجه نمی شود اما خدایا من به خاطر تو ازین گناه می گذرم

از جایی دیگر آب تهیه کردم و رفتم پیش بچه ها و مشغول درست کردن آتش شدم. خیلی دود توی چشمم رفت و اشکم جاری بودیادم افتاد حاج آقا حق شناس گفته بود هر کس برای خدا گریه کند خداوند او را خیلی دوست خواهد داشت. گفتم ازین به بعد برای خدا گریه میکنم حالم منقلب بود و از آن امتحان سخت کنار رودخانه هنوز دگرگون بودم و اشک میریختم و مناجات می کردم خیلی باتوجه گفتم یا الله یا الله... به محض تکرار این عبارات صدایی شنیدم که از همه طرف شنیده میشد به اطرافم نگاه کردم صدا از همه سنگریزه های بیابان و درختها و کوه می آمد!!! همه می گفتند سبوح القدوس و رب الملائکه والروح □□ از آن موقع کم کم درهایی از عالم بالا به روی من باز شد

- امام علی(ع) : ایمان دارای چهارستون (شعبه) است : صبر و یقین و عدالت و جهاد صبر نیز چهار شعبه دارد : شوق و ترس و زهد و انتظار ، کسی که شوق بهشت داشته باشد ، از شهوات باز ایستد و

هر که از دوزخ بترسد ، از حرامها دوری کند و هر که به دنیا بی اعتنا باشد ، مصیبتها را ناچیز شمارد و هر که منتظر مرگ باشد ، به کارهای خیر بشتابد.

پیامبر (ص): «اگر با بریده ای آهن بر سر شما بزنند برایتان بهتر است از اینکه زن نامحرنی را لمس نمائید!»

امام مجتبی ع: «ای فرزند آدم! تو از زمانیکه متولد شده ای دائماً عمر خود را تلف می کنی! پس از آنچه در دست داری، برای سفر آخرت خود توشه بردار! زیرا که مؤمن، زاد و توشه بر می دارد ولی کافر لذت می برد و خوشگذرانی می کند.»

- خشم خدای عزوجل سخت است بر آن زن شوهرداری که چشم خود را از غیر شوهرش یا مردی که بر او محرم نیست پر کند، زیرا اگر چنین کند، خداوند همه اعمال (نیک) او را باطل گرداند و اگر به بستتر شوهر خود دیگری را راه دهد، خداوند متعال حق دارد او را پس از عذاب دادن در قبرش، به آتش بسوزاند.

«یکی از علماء می گوید: مشاهده کردم که هفته ای یکبار خانمی در حرم امیرالمؤمنین (ع) برای زنها استخاره می گیرد. من از یکی از خادمین حرم خواهش کردم که آن زن را نزد من بیاورد تا چند سؤال از او پرسم. خانم را نزدم آوردند، از او پرسیدم: شما چگونه استخاره می گیرید؟ جواب داد: با تسبیح و با کمک حضرت ابوالفضل (ع)! وقتی از او توضیح خواستم، گفت: من زنی بیوه هستم که چند بچه دارم. از بی پولی چندبار تصمیم به اعمال ناشایست گرفتم، ولی هر بار منصرف شدم و تقوا پیشه نمودم. یک دفعه آخر خیلی بمن فشار آمد و دیگر نزدیک بودم که آلوده شوم ولی باز منصرف شدم و به حرم حضرت ابوالفضل (ع) رفتم و سه روز در آنجا اعتصاب غذا نمودم و از حضرت تقاضای کمک نمودم.

در عالم رؤیا حضرت عباس (ع) بمن فرمود: برو و در حرم پدرم امیرالمؤمنین (ع) برای زنها استخاره بگیر! گفتم: من این کار را بلد نیستم! فرمود: ما کمکت می کنیم.

من هم هفته ای یک بار به اینجا می آیم و استخاره می گیرم و حضرت هم مطالبی که لازم است به افراد بگویم، بر زبانم جاری می کند. و مردم هم در عوض بمن مزد می دهند!»

ابن سیرین وزن فاسد

«ابن سیرین جوان پاکدامنی بود که در مغازه پارچه فروشی کار می کرد. روزی زنی فاسد گذرش به مغازه او افتاد و تصمیم گرفت ابن سیرین را فریب دهد. او مقداری پارچه خرید و از ابن سیرین خواست که پارچه هارا برایش به خانه اش ببرد. ابن سیرین پارچه به منزل این زن برد ولی وقتی وارد خانه زن شد، زن در را از داخل قفل کرد و درخواست زنا از ابن سیرین نمود. ابن سیرین زن را نصیحت کرد و درخواست او را رد نمود ولی زن گفت که اگر بخواسته او تن در ندهد آبروی او را می برد. ابن سیرین فکری کرد و درخواست زن را قبول نمود ولی قبل آن خواست که به دستشویی

برود. وقتی داخل دستشویی شد، از نجاستهای داخل چاه فاضلاب برداشت و سر و صورت خود را به آنها آغشته نمود. وقتی بیرون آمد آنقدر منظره نفرت انگیزی پیدا کرده بود که زن او را از خانه اش بیرون نمود! ابن سیرین خوشحال به حمام رفت و خود را پاک نمود. ولی بخاطر این پاکدامنی، خدا به او علم تعبیر خواب را داد.»

«پیامبر (ص): بوی بهشت از مسیر پانصد سال راه بمشام می رسد ولی بمشام عاق والدین و دیوث نمی رسد. پرسیدند که دیوث کیست؟ فرمود: آنکه می بیند بازنش زنا می کنند ولی ناراحت نمی شود!» بحار 74 ص 69

«پیامبر (ص): هر مردی که زنش زینت کرده بیرون رود، دیوث است! همچنین اگر زن با زینت و عطر زده بیرون برود و شوهرش راضی باشد، هر قدمی که زن برمی دارد، برای شوهرش یک خانه در جهنم ساخته می شود.²

- هر کس با زن نامحرمی دست دهد، در روز قیامت دست بسته بیاید و سپس دستور آید که او را به آتش برند.

- هر کس با زنی که مال او نیست شوخی کند، به ازای هر کلمه ای که در دنیا به آن زن گفته است هزار سال (در آتش) نگه داشته شود و هرگاه زن، مرد را به خود بپذیرد و در نتیجه، مرد به حرام او را در آغوش کشد یا ببوسدش یا با وی مباشرت کند و یا با او شوخی کند و مرتکب فحشایی شود همان گناهی که برای مرد است برای او نیز باشد و چنانچه زن راضی نباشد و مرد با زور به وی دست درازی کند گناه آن زن نیز بر مرد است.

10- امتحان با امانتداری

خیانت.

قرآن.

((ای کسانی که ایمان آورده اید می دانید که نباید به خدا و پیامبرش خیانت کنید و در امانت خیانت ورزید)).

- پیامبر خدا (ص): چهار چیز است که یکی از آنها به خانه ای در نیاید مگر این که آن خانه ویران شود و از برکت آباد نشود: خیانت، دزدی، شرابخواری و زنا.

² «بحار ج 103 ص 249

امتحانات الهی

- امام صادق (ع) : مؤمن بر هر خویی سرشته می‌شود مگر خیانت و دروغ.
- انسان بر خصلت‌هایی ساخته شده است اما بر هر خصلتی ساخته شود بر خیانت و دروغ بنا نمی‌گردد.
- پیامبر خدا (ص) : از ما نیست کسی که در امانت خیانت کند.
- از ما نیست کسی که نسبت به زن و مال مسلمانی خیانت ورزد.
- حيله‌گری و فریب و خیانت در دوزخند.
- امام علی (ع) : خیانت برادر دروغ است.
- خیانت عهد شکنی است.
- خیانت هم‌یشه دروغ و بهتان است.
- خیانت در راس نفاق است.
- از خیانت کردن پرهیز که آن بدترین گناه است و خائن به سبب خیانتکاری خود به آتش عذاب شود.
- از خیانت کردن دوری کنید که خیانت کردن دور شدن از اسلام است.
- سرآمد نفاق ، خیانت است.
- در راس کفر ، خیانت است.
- ابو ثمامه : خدمت امام باقر (ع) رسیدم و عرض کردم : فدایت شوم ، من می‌خواهم مجاور مکه شوم و به مرجئه بدهکارم ، چه می‌فرمایی ؟ فرمود : بدهی خود را بپرداز و مواظب باش که خدای تعالی را بدون آن که دینی به‌گردنت باشد دیدار کنی ، زیرا مؤمن خیانت نمی‌کند.

امتحانات الهی

- امام علی (ع) : کسی که به امانت اهمیت ندهد گرفتار خیانت شود.
- خیانت کردن نشانگر کمبود پارسایی و نبود دینداری است.
- بدترین مردم کسی است که به امانتداری اعتقاد نداشته باشد و از خیانت پرهیز نکند.
- امام صادق (ع) از وکیل خود حساب می کشید و او پیوسته می گفت : به خدا من خیانت نکرده ام ، به خدا من خیانت نکرده ام حضرت فرمود : ای فلانی ! خیانت کرده باشی یا مال مرا هدر داده باشی برای من یکسان است ، زیرا گناه خیانت به گردن توست سپس فرمود : پیامبر خدا (ص) فرمود : اگر از روزی خود بگریزید روزی در پی شما می آید تا به شما برسد ، همچنان که اگر از اجل خود بگریزید به دنبالتان می آید تا به شما برسد و کسی که خیانتی کند به همان مقدار از روزیش کم می شود و گناه آن برایش نوشته می گردد.
- نهی از خیانت کردن حتی به خیانتکار.
- پیامبر خدا (ص) : به کسی که به تو خیانت کرده است خیانت نکن که تو نیز چون او خواهی بود.
- امام علی (ع) : به آن که تو را امین شمرده است خیانت مکن هرچند او به تو خیانت ورزد و دشمنت را بدنام مکن هرچند او تو را بدنام کرده باشد.
- سلیمان بن خالد به امام صادق (ع) عرض کرد : من به مردی مالی سپردم و او انکار کرد و سوگند خورد که چیزی به او نداده ام سپس مالی از او به دست من افتاد آیا می توانم آن را به جای مالی که از من گرفت و انکارش کرد و سوگند خورد بردارم؟ حضرت فرمود : اگر او خیانت کرد تو خیانت مکن و کاری را که از او خرده می گیری خودت مرتکب نشو.
- معاویه بن عمار به امام صادق (ع) عرض کرد : من به کسی پولی می سپارم و او انکار می کند که به

امتحانات الهی

وی چیزی سپرده ام ، بعد از مدتی او مالی به من می سپارد آیا می توانم آن را به جای پولی که نزد او دارم (و به من نمی دهد) بردارم ؟ فرمود : نه ، این خیانت است.

تفسیر خیانت و خائن.

- امام باقر (ع) درباره آیه ((به خدا و پیامبر خیانت نکنید و در امانت هایتان خیانت مورزید)) فرمود :

خیانت به خدا و پیامبر همان نافرمانی ایشان است و اما خیانت در امانت ، هر انسانی امانت دار فرایضی است که خداوند بر او واجب کرده است.

- پیامبر خدا (ص) : فاش کردن راز برادرت خیانت است ، پس از این کار دوری کن.

- امام جواد (ع) : در خیانتکاری مردهمین بس که امانتدار خیانتکاران باشد.

- امام صادق (ع) - به هارون نابینا فرمود : ای هارون ! خدای تبارک و تعالی به خویشتن سوگند

یاد کرده که خائنی را همجوار خود نکند هارون می گوید : عرض کردم : خائن کیست ؟ فرمود : آن

که درهمی یا چیزی از مال دنیا را از مؤمنی دریغ دارد و پنهان کند.

- هریک از یاران ما که برادرش در مشکلی از او کمک بخواهد و وی با تمام توان خود در کمک به او

نکوشد ، هر آینه به خدا و پیامبر او و مؤمنان خیانت کرده است.

- امام علی (ع) : خیانتکار کسی است که خود را به غیر خود مشغول دارد و امروزش بدتر

از دیروزش باشد.

- پیامبر خدا (ص) : نشانه خیانتکار چهار چیز است : نافرمانی خدای رحمان ، آزار رساندن به

همسایگان ، نفرت از همگنان و نزدیک شدن به طغیان و سرکشی.

اوج خیانت.

امتحانات الهی

- امام علی (ع) : اوج خیانت ، خیانت کردن به دوست صمیمی و شکستن عهد و پیمانهاست.

- پیامبر خدا (ص) : در علم و دانش با یکدیگر صادق و یکرنگ باشید ، زیرا خیانت در علم بدتر از

خیانت در مال است.

- امام علی (ع) : یکی از زشت‌ترین خیانتها ، خیانت در سپرده‌هاست.

- بزرگترین خیانت، خیانت ملت است و زشت‌ترین دغل ، دغلکاری پیشوایان است.

خیانت (متفرقه).

- امام صادق (ع) : بدترین مردمان بازرگانان خیانتکارند.

- امام علی (ع) : عهدشکنی زشت‌ترین خیانت است.

- هرگاه گناهان (خیانتها) آشکار شود برکتها از میان برود.

- گاه باشد که خیرخواه مورد اعتماد خیانت کند و آن که خائن شمرده می‌شود خیرخواهی کند.

بهترین مردمان هر که روزگار را امین دانست روزگاری به او خیانت کرد.

.....

- هر کس شب را به سر برد و در دلش قصد خیانت و دغلی نسبت به برادر مسلمانانش داشته باشد، آن شب را در خشم خدای متعال سپری کند و روزش را نیز به همین گونه در خشم و ناخشنودی خداوند به سر برد مگر این که توبه و بازگشت کند و اگر در چنین حالتی بمیرد بر غیر آیین اسلام مرده باشد رسول خدا (ص) سپس فرمود: بدانید که هر کس با مسلمانی دغلی کند از مانیست حضرت سه بار این جمله را تکرار کرد.

بر صیصای عابد!

«در زمان قدیم عابدی در بنی اسرائیل زندگی می‌کرد که در عبادت مشهور عام و خاص بود. تاجری در آن شهر بود که باتنها دخترش زندگی می‌کرد. روزی این تاجر قصد سفر کرد و چون شخصی را نمی‌شناخت

که دخترش را نزدش بگذارد، دخترش را نزد عابد گذاشت و به تجارت رفت. چند ساعتی از حضور دختر نزد آن عابد که اسمش را برصیصا نوشته اند، نگذشته بود که شیطان او را وسوسه نمود و عمل زنا را مرتکب شد. بعد از آن شیطان وسوسه دوم را کرد که اگر این دختر زنده بماند، آبروی تو را می برد. لذا دختر را کشت و جسدش را دفن نمود. وقتی تاجر برای بردن دخترش نزد عابد آمد، اصل آمدن دختر به خانه خود را انکار نمود. تاجر نزد قاضی شاکی شد و در نتیجه بررسی قاضی، جسد دختر کشف شد و حکم اعدام برصیصا صادر گردید. در پای چوبه دار دوباره شیطان وسوسه کرد و نزد او ظاهر شد و گفت: اگر بگوئی که «من شیطان رامی پرستم» من تو را از اعدام نجات می دهم و تو میتوانی از تمامی گناهان توبه کنی! عابد فریب خورد و در حالیکه این جمله را می گفت به طناب دار آویخته شد.

داستان جوانی که از گذشته عبرت گرفت!

«در زمان حکومت عبدالملک مروان، مرد تاجری بود که مردم او را به درستیکاری و امانت می شناختند. و صاحبان کالا، اجناس خود را بطور امانت و به عنوان حق العمل کاری نزد وی می گذاشتند. اما در یکی از معاملات از مسیر درستی و امانت منحرف شد و خیانت نمود و طولی نکشید که مردم این خبر را شنیدند و آبروی چندین ساله او بر باد رفت! مردم دیگر بطرف او نمی آمدند و او ورشکسته و زیان دیده شد. اما پسر این تاجر که جوانی فهمیده و با فراست بود، از این حادثه عبرت گرفت و تصمیم گرفت که از سرگذشت تلخ پدرش عبرت گرفته و هیچگاه خیانت نکند. او وارد بازار کار شد و پس از مدتی مردم به او اعتماد نمودند و با او معامله می کردند.

روزی افسری که همسایه آن تاجر زاده بود، نزدش آمد و گفت: من در حال رفتن به جنگ با روم هستم. احتمال دارد که دیگر زنده برنگردم. این ده هزار سکه طلا نزد تو امانت باشد. اگر برنگشتم، در مواقعی که همسر و بچه هایم محتاج هستند، به آنها بده و هزار سکه هم از این پولها مال خودت است! سپس آن افسر خدا حافظی کرد و عازم نبرد شد. بعد از مدتی خبر کشته شدن او به خانواده اش رسید. تاجر ورشکسته و پدر تاجر فعلی که از ده هزار سکه اطلاع داشت، نزد پسر آمد و گفت: حال که صاحب این پولها کشته شده تو بیا و مقداری از اینها را بمن بده تا رونقی به زندگیم بدهم و بعداً آن را بتو برمی گردانم! پسر گفت: پدر! تو از خیانت و نادرستی به این وضع افتادی! بخدا قسم اگر اعضاء بدنم را قطعه قطعه کنند، من در امانت خیانت نخواهم کرد و اشتباه تو را تکرار نمی کنم!

وقتی زندگی بر خانواده افسر مقتول سخت شد، نامه ای به خلیفه نوشتند و درخواست کمک کردند ولی نتیجه ای نگرفتند. این جوان از این مسئله مطلع شد و فرزندان آن افسر را خواست و به آنها گفت: پدر شما برای همچو روزی مقداری سکه نزد من گذاشته است. و سفارش کرده که هزار سکه مال من باشد و بقیه را بشما برگردانم. آنها

خوشحال شده و گفتند ما دو هزار سکه بتو می دهیم. جوان پولها را به آنان داد و آنان هم دوهزار سکه به او دادند. بعد از چندی خلیفه دستور داد که از وضع آن خانواده تحقیق کردند و هنگامی که از ماجرای امانت داری این جوان آگاه شد، دستور داد او را احضار نمودند و پست خزانه داری را به او محول نمود!

روزی به دیدار یک نفر از قضات رفته بودم. پیشش بودم. پرونده هارو می آوردند تا ایشان دستور دهد. اکثر پرونده ها روش نوشته شده بود: خیانت در امانت!

در حالی که ما پیرو پیامبری هستیم که از نوجوانی به محمد امین معروف بوده است. ولی ما امانت داری نمی کنیم! اما خود را مسلمان می دانیم!

11- آزمایش با علم و دانش

علم باید با تقوی و دوری از رذائل اخلاقی همراه باشد. کسیکه علم دارد ولی دین ندارد از هزاران جاهل خطرناکتر است که :

چودزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا و رسول (ص) فرمود: هرگاه عالمی فاسد شود، عالمی فاسد شود! بوده اند دانشمندانی که در خدمت اهداف شیطانی قرار گرفتند و جهانی را دچار ضرر و خسارت کردند. در زمان ما هم چه بسیار دانشمندانی که بی دین بوده و جز به منافع مادی و شهوانی خود فکر نمی کنند. آنها در خدمت مستکبرین و ظالمین و سرمایه داران قرار گرفته و با خدمت به آنها در ابعاد مختلف نظامی، اقتصادی، اخلاقی، تبلیغاتی، سیاسی آنان را در اهدافشان یاری می کنند. متأسفانه عده ای از دانشمندان ایرانی به بهانه های مختلف از جمله نبود امکانات به آمریکا و اروپا مهاجرت کرده و در حالیکه کشور خودشان شدیداً به دانش آنان نیازمند است، در خدمت سرمایه داری و مستکبرین قرار می گیرند. این هجرت را باید هجرت شیطانی گذاشت. و شخصیت این افراد را باید از این هجرتشان شناخت که در وجود آنها، دین و خدمت به مردم و ایثار در راه میهن و... وجود ندارد.

شخصی بنام شلمغانی است که وکیل امام عصر (ع) بود و دانشمندی بود که رساله او در همه خانه های شیعیان وجود داشت. اما وقتی قرار شد حسین بن روح نوبختی نایب خاص حضرت شود. شلمغانی دچار حسادت شد و نتوانست این مسئله را تحمل کند و شروع به توطئه کرد تا اینکه از طرف حضرت مهدی علیه السلام توقیعی صادر شد و حضرت او را لعن کردند. و عاقبت هم شلمغانی به طرز فجیعی کشته شد.

یا احمد بن هلال کرخی که وکیل امام هادی و امام عسکری بود و 54 بار به سفر حج رفت که بیست بار آن پیاده بود. ولی بخاطر ادعای دروغین نیابت، مورد لعن امام زمان عجل قرار گرفت.

در زمان ابتدای انقلاب اسلامی عده ای در کنار امام بودند و عده ای هم با حضرت امام مخالفت کردند از جمله منتظری! بعد از رحلت امام، اکثر یاران امام با رهبری بیعت کردند و حامی نظام هستند. صدها مجتهد و انسانهای مخلص. ولی در این بین افرادی بودند که از یاران امام بودند اما بعد از رحلت حضرت امام، به مخالفت با رهبری پرداختند. آقای موسوی خوئینی ها می گوید من زمان امام هم ولایت فقیه را قبول نداشتم ولی از ابهت امام جرات مخالفت نداشتم! اینها عالم بی عمل بودند! و در امتحان الهی مردود شدند!

12- امتحان با خشم و غضب

کنترل عصبانیت خیلی سخت است ولی انسان می تواند با تمرین مداوم آن را به کنترل خود در بیاورد. اگر عصبانیت کنترل نشود باعث خرابی زیادی میشود. گاه باعث طلاق. گاه باعث خودکشی. گاه باعث دعوا و زد و خورد. گاه باعث نزاع دسته جمعی و غیره می گردد.

«مردی خدمت پیامبر آمد و گفت: مرا نصیحتی بفرما! حضرت فرمود: غضب نکن! باز گفت: مرا توصیه ای بفرمائید! فرمود:

غضب نکن! برای بار سوم گفت: مرا نصیحتی بفرمائید! فرمود: غضب منما!

آن شخص خدا حافظی کرد و بنزد قبیله خود مراجعه نمود. ناگاه دید که بر سر مسئله قتل، قبیله او آماده کارزار با قبیله دیگر شده است. او هم غضبناک شده و لباس رزم پوشید! اما بیاد سخن پیامبر افتاد و لباس جنگی را در آورد و بنزد قبیله مقابل رفت و گفت: ای مردم! هر جراحت و قتل بی نشانه ای که در افراد شما باشد، بعهده من است و خونبهای آنرا می دهم. آنها گفتند: ما به پرداخت این جریمه سزاوارتریم! سپس بایکدیگر صلح نمودند.»

روزی یکنفر یهودی سر راه امام حسن (ع) را گرفت و به حضرت ناسزاهای زیادی گفت. تا زمانیکه آن مرد حرف می زد، امام ساکت بود. وقتیکه اوساکت شد، امام به او سلام کرد و خنده نمود و فرمود: ای پیرمرد! گمان می کنم غریب هستی و امر بر تو مشتبّه شده است. اگر چیزی از ما می خواهی بتو می دهیم و اگر درخواست ارشاد و هدایت کنی تو را ارشاد می کنیم و اگر گرسنه باشی تو را سیر می نمائیم و اگر بی لباس هستی، بتو لباس می دهیم و اگر محتاج می باشی، تو را بی نیاز می کنیم و اگر حاجتی داری حاجت تو را بر آورده می نمائیم و اگر بخانه ما بیائی تو را مهمان می کنیم و... وقتی مرد شامی این برخورد را از حضرت دید، به گریه افتاد و گفت: من شهادت می دهم که تو خلیفه خدا در زمینی.^۳

- بردباری آتش خشم را فرو می نشاند و تندی، شعله آن را فروزان می کند.
- نخستین عوضی که بردبار از این خصلت خود می گیرد، این است که مردم در برابر نادان به یاری او بر می خیزند.
- آن که در برابر تو از بردباری مدد جوید بر تو چیره شود و بر تری یابد.
- امام صادق (ع) : یآوری بردباری کافی است.
- امام علی (ع) : به سبب بردباری تعداد یاران زیاد می شود.
- بردباری کردن در برابر نادان یاران انسان را بر ضد او زیاد می کند.
- پیامبر خدا (ص) : حاصل بردباری است : آراسته شدن به خوبیها ، همنشینی با نیکان ، ارجمند شدن ، عزیز گشتن ، رغبت به نیکی ، نزدیک شدن بردبار به درجات عالی ، گذشت ، آرامش و تانی ، احسان و خاموشی اینها ثمره حلم و بردباری خردمند است.

- امام سجّاد (ع) : هر آینه مرا خوش آید مردی که هنگام خشم بردباری کند.
- امام علی (ع) : بردباری آتش خشم را فرو می نشاند و تندی، شعله آن را بر می افروزد.
- لقمان (ع) : بردبار جز به هنگام خشم شناخته نشود.
بردبارترین مردم.
- امام علی (ع) در پاسخ به پرسش از بردبارترین مردم فرمود : کسی که خشمگین نمی شود.
پیامبر خدا (ص) : بردبارترین مردم کسی است که از مردمان نادان بگریزد.

13- آزمایش با شکر گذاری

شکر گذاری از خالق

تشکر کردن از کسیکه به انسان محبت می کند مطابق عقل است و جزء صفات خوب شمرده می شود. چه تشکر از خالق باشد که احدی نمی تواند شکر همه نعمتهای خدا را بجا آورد. و چه تشکر از افرادی که به انسان محبتی می نمایند.

³ منتهی الامال ج 1 ص 417

البته با این فرق که تشکر از خدا، باعث زیاد شدن نعمت می شود.

شکر نعمت نعمت افزون کند کفر نعمت از کفت بیرون کند. «ما به لقمان حکمت دادیم که شکر الهی را نما و هر که شکر کند، از خودش تشکر کرده و هر که ناسپاسی نماید، خدا بی نیاز و حمید است.» لقمان 12

«پیامبر (ص): پاداش کسی که غذا می خورد و شکر می کند مانند روزه گیر صبور است. و پاداش آدم سالم شکر کننده مانند مریض صبر کننده است. و پاداش صاحب نعمت شکر کننده مانند محروم قانع می باشد.»

تشکر یا زبانی است و یا عملی. شکر زبانی با ادا کردن جملاتی مانند: خدایا! شکر. تحقق می یابد و شکر عملی با انجام واجبات و ترک محرمات و راضی بودن خدا از اعمال انسان محقق می شود.

«امام صادق (ع) فرمود: شاکر به شخصی گویند که خدا را بر هر نعمتی که به او داده از قبیل خانواده و ثروت، شکر گوید و حقوق الهی نسبت به اموالش را ادا نماید.»

از دست و زبان که بر آید کز عهده شکرش بدر آید خدا در قرآن به نوح لقب «شکور» داده است. زیرا صبح و شب شکر خدا را می کرد و می گفت: خدایا! آنچه در صبح و شب از نعمت و سلامتی دینی و دنیوی دارم، از تو ست. تویی یگانه و بدون شریک. ای خدا! حمد و شکر این نعمتها مخصوص تو ست تا از من راضی شوی.

همچنین او هیچ چیز کوچک و بزرگ را بر نمی داشت الا بسم الله والحمد لله می گفت.

او در حین غذا خوردن می گفت: شکر خدایی که بمن غذا داد و اگر می خواست مرا گرسنه می گذاشت.

و هنگام آشامیدن می گفت: شکر خدایی که مرا سیراب کرد و اگر می خواست مرا تشنه می گذاشت.

و در هنگام لباس پوشیدن می گفت: شکر خدایی که مرا پوشاند و اگر می خواست مرا بی لباس قرار می داد.

و در هنگام پوشیدن کفش می گفت: شکر خدایی که مرا کفش پوشاند و اگر می خواست مرا پابرهنه می گذاشت.

و در هنگام قضاء حاجت می گفت: شکر خدایی که اذیت را از من دور کرد و اگر می خواست در من باقی می گذاشت «تفسیر جامع ذیل آیه 3 اسراء»

نعمتهای خدا به انسان چه نسبت به خود انسان و چه در جهان هستی آنقدر مهم و حیاتی است که انسان باید در همه حالات از شکر الهی غافل نشود.

«امام صادق (ع): در هر نفس کشیدنی یک شکر بلکه هزار شکر و بیشتر لازم است و پائین ترین درجه شکر آنست که نعمت را فقط از خدا بداند و به آنچه خدا به او داده راضی باشد و خدا را با نعمتش معصیت نکند (مثلاً با چشم گناه نکند) و در امر و نهی الهی با نعمت خدا با خالق خود مخالفت ننماید. پس در هر حالی بنده شکر گذار خدا باشد، تا خدا را در هر حالی کریم بیابی.»

در حالات رسول خدا (ص) آمده است که: یکروز در سفر کوتاهی وقتی برای استراحت توقف کردند، پنج سجده بجا آورد. اصحاب علت را پرسیدند. فرمود: جبرئیل برایم پنج بشارت آورد و من برای هر بشارتی یک سجده انجام دادم.

با شکرگزاری می توان به خالق تقرب جست. شکر فرصتی است تا با خدای خود مناجات و نجوایی داشته باشیم.

«امام صادق (ع): هرگاه یکی از شما بیاد نعمتی از نعمتهای خداوند عزوجل افتاد، پیشانیش را برای شکرگزاری، بر روی خاک بگذارد. و اگر سواره بود، پیاده شود و سجده کند. و اگر بخاطر انگشت نما شدن نمی تواند پیاده شود، پیشانیش را بر زمین اسب (در زمان مافران ماشین) بگذارد و اگر اینهم نشد، پیشانیش را بر کف دست بگذارد و خدا را بر نعمتهایش شکر کند.»

گاهی بایک شکر کردن بهشت بر انسان واجب می شود.

«امام صادق (ع): فردی مقداری آب می خورد و با آن بهشت برایش واجب می شود. زیرا موقع نوشیدن آب وقتی ظرف آب را نزدیک دهانش می برد، بسم الله می گوید. سپس مقداری می خورد و حمد می کند. دوباره می نوشد و حمد می کند. برای بار سوم مقداری می نوشد و حمد الهی می کند. بوسیله این یک بسم الله و سه بار حمد، بهشت برایش واجب می شود.»

شکر، افراد غرق در نعمت را بیدار نگه می دارد و آنها دچار غفلت نمی شوند.

«امام چهارم را سجاد (ع) یعنی بسیار سجده کننده گویند زیرا هرگاه به او نعمتی می رسید، به سجده شکر می رفت و هرگاه بین دو نفر اصلاح می کرد، سجده شکر می نمود و اگر از مریضی شفا می یافت، سجده شکر می کرد و اگر خدا به او فرزندی می داد سجده شکر می نمود.»

از آداب سفر است که وقتی به سلامت برگشتیم، سجده شکر نمائیم.

«امام رضا (ع) بعد از نماز ظهر به سجده رفته و صدبار می فرمود: حمد اَللّٰهُ. و بعد از نماز عصر به سجده رفته و صدبار می فرمود: شکر اَللّٰهُ.»

خدا در قرآن از بندگانش گلایه کرده و فرموده است که:

«وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِ الشُّكُورِ» (سبأ 13) یعنی بندگان شکر گذارم کم هستند.

آنکه شد چشم او به منعم باز جان او بر کشد به حمد آواز

قسمتی از مناجات شاکرین:

«خدایا! بخششهای پی در پی تو مرا از برپائی شکرت غافل نموده و ریزش مداوم فضلت مرا از شمردن ستایش ناتوان کرده و پشت سرهم بودن ستوده های تو، مرا از ذکر حمدهای تو باز داشته و متوالی بودن مساعدتهایت مرا از پخش نیکوهایت ناتوان کرده است...»

خدایا! در برابر نعمتهای بزرگ تو، شکر من ناچیز و در برابر اکرام تو به من، سپاس من حقیر می نماید...
خدایا! نعمتهای تو چنان زیاد است که زبانم از شمارش آن ناتوان است و نعمتهایت چنان بسیار است که فهم من از درک آن قاصر است چه رسد به شمردن آن! من چگونه می توانم شکر کنم؟ حال آنکه هر شکری که کنم نیاز به شکری دیگر دارد. پس هر گاه که می گویم: شکر مخصوص توست. واجب است که دوباره بگویم: خدایا شکر! (که توفیق شکر بمن دادی).

14- امتحان در مورد عفت و پاکدامنی و حجاب زنان و دختران

حجاب در فرهنگ اسلامی

- در فرهنگ اسلامی، هنر آن است که زنان با مردان اختلاط نداشته باشند و حجاب خود را رعایت نمایند. بر عکس فرهنگ غربی که هر چه زن با مردان بیشتر اختلاط داشته باشد و عریان تر باشد ارزشش بیشتر می باشد.
- 1- حضرت فاطمه زهراء (س) فرمود: «بهترین چیز برای زن آن است که مردان را نبیند و مردان نیز او را نبینند.»
 - 2- «نزدیکترین حالت زن به خدا وقتی است که در خانه خویش می ماند.»
 - 3- ای زن بتو از فاطمه اینگونه خطاب است ارزنده ترین زینت زن حفظ حجاب است
 - 4- «در جواب اینکه چرا از مرد نابینا رو می گیرید، فرمود: اگر او مرانمی بیند، من که او را می بینم.»
 - 5- «از جمله بیعتهایی که پیامبر (ص) از زنان گرفت این بود که در خلوت با مردان مسافرت و نشست و برخاست نکنند.» مستدرک الوسائل 133/14
 - 6- «پیامبر (ص): ای حواء! زینت خود را برای غیر شوهرت ظاهر نکن. برای زن حلال نیست که میچ و پایش را برای مردی غیر شویش آشکار کند. که اگر چنین کرد، همیشه در لعنت الهی است و فرشتگان او را لعن کرده و عذابی دردناک برایش مهیا می شود.» مستدرک 549/2
 - 7- «امام علی (ع): ای بندگان خدا! بدانید که گفتگو و اختلاط مردان با زنان نامحرم، سبب مصیبت و گرفتاری شده و دلها را منحرف می سازد و پیوسته به زنان چشم دوختن، نور دیده را خاموش می گرداند و همچنین با گوشه چشم به زنان نگاه کردن از حيله و دامهای شیطان است» بحار 291/74
 - 8- «امام علی (ع): ای مردم عراق! با خبر شده ام که زنان شما در راه با مردان برخورد می کنند، آیا حیا و شرم نمی کنید؟
 - 9- «پیامبر اکرم (ص): بین مردان و زنان فاصله و جدایی بیندازید (تا کمتر بایکدیگر برخورد داشته باشند) زیرا هنگامی که مردان و زنان باهم تماس داشته باشند و رود روی یکدیگر قرار گیرند، جامعه به دردی مبتلا خواهد شد که درمان ندارد.»

- 10- «امام خمینی: واجب است تمام بدن زن به جز قرص صورت و دستها تامچ از نامحرم پوشیده شود و پوشیدن چادر بهتر است و از لباسهایی که توجه نامحرم را جلب کند باید اجتناب شود»
- 11- «امام خمینی: آنها که زنهارا می خواهند ملعبه مردان و ملعبه جوانان فاسد قرار بدهند جنایتکارند. زنها نباید گول بخورند. زن گمان نکنند این مقام زن است که بزرگ کرده بیرون برود. با سرباز ولخت، این مقام زن نیست، زن باید شجاع باشد، زن آدم ساز است، زن مربی انسان است» صحیفه نور ج 11 ص 254
- 12- «آیه الله خامنه ای: پوشیدن بدن از نامحرمان بر زن واجب است و چنین جورابهائی (نازک و بدن نما) برای حجاب شرعی کفایت نمی کند و پوشیدن تمام موی سر در برابر نامحرمان واجب است»
- 13- «آیه الله خامنه ای: چادر برترین نوع حجاب و نشانه ملّی ماست.»
- 14- «آیه الله خامنه ای: صحبت کردن و خندیدن با نامحرم اگر موجب مفسده باشد، جایز نیست.»
- 15- «آیه الله صافی گلپایگانی: والدین موظفند دختر را از کودکی به رعایت حجاب و گریز از نامحرم عادت دهند و اگر در این امر مسامحه کنند و دختر را نسبت به نامحرم بی تفاوت نمایند، شریک در معاصی دختر هستند در حدیث وارد شده که در مجلسی که حضرت رضا (ع) تشریف داشتند وعده ای نیز حضور داشتند. دختر بچه ای وارد شد. حضار در مجلس یکی یکی دختر را مورد نوازش قرار دادند تا به حضرت رضا (ع) رسید. آن حضرت از سن دختر سؤال کردند گفته شد: پنج سال. حضرت دختر را از خود دور کرد و رفتاری که دیگران کرده بودند نمودند. اعمال آن بزرگوار باید برای زن مسلمان سرمشق باشد.»
- 16- «آیه الله خامنه ای: مراجعه مردان به پزشک زن اگر ضرورت ندارد و لمس و نظر حرام می شود، جایز نیست.»
- 17- «آیه الله سیستانی: مراجعه زن به پزشک مرد، اگر مستلزم نگاه یا لمس حرام است، با بودن متخصص زن جایز نیست مگر اینکه به متخصص زن در انجام صحیح کار اعتماد نباشد.»
- 18- «امام خمینی: بنا بر احتیاط واجب رقصیدن خانمها در هر کجا اعم از مجلس عقد و عروسی و یا مولودی ها جایز نیست مگر رقصیدن زن برای همسر خود.»
- 19- زینب (س) که زنی بسیار عفیفه و با حجاب بود. «در مجلس ابن زیاد با دست صورت خود را پوشاند، زیرا مقنعه بر سر و صورت نداشت» «زینب در مجلس یزید خطاب به او گفت: ای فرزند آزاد

شده! آیا از عدالت است که زنان و کنیزان تو با حجاب باشند، ولی دختران رسول خدا حجاب نداشته باشند.»

20- آیه الله خامنه ای: اصل حجاب ضروری دین محسوب است و بی اعتنایی به اصل حجاب و عدم رعایت آن معصیت و گناه است.

21- آیه الله صافی گلپایگانی: اصل وجوب حجاب فی الجمله از ضروریات اسلام است و منکر آن مرتد است. ولی بی اعتنایی به آن با عدم انکار وجوب آن، فسق است.

22- آیه الله خامنه ای: آیا جنایتی از این بزرگتر هست که زن را با آرایش، مد و جلوه گری زیورآلات سرگرم کنند و از او به عنوان یک ابزار و وسیله استفاده کنند؟ امروز سر و سینه را از زیورآلات پر کردن و آرایش و مد و لباس را بت قرار دادن برای زن انقلابی مسلمان ننگ است. چادر بهترین نوع حجاب و نشانه ملی ماست.

23- مهمترین دغدغه حضرت فاطمه (س) در هنگام رحلت این بود که مبادا در هنگام تشییع جنازه، حجم بدن ایشان پیدا باشد تا اینکه فضه با تجربه ای که از تشییع جنازه بوسیله تابوت در حبشه داشت، این مشکل حل شد و قرار شد که بدن حضرت طوری در تابوت قرار گیرد که مشاهده نشود.

24- بنظر همه مراجع تقلید: آرایش زنان در خیابان ها و بیرون گذاشتن مقداری از موها و پوشیدن جوراب بدن نما و لباس های محرک حرام است.

25- آیه الله فاضل: سزاوار است خانم ها از چادر استفاده کنند چون چادر در کشور اسلامی ایران از مظاهر و شعائر اسلام می باشد و با حفظ این شعار سعی کنند بانوان محترم حرکت مورد سؤال را خنثی کنند.

یکروز پیامبر در بقیع نشسته بود یکدفعه خانمی که سوار الاغ بود و از آنجا رد می شد ناگهان پای الاغ در گودالی فرو رفت و زن از الاغ پایین افتاد. پیامبر رویش را برگرداند. عرض کردند ای رسول خدا! این زن حجاب دارد. حضرت رو به آسمان کرد و فرمود: بار خدایا! زنان با حجاب را بیامرز.

آثار زیانبار بی حجابی و بی عفتی

افزایش بیماران روانی و افزایش افسردگی و خودکشی و قتل و جنایت و خیانت به همسر و تولد فرزندان نامشروع و از هم پاشیده شدن کانون خانواده‌ها و افزایش طلاق، فرار دختران از کانون خانواده‌ها، تجاوز و هتک حرمت زنان بدون تاثیر از بی حجابی زنان نیست.

در هر جامعه‌ای که زنان بی حجاب ظاهر شوند و عفاف در آن جامعه حاکم نباشد باید منتظر افزایش آسیبهای اجتماعی باشیم.

پایین آمدن سطح اخلاق زنان در غرب که در برهنگی و اختلاط بدون قید و شرط با مردان بصورت آشکار دیده می‌شود باعث شده که آمار حیرت آوری از بالا رفتن خودکشی و هتک حرمت زنان و و گسترش بیماری‌های جنسی. امثال آن در غرب اعلام گردد.

در امریکا بیش از 650 بیمارستان مخصوص امراض جنسی وجود دارد! همچنین در امریکا در هر یک دقیقه یک نفر دست به خودکشی می‌زند! در فرانسه از هر هزار نفر فقط 6 نفر ازدواج می‌کنند! و در این کشور سالی 35 هزار نفر خودکشی می‌کنند! در آلمان بیش از 50 درصد مردان مجرد زندگی می‌کنند! ژاپن بیشترین آمار خودکشی در جهان را دارد!

البته اینها اگر به دستورات اسلام عمل می‌کردند به این روز نمی‌افتادند ولی چه باید کرد که دولتمردان کشورهای صنعتی و غربی همگی بی دین هستند و اعتقادی به دستورات خداوند ندارند پس چگونه انتظار می‌رود که به دستورات اسلام عزیز که همگی نسخه‌های شفابخش هستند عمل کنند؟

اما در جوامعی که زنان حجاب و عفاف دارند مخصوصا به قوانین اسلام عمل می‌کنند به ندرت این آسیبها در طول هفته و ماه اتفاق می‌افتد. آمار خودکشی در ایران به هیچ وجه قابل مقایسه با کشورهای غربی نیست. همچنین آمار دیگر آسیبهای اجتماعی در کشورمان بسیار پایین تر از کشورهای غربی است. و آسیبهای هم که در کشورمان وجود دارد از ناحیه زنان و مردانی است که به دستورات اسلام عمل نمی‌کنند. والا در میان مؤمنین و مؤمنات، آسیبهای اجتماعی و مفاسد اخلاقی بسیار کم است و به ندرت اتفاق می‌افتد.

15- آزمایش با خوش اخلاقی یا بد اخلاقی

«چندتن از مشرکین، بقصد ترور پیامبر به مدینه آمدند ولی دستگیر شدند. چون حاضر به اسلام آوردن نشدند، پیامبر دستور داد که به غیر از یک نفر از آنان، بقیه را بکشند. شخص آزاد شده از پیامبر سؤال کرد: به چه دلیل همه رفقای من کشته شدند، ولی مرا زنده نگه داشتید؟

حضرت فرمود: زیرا جبرئیل از طرف خدا بر من نازل شد و خبر داد که تو دارای پنج خصلت هستی که خدا و رسول آنها را دوست دارند. اول آنکه تو نسبت به ناموس و خانواده ات غیرت داری. دوم آنکه مردی با سخاوتی. سوم آنکه راستگویی. چهارم آنکه شجاعت داری. پنجم آنکه خوش اخلاقی. آن مرد با شنیدن این سخن، به حضرت ایمان آورد و مسلمان شد.»

«جوان سخاوتمند خوش اخلاق در نزد خدا از پیر عابدِ بخیلِ بد اخلاق بهتر است.»

- پیامبر خدا (ص): اخلاق ظرف دین است

- چون خدای تعالی ایمان را آفرید، ایمان گفت: خدایا! مرا نیرومند گردان پس خداوند آن را به خوشخویی و بخشندگی توانمند ساخت و چون خداوند کفر را آفرید، کفر گفت: بار خدایا! مرا توان بخش، پس خداوند او را به بخل و بدخویی نیرومند ساخت.

- امام علی (ع): بسا عزیز و ارجمندی که اخلاقش او را خوار و ذلیل گردانید و بسا خوار و ذلیلی که اخلاقش او را عزیز و ارجمند کرد.

خوشخویی.

- پیامبر خدا (ص): اسلام خوشخویی است.

- امام حسن (ع): همانا نیک‌ترین نیکویی خوی نیکوست.

- پیامبر خدا (ص): خوی نیکو نصف دین است.

- نیکخویی خیر دنیا و آخرت را از آن خود کرده است.

- امام علی (ع): هیچ همنشینی چون خوشخویی نیست.

- خوی پسندیده میوه خرد است و خوی نکوهیده میوه نادانی.

- سر لوحه کتاب مؤمن خوشخویی است.

- پیامبر خدا (ص): خداوند خلقت و خوی آدمی را نیکو نگردانید که او را طعمه آتش سازد.

- اگر بنده بداند که خوشخویی چه ثمراتی دارد هر آینه داند که به داشتن خوی نیکو نیازمند است

- امام علی (ع) : ملک قناعت بس است و نعمت خوشخوی بس.
- جریر بن عبدالله : پیامبر خدا (ص) به من فرمود : خداوند تو را نیکو و زیبا آفریده است ، پس ، اخلاقت را نیز نیکو گردان.
- امام علی (ع) : نرمخویی یکی از دو نعمت است.
- نیکخویی از بهترین نصیبه‌ها و نیکوترین خصلتهاست.
- خوشخویی یکی از دو دهش است.
- نیکخویی در راس همه نیکیهاست.
- امام صادق (ع) : زندگی‌ای گوارا تر از اخلاق خوش نیست.
- امام علی (ع) : خرسندترین مردمان کسی است که اخلاقش خرسند کننده باشد.
- بهترین رفعت ، نرمخویی است.
- آن که اخلاقش نیکو باشد مصاحبتش نیکوست.
- پیامبر خدا (ص) : سه چیز است که هرکس نداشته باشد نه از من است و نه از خدای عزوجل عرض شد : ای رسول خدا ! آنها کدامند؟ فرمود : بردباری که به وسیله آن رفتار جهالت آمیز نادان را دفع کند ، اخلاق خوش که با آن در میان مردم زندگی کند و پاکدامنی که او را از معاصی خدا باز دارد.
- مقداد و زید را من همسر دادم تا معلومتان شود که ارجمندترین شما نزد خدا خوشخوترین شماست.
- پیامدهای خوشخویی.
- پیامبر خدا (ص) : آن که اخلاق خویش را نیکو گرداند ، خداوند او را به مقام روزه گیر شب زنده‌دار برساند.
- بنده ، هر چند در عبادت ضعیف باشد ، با اخلاق نیک خود در آخرت به درجات بزرگ و منزلتهای والایی دست می‌یابد.
- امام صادق (ع) : خدای تبارک و تعالی ثوابی را که بر خوشخویی بنده می‌دهد ، مانند ثواب کسی است که هر بام و شام در راه خدا جهاد کند.
- پیامبر خدا (ص) : آدمی با حسن خلق خود به مرتبت روزه گیر شب زنده‌دار می‌رسد و در زمره شهریاران به شمار می‌آید ، حالی که جزیر خانواده خود فرمانروایی ندارد.
- همانا انسان خوشخو را پاداش روزه گیر شب زنده دار است.
- امام صادق (ع) : مؤمن ، بعد از انجام واجبات ، عملی محبوبتر از خوش اخلاقی با مردم نزد خدای تعالی نمی‌آورد.
- بهترین چیزی که در ترازوی اعمال نهاده می‌شود.
- پیامبر خدا (ص) : نخستین چیزی که روز قیامت در ترازوی اعمال بنده گذاشته می‌شود حسن خلق اوست.
- در ترازوی اعمال چیزی سنگینتر از خوی نیک نیست.
- در ترازوی اعمال چیزی سنگینتر از خوشخویی نیست.
- در قیامت چیزی برتر از خوشخویی در ترازوی اعمال آدمی نهاده نمی‌شود.
- شکوه و عظمت اخلاق پیامبر.

قرآن.

((همانا تو بر خلقی عظیم هستی)).

- امام باقر (ع) : درباره آیه ((همانا تو بر خلقی عظیم هستی)) فرمود : آن (خلق) اسلام است.

- نیز درباره همین آیه فرمود : یعنی بر دینی بزرگ.

- امام صادق (ع) : از جمله خطابهایی که خدای تعالی به پیامبرش (ص) کرد این بود که فرمود :

ای محمد ! ((همانا تو بر خلقی عظیم هستی)) یعنی بخشندگی و خوشخویی.

- اخلاق پیامبر خدا (ص) این سخن خدای عزوجل بود : ((عفو را پیشه کن و به نیکی فرمان ده و از

جاهلان روی گردان)).

خوشخویی و کمال دین.

- پیامبر خدا (ص) : محبوبترین شما نزد من و نزدیکترینتان به من در روز قیامت ، خوشخوترین و

افتاده‌ترین شماست.

- آن مؤمن ایمانش کاملتر است که اخلاقش نیکوتر باشد.

- مانده‌ترین شما به من خوشخوترین شماست.

- به امیر المؤمنین (ع) فرمود : آیا تو را خبر ندهم که اخلاق کدام یک از شما به من شبیه‌تر است ؟

عرض کرد : آری ، ای رسول خدا فرمود : آن که از همه شما خوشخوتر و بردبارتر و به

خویشاوندانش نیکوکارتر و با انصافترباشد.

معنای حسن خلق.

- امام صادق (ع) در پاسخ به پرسش از حد و معنای حسن خلق فرمود : حسن خلق این است که

نرمخو و مهربان باشی ، گفتارت پاکیزه و مؤدبانه باشد و بابرادرت با خوشرویی برخورد کنی.

- پیامبر خدا (ص) : معنای حسن خلق این است که اگر دنیا به انسان رو کرد راضی و خشنود

باشد و اگر رو نکرد خشمگین و ناراحت نشود.

- امام علی (ع) : خوشخویی در سه چیز است : دوری کردن از کارهای حرام ، طلب حلال و فراهم

آوردن آسایش و رفاه برای خانواده.

- مردی از رو به روی پیامبر خدا (ص) خدمت آن حضرت آمد و پرسید : ای رسول خدا ! دین چیست

؟ فرمود : خوشخویی سپس از طرف راست آمد و پرسید : دین چیست ؟ فرمود : خوشخویی آن گاه

از طرف چپ آن حضرت آمد و پرسید : دین چیست ؟ فرمود : خوشخویی سپس از پشت سرایشان آمد

و پرسید : دین چیست ؟ حضرت به طرف او برگشت و فرمود : مگر نمی‌فهمی ؟ دین یعنی این که

خشم نگیری.

- پیامبر خدا (ص) : آیا شما را از بهترین افرادتان خبر ندهم ؟ عرض کردند : چرا ، ای رسول خدا

حضرت فرمود : خوشخوترین شما ، آنان که نرمخو و بی‌آزارند ، بادیگران انس می‌گیرند و دیگران

نیز با آنان انس و الفت می‌گیرند.

- امام علی (ع) : سلام کردن از خویهای نیک است.

ابو حامد غزالی می‌نویسد: کلمات خلق و خلق همیشه با هم به کار می‌روند ، مثلاً گفته می‌شود :

فلان حسن الخلق و الخلق یعنی خوش ظاهر و باطن است بنابراین ، منظور از خلق شکل و چهره

ظاهری است و مراد از خلق صورت و چهره باطنی خلق عبارت است از هیات و حالتی راسخ در

نفس که به سبب آن افعال و رفتارها براحتی و بدون احتیاج به فکر و تأمل از نفس سر می‌زند حال ،

اگر از آن هیات و خوی افعال و رفتارهای پسندیده عقلی و شرعی سرزند آن هیات را خلق حسن (یا

خوی نیکو) می نامند و اگر افعال زشت و ناپسند سرزند آن را خلق سیئ (یا خوی بد و ناپسند) می نامند.

تشخیص خویها از یکدیگر.

- امام علی (ع) : تشخیص خویها از یکدیگر و آشکار کردن خویهای پسندیده و سرکوب کردن خویهای ناپسند راس دانش ودانایی است.

- امام عسکری (ع) : همانا بخشندگی را اندازه ای است که اگر از آن فراتر رود اسراف است و دوراندیشی را اندازه ای است که چون از آن تجاوز شود بزدلی است و صرفه جویی را احدی است که اگر از آن فراتر رود بخل است و شجاعت را نیز اندازه ای است که فراتر از آن تهور و بیباکی است.

ابوحامد غزالی می نویسد : همان گونه که زیبایی چهره ظاهری تنها زیبایی چشمان فراهم نمی آید بلکه باید همه اعضای دیگر مانند بینی و دهان و گونه نیز زیبا باشد تا زیبایی چهره کامل گردد ، در درون و باطن آدمی نیز چهار عنصر اصلی است که باید این هر چهار رکن زیباباشند تا زیبایی و نیکویی خلق کامل گردد وقتی ارکان چهارگانه باطنی متعادل و متناسب شدند خوشخویی فراهم می شود این ارکان عبارتند از : نیروی علم ، نیروی خشم ، نیروی شهوت و نیروی اعتدال میان سه نیروی یاد شده دیگر حسن و اعتدال نیروی خشم را شجاعت می گویند و حسن و اعتدال نیروی شهوت را عفت می نامند اگر نیروی خشم از حد اعتدل فزونتر شود آن را تهور می نامند و اگر به ضعف و کاستی بگراید آن را ترسویی و بزدلی می گویند نیروی شهوت نیز اگر از مرز اعتدال به فزونی گرید آن را شره و سیری ناپذیری می نامند و اگر به کاستی گرید آن را خمود و سرد مزاجی می گویند آنچه پسندیده است همان اعتدال و حد وسط است که فضیلت می باشد و طرفهای افراط و تفریط رذیلت و نکوهیده اند اما نیروی عدالت ، طرف افراط و تفریط یا افزایش و کاهش ندارد بلکه یک نقطه مقابل و ضد دارد و آن ستم و جور است. و اما نیروی دانش یا حکمت ، جانب افراط آن را که استفاده از آن در راه رسیدن به هدفهای باطل و نادرست باشد مکاری و جربزه می گویند و جنبه تفریط آن را بلاهت و کودنی حد وسط آن را حکمت می نامند.

بنابراین ارکان و مبانی اخلاق چهار چیز است : حکمت ، شجاعت ، عفت و عدالت همه خویهای نیک و پسندیده از اعتدال این چهار اصل سر می زند.

ریشه این توضیحات غزالی این فرمایش امیرالمؤمنین (ع) در حدیث زیر است.:

- امام علی (ع) : فضایل بر چهار گونه اند: اول : حکمت که جانمایه آن در فکر و اندیشه است ، دوم : عفت که شالوده آن شهوت است ، سوم : قدرت و توانایی که اساس آن خشم است و چهارم : عدالت که ریشه آن اعتدال هوای نفس است.

ارزش اخلاق.

- اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) - : خلق و خوی بخششی است که خدای عزوجل به آفریدگانش عطا می فرماید برخی از آنها غریزی است و برخی به نیت و قصد است (با تصمیم و تمرین به دست می آید) عرض کردم: کدام یک از این دو بهتر است؟ فرمود: کسی که خوی غریزی دارد بر آن سرشته شده و جز آن نتواند کند و صاحب خوی اکتسابی بر طاعت صبوری می ورزد، پس این بهتر است.

- پیامبر خدا (ص) : خویها عطیه های خدای عزوجل هستند پس ، هرگاه خداوند بنده ای را دوست

- بدارد خوی نیکو بدو عطا کند و هرگاه بنده‌ای را ناخوش بدارد خوی ناپسند و زشت به وی دهد.
- امام علی (ع) : حسن اخلاق دلیل بر شرافت خانوادگی است.
- پاک نژادترین مردمان خوش اخلاقترین آنهاست.
- خویهای والا.
- امام علی (ع) : نفسهای خود را بر اخلاق نیکو تمرین و ریاضت دهید ، زیرا که بنده مسلمان با حسن خلق خود به درجه روزه گیر شب زنده دار می رسد.
- در کسب خویهای پسندیده و آرزوهای بزرگ و منزلتهای والا بایکدیگر رقابت کنید تا پاداش بزرگ بیابید.
- اگر چاره‌ای از رقابت کردن ندارید ، پس در به دست آوردن خصلتهای پسندیده و خویهای بزرگوارانه رقابت کنید.
- پیامبر خدا (ص) : خداوند خویهای والا را دوست دارد و خویهای پست را ناخوش می دارد.
- امام علی (ع) : اگر هم به بهشت امید (وباور) نمی داشتیم و از دوزخ نمی هراسیدیم و پاداش و کیفری در میان نمی بود باز شایسته بود که در طلب مکارم اخلاق برآییم ، زیرا که راه موفقیت و پیروزی در تحصیل مکارم اخلاق است.
- بر شما باد به تحصیل مکارم اخلاق که آن مایه رفعت و سربلندی است و از خویهای پست دوری کنید که آن انسانهای شریف را پست می کند و مجد و بزرگواری را از بین می برد.
- تشویق به کسب مکارم اخلاق.
- تشویق به کسب مکارم اخلاق ((۱)).
- امام علی (ع) : در راه کسب مکارم اخلاق پشتکار و پایداری ورزید.
- در راه تحصیل مکارم اخلاق نهایت کوشش خود را به کار زن تا از گناهان برهی و مکارم رابه دست آوری.
- مکارم اخلاق به کمال نرسد ، مگر با عفاف و ایثار.
- از سودمندترین غنیمتها دولت کریمان و بزرگواری است.
- اگر خواهان مکارم و بزرگواریها هستی از حرامها دوری کن.
- دشواری تحصیل مکارم.
- امام علی (ع) : مکارم و بزرگواریها با دشواری به دست می آید و مزد و ثواب با رنج.
- تفسیر مکارم اخلاق (۱).
- امام صادق (ع) : خدای تبارک و تعالی رسول خدا (ص) را به مکارم اخلاق مخصوص گردانید پس شما نیز خود را بیازمایید ، اگر این خویها در شما بود خدای عز و جل را سپاس گوید و از او این مکارم را بیشتر بخواهید سپس آنها را ده خوی برشمرد : یقین ، قناعت ، صبر ، شکر ، بردباری ، خوشخویی ، بخشنده گی ، غیرت ، شجاعت و جوانمردی.
- مکارم ده تاست : اگر می توانی آنها را داشته باش ، زیرا گاهی شخص آنها را دارد ولی فرزندش ندارد و گاهی در فرزندش هست و در پدرش نیست و گاهی در بنده هست و در آزاد نیست (این ده خوی کریمانه عبارتند از : استقامت در برابر حوادث ، راستگویی ، امانتداری ، صله رحم ، میهمان نوازی ، اطعام بینوا ، جبران کردن نیکیها ، رعایت حق و حرمت همسایه ، مراعات حق و حرمت رفیق و در راس همه شرم و حیا.
- امام علی (ع) : از جمله مکارم اخلاق این است که با آن که از تو بریده ارتباط برقرار کنی ، به آن

که از تو دریغ ورزیده عطا کنی و از آن که به تو ستم کرده است درگذری.
 - امام صادق (ع) درباره مکارم اخلاق سؤال شد، فرمود: گذشت از کسی که به تو ستم کرده است، ارتباط برقرار کردن با کسی که از تو بریده است، عطا کردن به آن که از دادن چیزی به تو دریغ کرده است و گفتن حق اگر چه بر ضد خودت باشد.
 - به جراح مدائنی فرمود: آیا به تو بگویم که مکارم اخلاق چیست؟ گذشت کردن از مردم، کمک مالی کردن به برادر (دینی) خود و بسیار به یاد خدا بودن.
 - پیامبر خدا (ص): دادگری نیکوست اما در فرمانروایان نیکوتر است، بخشنده‌گی زیباست اما در توانگران زیباتر است، پارسایی نیکوست اما در دانشمندان نیکوتر است، شکیبایی نیکوست اما در فقیران نیکوتر است، توبه نیکوست اما در جوانان نیکوتر است، و شرم و حیا نیکوست اما در زنان نیکوتر است.

16- امتحان با جنگها و جهاد

جهاد در حداقل هفده سوره قرآن که عمدتاً مدنی هستند ذکر شده است: 1- بقره 2- آل عمران 3- نساء 4- مائده 5- انفال 6- توبه 7- نحل 8- حج 9- نمل 10- احزاب 11- شوری 12- محمد 13- فتح 14- حدید 15- حشر 16- ممتحنه 17- صف
 و قریب 400 آیه در مورد جهاد نازل شده است.

«الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظمُ درجَةً عند الله و اولئک هم الفائزون»
 یعنی آنان که ایمان آورده و هجرت نموده و در راه خدا با مال و جانشان جهاد کردند درجۀ بالایی در نزد خدا داشته و رستگارند.

«قاتلوا الذین لایؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر و لا یحرّمون ما حرّم الله و رسوله و لایدینون دین الحق من الذین اتوا الكتاب حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صاغرون»
 یعنی بجنگید با کسانی که اهل کتاب بوده ایمان به خدا و قیامت نیاورده و حرام خدا و رسول را حرام نپنداشته و تابع دین حق نمی‌شوند پس باید جزیه (مالیات به دولت اسلامی) بدهند.

یکی از واجبات جهاد در راه خداست. گاهی جهاد بصورت دفاع و حضور در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است و گاهی بصورت حمله به مناطق کفرنشین است که این امر مربوط به امام معصوم و در زمان حضور امام معصوم (ع) تحقق می‌پذیرد ولی در زمان ما بصورت دفاع از کیان اسلام و مملکت اسلامی تبلور دارد. نمونه آن هشت سال دفاع مقدس بود که بسیاری از جوانان

و پیران در این جهاد شرکت کردند و به فیض شهادت رسیده یا جانباز شدند و یا با جان و مال خود از دفاع اسلامی پشتیبانی نمودند.

اصطلاح «جهاد فی سبیل الله» بجای قتال و حرب و نزاع و مخاصمه اصطلاح پر معنایی برای مبارزات مسلمانان است. جهاد یعنی کوشش و تلاش. و این معنا شامل هم جنگ می شود و هم مبارزات دیگر را. و با سبیل الله ماهیت جهاد مشخص می شود که فرق سایر جنگها با جهاد مسلمانان در این است که هدف از جهاد مسلمین خداوند است و لا غیر. ولی جنگهای دیگران بر اساس اهداف مادی و یا غیر مادی مثل میهن پرستی استوار می باشد.

یکی از انگیزه های جهاد این است که خدا در قرآن اجازه نامه ای برای ستمدیدگان صادر کرده تا با ستم مبارزه کنند و با یاری خدا پیروز شوند:

«أذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا و ان الله على نصرهم لقدير. الذين اخرجوا من ديارهم بغیر حق الا ان يقولوا ربنا الله.»

یعنی به مظلومین اجازه جهاد داده شده و خدا می تواند آنان را پیروز کند. آنا که از سرزمینشان به غیر حق به جرم گفتن اینکه خدای ما الله است، اخراج شدند.

همچنین برای نجات ستمدیدگانی که در دولتهای استبدادی زیر ستم هستند و از مسلمین کمک می خواهند جهاد انجام می شود:

«وما لكم الا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفين من الرجال والنساء و الولدان الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية اهلها واجعل لنا من لدنك وليا واجعل لنا من لدنك نصيرا»

یعنی چرا در راه خدا و بخاطر مردان و زنان و کودکان ستم دیده به جهاد بر نمی خیزید. مردان و زنان و کودکانی که می گویند: خدا یا! ما را از کشوری که صاحبانش بی داد گرند بیرون آور و رهایمان بخش و از جانب خود ما را پیشوایی فرست و مددکاری روانه ساز.

برای اینکه مسلمانان از همه تعلقات جدا شوند و با تمام وجودشان برای خدا بجنگند خدا با آنان معامله می کند:

«ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله و یقتلون وعداً علیه حقاً فی التورات والانجیل و القرآن و من اوفی بعهد من الله فاستبشروا بیعکم الذی بايعتم به و ذلک هو الفوز العظیم»

براستی خدا از مؤمنان جان و اوالشان را خریده به این بها که بهشت برایشان باشد، در راه خدا بجنگید پس بکشند و کشته شوند. وعده‌ای راست است بر عهده او در تورات و انجیل و قرآن و چه کسی به عهد و قرار خویش از خدا فداکارتر است؟ بنابراین مژده گیرید و شاد باشید از معامله با خدا و این همان رستگاری عظیم است.

در جهاد درسهای بزرگی به مسلمین آموخته می‌شود:

در جنگ احد عده‌ای از کمانداران بر خلاف دستور رسول خدا (ص) برای جمع آوری غنیمت پُست خود را ترک کردند و دشمن هم از این موقعیت استفاده کرد و از پشت سر مسلمین وارد کارزار شد و باعث شکست مسلمانان شدند.

درس «صبر و پایداری» از درسهای مهم جهاد است:

«الصابرين في البأساء والضراء وحين البأس أولئك الذين صدقوا و أولئك هم

المتقون»

آنانکه در سختی‌ها و ناراحتی‌ها و در جنگ صبور هستند راستگو بوده و باتقوا می‌باشند.

صبر در جهاد باعث می‌شود که هر یک مسلمان برابر ده کافر و با تخفیف برابر دو کافر قرار

گیرد و پیروز شود:

«يا ايها النبي حرّض المؤمنين على القتال ان يكن منكم عشرون صابرون يغلبوا مأتين و ان يكن منكم مائة يغلبوا الفاً من الذين كفروا بانهم قوم لا يفقهون. الان خفف الله عنكم و علم ان فيكم ضعفا فان يكن منكم مائة صابرة يغلبوا مأتين و اين يكن منكم الف يغلبوا الفين باذن الله والله مع الصابرين»

ای پیامبر! مؤمنین را بر جهاد تحریک کن که اگر شما بیست تن صبور باشید بر دویست تن و اگر صد تن باشید، بر هزار کافر پیروز می‌شوید. زیرا کافران درک ندارند. الان خدا به شما تخفیف داد و دانست که در شما ضعف است پس اگر شما صد نفر صابر باشید بر دویست کافر و اگر هزار نفر صابر باشید بر دوهزار کافر غلبه می‌یابید به اذن خدا و خدا با صابران است.

اسلام برای مجاهدان در راه خدا، مقام بالایی در نظر گرفته است:

«لا يستوى القاعدون من المؤمنين غير اولى الضرر والمجاهدون في سبيل الله باموالهم وانفسهم فضل الله المجاهدين على القاعدین اجرا عظيماً درجات منه و مغفرة و رحمة و كان الله غفوراً رحيماً»

یعنی مؤمنین جهاد نکرده جز بیماران با آنانکه با مال وجانشان جهاد کرده برابر نیستند. خدا کسانی را که با مال وجانشان جهاد می کنند برتری ورتبه داده است. پاداش بزرگی که عبارتست از درجات بالا و آمرزش و رحمت و خدا آمرزنده مهربان است.

اسلحه مجاهد هم مورد توجه اسلام قرار دارد و ارزشمند است:

رسول خدا(ص): «الخير كله في السيف و تحت ظل السيف ولا يقيم الناس الا السيف و السيوف مقاليد الجنة والنار»

یعنی همه در اسلحه است و زیر سایه اسلحه است و جز اسلحه چیز دیگری نمی تواند مردم را برپا نگه دارد و اسلحه ها کلیدهای بهشت و جهنم هستند.

عثمان بن مظعون به رسول خدا(ص) گفت دوست دارم به جهانگردی یا کوه نشینی بروم. فرمود: ای عثمان! این کار را نکن که سیاحت و جهانگردی امت من سفر جنگی و جهاد است.

کسانی که در جهاد کشته می شوند با کشته شدگان جنگهای دیگر فرق دارند:

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون. فرحين بما آتاهم الله من فضله و يستبشرون بالذين لم يلحقوا بهم من خلفهم الا خوف عليهم ولا هم يحزنون.»

کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده نپندارید. حقیقتاً آنان زنده اند

و در نزد پروردگارشان روزی می خورند. دلشاد از نعمتهای خدا و زبان گشوده به مزده کسانی که هنوز شهید نشده اند که ترسی بر اینان و اندوهی بر آنها نخواهد بود.

رسول خدا(ص) خود از آرزوی شهادت این چنین خبر داد: سوگند به آنکه جانم در دست اوست که دوست می دارم در راه خدا کشته شوم بعد از زنده شوم و دوباره کشته شوم بعد از زنده شوم و دگر بار کشته شوم.

جهاد همگانی است و حتی زنان باید به جهاد شرکت داشته باشند که ابتدا از آنان در پرستاری و سقایی و تدارکات استفاده می شود ولی اگر نیروی مردان کافی نبود زنان هم باید سلاح بگیرند و دفاع و جهاد نمایند.

جهاد از دیوانگان برداشته شده است زیرا چنین اشخاصی برای خود تکلیفی احساس نمی کنند و قدرت عقلی برای انجام وظیفه ندارند:

«رسول خدا(ص): لا دين لمن لا عقل له»

پیامبر فرمود کسیکه عقل ندارد دین هم ندارد.

جهاد ۱ ((جهاد اصغر))

جهاد.

قرآن.

((ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنها سخت بگیر.

((بگو: اگر پدرانانتان و فرزندانانتان ... برای شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه او دوست داشتنی‌تر است، درنگ کنید تا خدا فرمان خویش بیاورد و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند)).
- امام علی (ع): همانا جهاد یکی از درهای بهشت است که خداوند آن را برای اولیای خاص خود گشوده است.

جهاد جامه تقوی و زره استوار خداوند و سپر محکم اوست.

- جهاد ستون دین و راه روشن نیکبختان است.

- پیامبر خدا (ص): هر کس بدون آن که نشانی از جهاد در خود داشته باشد خدا را دیدار کند، هنگام ملاقات با او در خود خللی یابد.

- امام صادق (ع): جهاد برترین کارها بعد از فرائض است.

- پیامبر خدا (ص): کسی که جهاد نکرده یا آرزوی جهاد نداشته باشد و بمیرد به نوعی نفاق مرده است.

- مردی برای عبادت خدا به کوهی رفت و خانواده‌اش او را نزد پیامبر آوردند.

فرمود: اگر مسلمان یک روز در میدانی از میدانهای جهاد پایداری ورزد برایش بهتر است از چهل سال عبادت کردن.

- امام علی (ع): خداوند جهاد را واجب گردانید و آن را بزرگ داشت و مایه پیروزی و یاور خود قرارش داد.

سوگند کار دنیا و دین جز با جهاد درست نمی‌شود.

- پیامبر خدا (ص): هر امتی را جهانگردی و سیاحتی است، سیاحت امت من جهاد در راه خداست.

- هیچ گامی نزد خدا دوست داشتنی‌تر از دو گام نیست: گامی که مؤمن با آن در راه خدا صفی را پر می‌کند و گامی که مؤمن برای رابطه برقرار کردن با خویشاوندی که از او بریده بر می‌دارد.

- امام علی (ع) در نامه‌ای به کارگزار خود مخفف می‌نویسد: همانا جهاد کردن با کسی که به سبب بیزاری از حق از آن روی گردانده و کوری و گمراهی را برگزیده و در خواب آن فرو رفته، بر آگاهان واجب است.

- همانا جهاد شریفترین کارها بعد از اسلام است.

علاوه بر آن که عزت و اقتدار می‌آورد اجرای بزرگ دارد.

نوید به بهشت است بعد از رسیدن به شهادت.

- زکات بدن جهاد و روزه است.

- زکات شجاعت جهاد در راه خداست.

- امام صادق (ع): جهاد کردن در رکاب پیشوایی دادگر واجب است.

مجاهد.

قرآن.

((مؤمنانی که با هیچ رنج و آسیبی از جنگ فرومی‌نشینند با کسانی که در راه خدا جهاد می‌کنند برابر نیستند)).

- ((و شما را می‌آزماییم تا مجاهدان و صابرانان را معلوم داریم و حدیثان را آشکار کنیم)).
- پیامبر خدا (ص): بهشت دروازه‌ای دارد به نام ((دروازه مجاهدان)).
 - می‌روند و خلایق در محشر و فرشتگان به آنان خوشامد می‌گویند.
 - امام علی (ع): درهای آسمان به روی مجاهدان گشوده است.
 - خداوند برای گروهی کشته شدن را مقدر فرموده و برای دیگران مردن را.
 - خوشا به حال مجاهدان در راه خدا و کشته شدگان در راه طاعت او.
 - پیامبر خدا (ص): بهترین مردمان مردی است که خود را وقف راه خدا کرده است و با دشمنان او جهاد می‌کند و خواستار مرگ یا کشته شدن در میدان کارزار است.
 - اعمال همه بندگان نزد مجاهدان در راه خدا نیست مگر به مانند پرستوی دریایی که با منقار خود مقداری آب از دریا برداشته است.
 - امام باقر (ع): مردی خدمت پیامبر (ص) آمد و عرض کرد: من خواهان و شیفته جهاد هستم.
 - راه خدا جهاد کن، زیرا اگر کشته شوی نزد خدا زنده‌ای و روزی می‌خوری، اگر بمیری اجر و پاداشت با خداست و اگر برگشتی از گناهان پاک گشته‌ای.
 - پیامبر خدا (ص): گرد و غبار در راه خدا با دود جهنم جمع نمی‌شود.
 - شمشیرها کلیدهای بهشتند.
 - نخستین پیکارگر در راه خدا.
 - پیامبر خدا (ص): نخستین کسی که در راه خدا جنگید ابراهیم خلیل است و آن زمانی بود که رومیها لوط را به اسارت گرفتند و ابراهیم (ع) نیرویی بسیج کرد و او را از دست آنها نجات داد.
 - امام علی (ع): نخستین کسی که در راه خدا جهاد کرد ابراهیم است.
 - یورش بردند و او را اسیر کردند.
 - ابراهیم نخستین کسی است که پرچم جنگ برافراشت.
 - کمک کردن به مجاهدان.
 - و نکوهش آزدن آنها.
 - امام علی (ع) در پاسخ به سؤال از تأمین هزینه جهاد واجب یا مستحب فرمود: اگر جهاد واجب باشد، به این معنا که برای مقابله با کافران کسی نباشد که از دیگر مسلمانان نیابت کند در این صورت، نزد خداوند ثواب یک درهم هزینه کردن (در راه خدا و کمک به مجاهدان) هفتصد هزار است.
 - سبقت گرفته باشند و نیازی به او نباشد در این صورت یک درهم هفتصد حسنه و ثواب دارد که هر حسنه‌ای صد هزار بار بهتر است از دنیا و هر آنچه در دنیا است.
 - پیامبر خدا (ص): هر کس از جنگاوری غیبت کند یا او را آزار رساند یا در غیاب او با خانواده‌اش بد رفتاری کند در روز رستاخیز برای او پرچمی برافراشته می‌شود و کاملاً به حسابش رسیدگی می‌گردد و در آتش سرنگون می‌شود.
 - هر کس جنگاوری را به یک نخ یا سوزن مجهز کند خداوند گناهان گذشته و آینده او را ببخشد.
 - هر کس از جهاد بترسد باید مردی را که در راه خدا جهاد می‌کند کمک مالی رساند.
 - دیگری تجهیز شود فضیلت جهاد از آن اوست و فضیلت و ثواب خرج کردن در راه خدا از آن کسی که او را تجهیز کرده است هر دو کار فضیلت و ثواب دارد اما جانبازی در راه خدا از صرف پول در

این راه برتر است.

- امام علی (ع) : شرکت آدم ترسو در جنگ روا نیست، زیرا ترسو خیلی زود فرار می‌کند. وسیله‌ای می‌خواهد بجنگد آن را در اختیار دیگری گذارد.

و از اجر وی چیزی کم نمی‌شود.

- پیامبر خدا (ص) : هر کس نامه جنگاوری را برساند همچون کسی است که بنده‌ای را آزاد کند و در دروازه ((ثواب)) جنگ او با وی شریک باشد.

- از آزدن مجاهدان در راه خدا بپرهیزید، زیرا خداوند به خاطر آنان به خشم می‌آید، همچنان که به خاطر پیامبران و دعای آنان را اجابت می‌کند، همچنان که دعای پیامبران را. فرمان به جهاد کردن با دست و زبان و دل.

- امام علی (ع) : در راه خدا با دستهای خود بجنگید، اگر نتوانستید با زبانهای خود بجنگید و اگر باز هم نتوانستید با دلهای خود بجنگید.

- در نامه‌اش به اشتر می‌فرماید: و خدای سبحان را با دل و دست و زبان خود یاری رساند، زیرا خداوند - جل اسمه - متعهد شده است که یاری کننده خود را یاری رساند و ارجمند دارنده‌اش را ارجمند دارد.

- نخستین جهادی که درباره آن واری می‌شوید جهاد با دستهایتان است، سپس با زبانهایتان و زان پس بادلهايتان. شود.

- پیامبر خدا (ص) : همانا مؤمن با شمشیر و زبان خود جهاد می‌کند.

- امام علی (ع) : خدا را، خدا را، در جهاد کردن با مالها و جانها و زبانهایتان در راه خدا. تشویق به جهاد.

قرآن.

((ای پیامبر! مؤمنان را به پیکار تشویق کن)).

((شما را چه شده است که در راه خدا و (نجات) مردان و زنان و کودکان ناتوان نمی‌جنگید، همانان که می‌گویند: بار خدایا! ما را از این قریه‌ای که مردمش ستمگرند بیرون بر و از جانب خود یار و مددکاری قرار ده)).

- امام علی (ع) برای تشویق مردم به جنگ با اهل شام فرمود: سوگند به خدا که شما بد شعله‌ای برای آتش جنگ هستید! (زیرا) به شما نیرنگ می‌زنند و شما نیرنگ نمی‌زنید، شهرهای شما را می‌گیرند و شما خشمگین نمی‌شوید، دشمن از شما غافل نیست و شما در غفلت و بی‌خبری به سر می‌برید ... به خدا سوگند مردی که دشمنش را بر خود چنان مسلط کند که گوشتش را تا استخوان بخورد و استخوانش را درهم شکند و پوستش را بکند، مردی بس ناتوان و زبون است و در سینه‌اش دلی ضعیف دارد.

بلکه با شمشیرهایی مشرفی چنان بر او خواهم نواخت که ریزه استخوانهای سر او بپرد و دستها و پاها به هر سو پراکنده شود.

- در جنگ صفین آن گاه که سپاه معاویه آب فرات را در اختیار گرفت، فرمود: (با این اقدامشان) از شما خواستند تا دست به جنگ بکشاید، اینک شما یا به خواری اعتراف کنید و منزلت شجاعت و شرافت را از دست نهدید یا شمشیرها را از خونها سیراب کنید تا از آب سیراب شوید، زیرا اگر زنده بمانید اما شکست خورده باشید در حقیقت مرده‌اید و اگر بمیرید اما پیروز شوید در حقیقت

زنده‌اید.

- در تشویق و ترغیب یارانش فرمود: از خدا بترسید و چشمانتان را فرو بندید ... بار خدایا! به آنان صبر و پایداری عطا فرما و پیروشان گردان و پاداش بزرگ عطایشان کن.

- بعد از کشته شدن محمد بن ابی‌بکر فرمود: با آن که در میان شما عالمان و فقیهان و نژادگان و فرزندگان و قرآن‌شناسان و شب زنده داران و آباد کنندگان مساجد با تلاوت قرآن وجود دارند آیا به خشم نمی‌آیید و اهمیتی نمی‌دهید به این که نادانان و اشرار و فرومایگان شما برای حکومت بر شما با شما ستیزه و کشمکش کنند؟!.

- با تیغه شمشیرها از دین خود دفاع کنید و شمشیرها را با فراپیش نهادن گام‌هایتان به دشمن برسانید و از خدا یاری جویید تا یاری شوید و پیروز گردید.

ارزش سلاح برداشتن در راه خدا.

- پیامبر خدا (ص): خدای عزوجل به وجود کسی که شمشیرش را در راه خدا حمایل کند بر فرشتگان فخر می‌فروشد و تا زمانی که شمشیر در میان دارد فرشتگان به او درود می‌فرستند.

- نمازی که مرد با شمشیر حمایل شده بخواند هفتصد بار برتر از نمازی است که بدون حمایل کردن شمشیر بخواند.

فرمان به جنگ با سران کفر.

قرآن.

((با سران کفر بجنگید)).

- پیامبر خدا (ص): سران مشرکان را بکشید و جوانانشان را زنده نگه دارید.

ترک کردن جهاد.

- پیامبر خدا (ص): هر کس جهاد را واگذارد خداوند جامه خواری بر جان او پوشاند و زندگیش را دستخوش فقر سازد و دینش را از بین ببرد.

تبارک و تعالی عزت و اقتدار امت مرا در سمهای اسبان‌شان و نوک نیزه‌هایشان قرار داده است.

- امام علی (ع): کسی که به جهاد بی‌میلی کرده آن را فرو گذارد، خداوند جامه خواری و ردای بلا و گرفتاری بر او پوشاند و به خواری و فرومایگی درافتد و بر دلش پرده‌های گمراهی زده

شود و به سبب فرو گذاشتن جهاد، حق از او رویگردان شود و به باطل درافتد.

اقسام جهاد.

- امام علی (ع): جهاد چهار شاخه دارد: امر به معروف، نهی از منکر، پایداری در جبهه‌های جنگ و دشمنی با تبه‌کاران.

پشتیبانی کرده است و هر که نهی از منکر کند بینی منافق را به خاک مالیده است و هر که در جبهه‌ها پایداری ورزد وظیفه خود را انجام داده است و هر که با تبه‌کاران دشمنی کند و برای خدا

خشم گیرد، خداوند نیز برایش خشم گیرد.

مرز داری.

قرآن.

((تا آن جا که می‌توانید نیرو و اسبان سواری آماده کنید تا دشمنان خدا و دشمنان خود و جز آنها را بترسانید)).

((ای کسانانی که ایمان آورده‌اید! شکیبا باشید و دیگران را به شکیبایی فرا خوانید و در جنگ‌ها پایداری کنید و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید)).

- پیامبر خدا (ص): یک روز مرزبانی در راه خدا بهتر است از دنیا و هر چه در آن است.
- یک روز مرزبانی بهتر است از یک ماه روزه داری و شب زنده داری.
- هر عملی پس از مرگ صاحبش از او جدا می شود مگر عمل کسی که در راه خدا مرزبانی کند، عمل چنین کسی رشد می کند و تا روز قیامت روزیش داده می شود.
- نماز مرزبان با پانصد نماز برابری می کند.
- ارزش نگهبانی دادن.
- پیامبر خدا (ص): یک شب نگهبانی دادن در راه خدا برتر است از هزار شبانه روز که شبهایش به عبادت و روزهایش به روزه داری سپری شود.
- اگر سه شب از مرزهای مسلمانان نگهبانی کنم خوشتر دارم تا شب قدر را در یکی از دو مسجد مدینه یا بیت المقدس درک کنم.
- خدای رحمت کناد نگهبان نگهبانان را.
- دو چشمند که با آتش تماس نمی یابند: چشمی که از ترس خدا بگرید و چشمی که شبها در راه خدا نگهبانی دهد.
- رفتن به بهشت با زنجیر.
- پیامبر خدا (ص): از آن مردمی خنده ام می گیرد که از جانب مشرق به سوی شما می آیند در حالی که با زور به سوی بهشت رانده می شوند.
- بر آن مردمی می خندم که بسته در زنجیر به سوی بهشت رانده می شوند.
- تعجب خدا از مردمانی است که به زنجیر بسته وارد بهشت می شوند.
- آیا نمی پرسید از چه می خندم؟ مردمی از امت خود را دیدم که آنان را به زنجیر بسته اند و با زور به سوی بهشت می کشانند.
- و آنها را به اسلام در می آورند.

اقسام جهاد

جهاد دارای اقسامی است که غالباً جنبه دفاعی دارد و در قرآن بنام جهاد یا قتال ذکر شده:

- 1- دفاع از کیان و نوامیس اسلام در مقابل دشمنی که قصد برانداختن اساس دین و جایگزین کردن کفر را دارد.
- 2- دفع دشمن مهاجم بر جان و عرض مسلمین یا بر سرزمینهای اسلامی که قصد نابودی اسلام را ندارد ولی اموال و نفوس و اعراض یا اراضی مسلمین را هدف گیری کرده است.
- 3- دفاع از مسلمانان که در یک منطقه با کفار درگیرند و بیم غلبه کفار می رود.
- 4- اخراج دشمن اشغالگر که به هرنحوی بر سرزمینهای اسلامی یا عقاید آنان تسلط یافته است که رفع سلطه بیگانگان و بازگرداندن عزت و استقلال مسلمین واجب است

5- جهاد با کفار جهت ترک عقاید کفرآمیز و گرایش به اسلام که این در زمان حضور امام معصوم (ع) انجام می گیرد.

اهداف جهاد

اهدافی را که قرآن در موارد مختلف برای جهاد بیان فرموده از این قرار است:

1- دفاع «قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم»

2- دفع فتنه «و قاتلوهم حتی لا تكون فتنه»

3- تثبیت حاکمیت الله «و قاتلوهم حتی لا تكون فتنه و یكون ادين كله لله»

4- ذلیل کردن دشمنان اسلام «قاتلوا الذین لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر و لا یحرّمون ما حرّم الله و رسوله و لا یدینون دین الحق من الذین اوتوا الكتاب حتی یعطوا الجزیة عن ید و هم صاغرون»

5- جلوگیری از فساد بر روی زمین «ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض»

6- جلوگیری از نابودی عبادتگاهها «و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد»

7- استقرار حق و نابودی باطل «لیحق الحقّ و یبطل الباطل ولو کره المجرمون»

8- حمایت از مظلوم و جلوگیری از ظلم «و مالکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان»

«در جنگ اُحد نیزه‌ای به چشم ابوقتاده انصاری خورد و حدقه‌اش بیرون آمد. او حدقه‌اش را بدست گرفت و خدمت پیامبر آمد و گفت: یا رسول الله! بعد از این هم سرم مرا دوست نخواهد داشت!

پیامبر حدقه را گرفت و بر چشم ابوقتاده گذاشت! چنان سالم شد که با چشم سابقش فرقی نمی کرد!» حیوة القلوب ج 2

17- امتحان با عبادت

عبادت و بندگی خدا از وظایف هر انسانی است ولی می بینیم عده ای نماز نمی خوانند و بقول معروف در تمام عمرشان سر به سجده نگذاشته اند! اینها مردودند!
در حالی پیامبران و امامان و اولیا خدا و خیلی از مردم اهل عبادت و بندگی خدا بوده و هستند.

«از ام سلمه در باره نماز پیامبر پرسیدند. گفت: شما از نماز پیامبر چه می دانید؟ رسول خدا (ص) هنگام شب برای نماز برمی خواست و مشغول نماز می شد. سپس به اندازه مدت نماز، می خوابید. دوباره بلند می شد و نماز می خواند. سپس به اندازه مدت نماز، استراحت می کرد و مجدداً برای نماز برمی خواست... تا صبح می شد.»

«حذیفه یمانی که شبی با پیامبر بسر برده است می گوید: در آن شب، هنگامیکه پیامبر مشغول نماز شد، فرمود: الله اکبر ذوالملکوت والجبروت والکبرياء والعظمة. بعد از حمد، سوره بقره را تلاوت فرمود و به رکوع رفت و رکوع آن جناب باندازه قیامش بود. در رکوع می فرمود: سبحان ربی العظیم. سبحان ربی العظیم. وقتی سر از رکوع برداشت، باندازه رکوعش ایستاده بود و می فرمود: لربی الحمد، لربی الحمد. سپس به سجده رفت و سجده اش باندازه قیامش بود و می فرمود: سبحان ربی الاعلی، سبحان ربی الاعلی. سپس از سجده سر برداشت و باندازه سجده، می نشست و می فرمود: رب اغفر لی، رب اغفر لی. بعد سوره های بقره و آل عمران و نساء و مائده را خواند.»

امیر مؤمنان شبی هزار رکعت نماز می خواند و از کثرت سجده، پیشانی اش پینه می بست. هفتادبار از خوف خدا، غش کرد و بیهوش شد.

شفای بی نماز!

«مرحوم دستغیب از یکی از دوستانش نقل می کند که سالی همه خانواده من دچار مرض حصه شدند! در آن زمان مرض حصه افراد رامی کشت. من نماز صبح را که خواندم به محلی که در آنجا روضه خوانی بود رفتم. در آنجا به امام حسین (ع) توسل پیدا نمودم. دلم شکست و برای شفای سه پسر و زنم به امام حسین (ع) پناه بردم. وقتی به خانه برگشتم، دیدم که خانواده ام سفره انداخته و مشغول وردن صبحانه هستند! گفتیم چه خبر است؟ یکی از پسرانم گفت دیدم که زهرا (س) آمد. امام حسین (ع) آمد. امام حسن و امیر المؤمنین و رسول الله آمدند. همه سیاهپوش بودند. مدند و نشستند. پیغمبر اکرم به زهرا گفتند: زهرا جان! دست بر سر اینها بکش که خوب بشوند! زهرا بر سر مابچه ها دست کشید. همه خوب شدیم. بعد پیغمبر فرمود: عزیزم! یک دستی هم بر سر این زن بکش. زهرا جواب داد: پدر جان! او نماز نمی خواند. من هم دست بر سر او نمی کشم! پیغمبر اکرم

فرمود: شوهرش توسل به حسینم پیدا کرده ونمی شود به پاسخ ندهیم. چون شوهرش نماز می خواند و رابطه اش با ما محکم است. ناگاه زهرا بلند شد ودستی هم ب سر مادرمان کشید واو هم خوب شد.»

انواع_نماز_خوندن □

نماز موشکی □

نماز یدکی □

نماز پُفکی □

نماز آلکی □

نماز چَپکی □

نماز زورکی □

نماز پُولکی □

نماز آبکی □

نماز نَمکی □

نماز گُمکی =

نماز راستکی □ □ □

و ***

□□ برادرم ، خواهرم ؛ نگاه کن چطوری نماز میخونی

□□□□ نمازی که سریع خونده میشه ؛ □

□ نماز «موشکی» هست

□□□□ نمازی که براثر غفلت خونده نشده و قضا میشه ؛ □

□ نماز «یدکی» هست

□□□□ نمازی که برای رسیدن به مقام و موقعیت خونده میشه ؛ □

□ نماز «پفکی» هست

□□□□ نمازی که به صورت آزمایشی خونده میشه ؛ □

□ نماز «آلکی» هست

□□□□ نمازی که با قبله و وضوی اشتباه خونده میشه ؛ □

□ نماز «چپکی» هست

□□□□ نمازی که با زور و اجبار بقیه خونده میشه ؛

□ نماز «زورکی» هست

□□□□ نمازی که برای گرفتن پاداش خونده میشه ؛ □

□ نماز «پولکی» هست

□□□□ نمازی که بدون حضور قلب و با بی حالی خونده میشه ؛ □

□□□ نماز «آبکی» هست

□□□□ نماز شبی که از نیمه شب به بعد خونده میشه ؛ □

نماز «نَمَکی» هست

□□□□ نمازی که با عنوان نافله مستحبی خوانده میشه ؛ □

□□□ نماز «کُمَکی» هست

نمازی که با حضور قلب و خلوص نیت خوانده میشه ؛ ... نماز «راستکی» هست ... که از همه‌ی نمازها بهتر و برتر و مورد قبول درگاه حق هستش!!! .

نجات جوان معتاد

در یکی از شبها در مسجدی اقامه جماعت می کردم. جوانی که خانه آنها کنار مسجد بود پیش من می امد و می گفت من به شما علاقه دارم!! این جوان هفت سال بود که معتاد بود. در هر حال ما با روی باز از ایشان استقبال می کردیم و ایشان بیشتر به مسجد می آمد. تا اینکه ایشان را تشویق به ترک کردیم و گفتیم درمان اعتیاد و حل همه مشکلات به روی آوردن به نماز بستگی دارد. ایشان در کمپی بستری شد و بعد از مدتی اعتیاد را ترک کرد و از نماز گزاران مسجد شد و کم کم سحرها که مسجد می امدم، ایشان هم مسجد می امد و نماز شب و قران می خواند. و اهل نماز جمعه شدند. ایشان بعد از مدتی در مغازه ای مشغول به کار شد. و بعد یکسال کار، سال خمسی برای خود قرار دادند و اهل پرداخت خمس نیز گردید

18- امتحان با زیبایی یا زشت بودن

زن زیبا در قیامت

امام صادق علیه السلام: روز قیامت، زن زیبایی را که با زیبایی خود فتنه می کرده است، می آورند و به او خطاب می شود که چرا فتنه کردی؟ جواب می دهد که: خدایا! تو مرا زیبا آفریدی! به او خطاب می شود که حضرت مریم 3 از تو زیباتر بود ولی او فتنه نکرد! سپس مرد زیبایی را که با زیبایی خود فتنه می نموده است، را می آورند و به او خطاب می شود که چرا فتنه کردی؟ جواب می دهد که: تو مرا زیبا آفریدی! به او خطاب می شود که حضرت یوسف از تو زیباتر بود، ولی به فتنه نیفتاد. بعد شخصی را که بخاطر بلاها و سختیها به فتنه افتاده بود را می آورند. به او خطاب می شود که چرا تحمل سختیها نمودی و به فتنه افتادی؟ جواب می دهد که تو سختیها و بلاها را بر من نازل کردی و من به فتنه افتادم! به او خطاب می شود که بلاهای حضرت ایوب (ع) از تو بیشتر بود ولی او به فتنه نیفتاد

یوسف زیبا و صدیق!

تقدیر الهی بر این قرار گرفت که یوسف زیبا و صدیق در خانه عزیز مصر زندگی کند. عزیز مصر که از همان لحظه اول سخت تحت تأثیر اصالت و نجابت یوسف قرار گرفته و پی برده بود که از خاندانی بزرگ و ریشه دار است، به همسرش زلیخا گفت: «در رعایت حال او بکوش! امید است در آینده بحال ما ثمربخش باشد، یا او را بفرزندی بگیریم».

زلیخا که زنی زیبا و از شکوه و جلال خاصی برخوردار بود، بعلت عنین بودن همسرش عزیز، همچنان دختر مانده بود! یوسف، نیز بسیار زیبا و درخشان و با حجب و حیا بود. در مدت 9 سالی که یوسف در خانه عزیز مصر بسر برد، زلیخا در دل، عاشق یوسف شده بود و در پی فرصتی برای عملی کردن این عشق نامقدس بود! در یکی از روزها، زلیخا در حالی که خود را آرایش و زیباتر نموده بود، یوسف را به اطاق خوابش فرا خواند و هنگامی که یوسف پاک، بی خبر از نیت زلیخا، به اطاق او داخل شد، زلیخا در را بست و به یوسف گفت: یوسف! اینک من در اختیار توام! یوسف وقتی متوجه منظور او شد گفت: «بخدا پناه می برم! خدایی که جایگاهم را خوب قرار داد. حقیقتاًستمکاران رستگار نشوند». در این موقع یوسف بطرف در دوید تا اطاق خارج شود، ولی زلیخا از پشت پیراهن یوسف را گرفت تا او رانگاه دارد، اما پیراهن پاره شد و یوسف از اطاق خارج شد که ناگاه عزیزمصر داخل شد و آن صحنه را دید. زلیخا زرنگی کرد و به شوهرش گفت: «مجازات کسی که نظر بد به زنت داشته باشد زندان یا شکنجه است» یوسف گفت: او از من کام خواست! عزیز مصر از پاره شدن پیراهن یوسف پی به ماجرا برد و به زنش گفت: این مکر و فریب شما زنان است و تو خطاکار بوده ای! در هر حال زلیخا هر تلاشی را بکار گرفت تا دل یوسف را بدست آورد، آن جوان پاک و طاهر تن به گناه نداد تا اینکه یوسف به خدایش عرض کرد: «خدایا! زندان برایم از آنچه این زنان از من می خواهند، بهتر است!» چندی بعد یوسف را به زندان انداختند و مدت حداکثر 14 سال و حداقل 7 سال در زندان بسر برد ولی حاضر نشد تن به گناه دهد و روح و روان خود را با شهوت نامشروع آلوده نماید. در مقابل این تقوا و مبارزه با نفس، خداوند به یوسف، پادشاهی و حکمت عطا نمود.

یحیای شهید

حضرت زکریا (ع) در پیری و بعد از عمری در حسرت فرزند، صاحب پسری شد که او را یحیی نام نهاد. یحیی نوزادی زیبا و خوش ترکیب بود، و در همان سنین بچگی، اندیشه ای تابناک و هوشی سرشار و استعدادی فار العاده داشت. طبق آیات قرآن، خداوند در کودکی به او حکمت و دانش داد.

یحیی از همان کودکی از مردم کناره می‌گرفت و حال و هوای خاصی داشت! او چنان دل‌باخته خداوند بود و چندان به عبادت می‌پرداخت و اشک می‌ریخت که رفته رفته بدنش نحیف و لاغر گردید. او از همان خردسالی مردم را به خدا دعوت می‌نمود و آنان را با بیانات پرشور خود، موعظه می‌کرد و از نافرمانی خدا بر حذر می‌داشت! او آنچنان به قیامت معرفت داشت که هرگاه در مجلسی سخن از قیامت و جهنم می‌شد، تاب نمی‌آورد و گاه بیهوش می‌شد و گاه سر به بیابان می‌گذاشت.

پادشاه زمان یحیی شخصی بنام «هیرودیس» بود که با زنی بنام «هیرودیا» ازدواج کرده بود. این زن از شوهر سابق خود دختری زیبا و فتنه‌گر و دل‌ربا داشت. پادشاه کم‌کم عاشق این دختر شد و تصمیم به ارتباط نامشروع با او را گرفت. این مطلب در میان مردم پخش شد و بگوش یحیی 7 رسید. یحیی به پادشاه هشدار داد که این عمل برخلاف حکم تورات و شرع موسی می‌باشد! و باید از مراوده و ازدواج با این دختر که محرم پادشاه است، پرهیزد! مخالفت یحیی با این مسئله باعث شد تا هیرودیا و دخترش، کینه یحیی را به دل گرفتند و تصمیم به شهید کردن او گرفتند. در موقعیتی که دختر، دل شاه را اسیر خود کرده بود، حکم شهادت یحیی را گرفتند و مأمورین شاه سر یحیی را بریدند و در میان طشتی برای مادر و دختر بردند! خدا در قرآن بر او هم در هنگام ولادتش و هم در هنگام شهادتش، سلام نموده است.

مریم پاک و عابده

مریم دختری بود که بخاطر نذر مادرش، از همان کودکی در معبدیت المقدس و تحت تربیت حضرت زکریا 7 بزرگ شد. وقتی مریم به سن تکلیف رسید، متوجه شد که مانند سایر زنان نیست و عادت ماهانه و سایر آلودگی‌های زنانه را ندارد. او از همان اوقات، تمایل شدیدی به عبادت پروردگار داشت و همیشه در محراب به عبادت مشغول بود. مریم در اثر تقرب بخدا به مقامی رسید که بدون واسطه از طرف خدا برای او غذای بهشتی می‌رسید. مریم هم زنی عابده بود و هم صورتی زیبا و اندامی متناسب داشت. طولی نکشید که مقام معنوی او زنان و مردان را متوجه خود نمود و همه از او به پارسائی و نیکی نام می‌بردند.

حضرت مریم آنقدر به خدا نزدیک شد و او را عبادت نمود که فرشتگان با او سخن می‌گفتند. روزی که در حال عبادت بود، فرشتگان به او گفتند: «ای مریم! خداوند تورا پاک و پاکیزه داشت و از میان تمام زنان عصر برگزید و بر همه آنان برتری داد. ای مریم! هنگامی که دیگران نمازی گذارند تو نیز نماز بخوان و خدایت را در قنوت بیاد آور و برای او سجده و رکوع نما!» و در آیه دیگر در باره عفت و دوری از شهوات اومی فرماید: «وَمَرْيَمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُنْتِ مِنْ الْكَاثِبِينَ». یعنی: مریم زنی است که عورت خود را از حرام حفظ کرد و ما هم از روح خود در او دمیدیم. او کلمات و کتابهای خدا را تصدیق نمود و او از قنوت‌کنندگان بود. این چنین بود که مریم با عبادت و دوری از گناه و شهوات، به مقام سروری زنان زمان خود رسید.

زهر ا (س) در عروسی زنان یهودی
 زنان یهودی حضرت فاطمه (س) را به عروسی خود دعوت نمودند. البته مقصودشان آن بود که لباس‌ها
 وجواهرات خود را به رُخ حضرت بکشند. حضرت فاطمه (س) آنها را نزد رسول خدا (ص) فرستاد. آنها نزد
 رسول خدا (ص) آمدند و گفتند ما حضرت فاطمه (س) را به عروسی دعوت کرده‌ایم ولی ما را پیش شما
 فرستاد. رسول خدا (ص) فرمود شما بروید من او را نزدتان می‌فرستم. سپس به حضرت فاطمه (س) فرمود چرا دعوت
 آنها را قبول نکردی؟ فرمود پدر جان. مقصود آنها از این دعوت آن است که با جواهرات و لباسهایشان خودنمایی
 کنند! در این حال جبرئیل نازل شد و به رسول خدا (ص) گفت خدایت سلام می‌رساند و می‌فرماید به حضرت
 فاطمه (س) بگو این لباسهای بهشتی را بپوشد و در مجلس آنان حاضر شود. حضرت فاطمه (س) لباسهایی را که
 جبرئیل آورده بود، پوشید و به مجلس زنان یهود وارد شد. آنان که منتظر بودند حضرت فاطمه (س) با لباسهای
 کهنه و ساده خود بیاید تا بتوانند او را مسخره نمایند، ناگاه لباسهایی در تن او دیدند که در عمرشان ندیده
 بودند. عده‌ای غش کردند و گویند عروس از دنیا رفت. زنان یهود از حضرت فاطمه (س) عذر خواهی کردند
 و گفتند عروس مُرد و عروسی به عزا تبدیل شد. اما باعجاز الهی و با دعای حضرت فاطمه (س) عروس دوباره جان
 گرفت و اکثر آنان مسلمان شدند.

«از امام صادق (ع) نقل شده که: مرد نابینایی به خدمت پیامبر آمد و گفت: یا رسول الله! دعا کن خدا چشمانم را بمن
 برگرداند!

حضرت دعا کرد و او بینا شد و با بینایی از خدمت حضرت رفت. نابینای دیگری آمد و از پیامبر خواست دعا کند تا چشمانش سالم
 شود! حضرت فرمود: بهشت را دوست داری یا چشمانت را؟ گفت: یا رسول الله! ثواب نابینا بودن بهشت است؟ فرمود: خدا از آن کریمتر
 است که بنده مؤمن خود را به کوری مبتلا گرداند و ثواب او را بهشت ندهد! «حیوة القلوب ج 2

زن نازیبا

مدتی بود که کسبه و معتمدین محل با معضلی بر خورد کرده بودند و آن ظاهر شدن زنی جذاب
 و زیبا با لباسهای زننده بود که در آخر محله سکونت گزیده بود. این زن هر روز بطور زننده‌ای
 طول مسیر خیابان و محله غیاثی تا سر ایستگاه اتوبوس را پیاده، طی می‌کرد و نظر جوانان را بخود
 جلب می‌نمود.

از آنجا که محلّه غیائی با نفوذ سعیدی و همکاری مردم، از خودنمایی زنان به اینصورت، در امان مانده بود، برای اهل محل، این حرکت که تا حدودی هم حساب شده بنظر می رسید، قابل تحمل نبود. از اینرو کسبه و بعضی از مردم این موضوع را با شهید سعیدی در میان گذاشتند. شهید آیه الله سعیدی آنان را از هرگونه عکس العملی بازداشت و منتظر ماند تا خود به امر به معروف و نهی از منکر بپردازد. روز بعد شهید سعیدی با بعضی دیگر از اهل محلّه راه را بر این زن گرفتند و شهید سعیدی با لحنی پدرانیه، شروع به موعظه او کرد: خواهرم! شما را گول می زنند. چرا شخصیت خود را فراموش کرده ای؟! ... جواب خدا را چه می دهی؟ سخنان سعیدی چنان در روح آن زن اثر کرد که دیگر هیچگاه او را در محلّه غیائی بی حجاب ندیدیم.

19- امتحان با ایشار و فداکاری

ایشار یعنی در مسائل روزمره و احتیاجات بشری، دیگری را بر خود ترجیح دادن. چه در غذا و چه در لباس و احتیاجات مادی. ایشار نشانه بزرگواری است. ایشار نشانه جوانمردی است. ایشار نشانه کرامت و فضیلت است. مقام ایشار، مقام از خود گذشتن است. انسانهای ایشارگر واقعی کم هستند. زیرا در ایشار باید از خود گذشت و به دیگران داد. پیامبران ایشارگر بودند. امامان ایشارگر بودند. عده ای از علماء ایشارگر بودند. عده ای از مردم عادی نیز ایشارگر بودند. نمونه بارز ایشار رامی توان در ایام دفاع مقدس ایران مشاهده نمود که گاهی بسیجی ها چه پیر

وچه جوان بر روی مینها می رفتند و شهید می شدند تا راه عبور رزمندگان باز باشد. افرادی چون شهید همت وزین الدین و باکری و صیاد شیرازی و کشوری و... ایثارگر بودند.

اما در رأس همه ایثارگران بشریت، رسول خدا (ص) سپس علی مرتضی (ع) قرار دارند. علی (ع) در نماز انگشتر به فقیر بخشید و در شان او آیه زیر نازل شد.

«همانا سرپرست مؤمنین، خدا و رسول و آنانکه ایمان آورده و در حال رکوع صدقه می دهند می باشند.» مائده 55

علی (ع) در بستر پیامبر بجای رسول خدا خوابید تا جان پیامبر آسیب نبیند و از طرف خدا ایثارگر خوانده شد:

«و در میان مردم شخصی است که جان خود را در راه خدا می فروشد.» بقره 207

ایثار در سه روز

«فاطمه (س) و حسن (ع) و حسین (ع) و فضه سه روز روزه نذری داشتند. روز اول فاطمه (س) تعدادی نان تهیه کرد. اما موقع افطار ناگاه مسکینی در خانه را بصدا در آورد و تقاضای غذا نمود. اهل خانه همه افطاری خود را به او دادند و خود با آب افطار کردند و برای روز بعد روزه گرفتند. روز دوم باز فاطمه (س) مقداری نان تهیه کرد اما موقع افطار یتیمی در خانه را بصدا در آورد تقاضای غذا نمود. اهل خانه مجدداً نانهای خود را به او دادند و با آب افطار نمودند. روز سوم نیز فاطمه (س) مقداری نان تهیه کرد. ولی موقع افطار اسیری در خانه اهل بیت (ع) را بصدا در آورد و تقاضای غذا نمود. اهل خانه غذای خود را به او دادند و خود با آب افطار نمودند. روز چهارم وقتی پیامبر بدیدار آنها آمد و مشاهده کرد که رنگ بر صورت حسن و حسین نمانده و اهل خانه دچار ضعف شدند، دستها را بدها برداشت. ناگاه آیات سوره هل اتی نازل شد و خدا از ایثار آنان تعریف نمود:

«و در راه محبت الهی به مسکین و یتیم و اسیر غذا می دهند.» انسان

(هل اتی) 8

مردم ایران اسلامی مردمی ایثارگرند و در راه اسلام هزاران شهید تقدیم کرده اند و ملت ایران با الگو گرفتن از

شکیبایی و ایثار خانواده شهدا، همواره پای ارزش های نظام و انقلاب ایستاده اند. ملت های دیگر از ملت ایران

درس ایثار فرا گرفته اند مانند مردم یمن. که با دست خالی مقابل قدرتهای شیطانی ایستادند.

20- امتحان با فامیل

اقایی می گفت صدبار هست خانه داداشم می روم ولی او نمی اید. منم تصمیم گرفتم دیگه خانه شان نرم!

«دوگروهند که خدا در روز قیامت به آنان نظر نمی کند: کسیکه با فامیلش قطع رابطه نموده است و همسایه بد!»

«رسول خدا (ص): کسیکه به فامیلش صله رحم کند، چه بوسیله دیدار با او و یا کمک مالی به او، خداوند به او اجر صد شهید می دهد و برای هر قدمی که بر می دارد چهل هزار حسنه نوشته شده و چهل هزار گناهش پاک می شود.» بحارج 74

«علی (ع): صله رحم کنید اگر چه با یک سلام کردن باشد.» بحارج 74

«صله رحم کن اگر چه به یکسال راه باشد.» بحارج 74

«عبدالله بن سنان می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: پسرعموی دارم که هر چه با او می پیوندم او از من می بُرد! لذا من تصمیم گرفته ام که اگر از من بُرید منهم از او بُرم. بمن اجازه می فرمائید که منهم با او قطع رابطه کنم؟ فرمود: اگر با او ارتباط داشته باشی و او از تو بُرد، خدای عزوجل شمارا باهم می پیوندد. و اگر تو از او بُری و او هم از تو بُرد، خدا از هر دوی شما بُرد.» بحارج 74

صله رحم.

قرآن.

((آیا کسی که می داند آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده حق است ، همانند کسی است که

نابیناست؟ تنها خردمندان پند می گیرند : کسانی که به عهد خدا وفا می کنند و خود پیمان

نمی شکنند ، آنان که آنچه را خدا به پیوستن آن فرمان داده پیوند می دهند و از پروردگارشان

می ترسند و از سختی باز خواست خداوند بیمناکند)).

- امام صادق (ع) ، درباره آیه ((و آنان که پیوند می دهند)) ، فرمود : یکی از مصادیق آن صله رحم

است و غایت تاویل آن پیوند برقرار کردن با ما است.

- درباره آیه ((بترسید از آن خدایی که به نام او از یکدیگر چیزی می‌خواهید و از بریدن خویشاوندیها

پروا کنید))، فرمود: منظور خویشاوندیهای مردم است همانا خدای عزوجل به پیوند آن فرمان

داده و آن را بزرگ و مهم شمرده است، مگر نمی‌بینی که آن را در ردیف خود قرار داده است.

- پیامبر خدا(ص): ثواب صله رحم زودتر از ثواب هر کار خیر دیگری می‌رسد.

- امام علی(ع): ای مردم! هیچ کس - هر اندازه هم ثروتمند باشد - از خویشان (ایل و عشیره) خود

و حمایت عملی و زبانی آنها از خویش بی‌نیاز نیست آنان بزرگترین گروهی هستند که از انسان

پشتیبانی می‌کنند و پراکندگی و پریشانی او را از بین می‌برند و در مصیبت‌ها و حوادثی که برایش

پیش می‌آید، بیش از همه به او مهربان و دلسوزند نام نیکی که خداوند برای انسان در میان مردم

پدید می‌آورد بهتر است از مال و ثروتی که وی برای دیگران باقی می‌گذارد.

هان! مبادا از خویشاوند نیازمند خود روی برتایید و از دادن اندک مالی به او، که اگر ندهید چیزی

بر ثروت شما نمی‌افزاید و اگر بدهید چیزی کم نمی‌شود، دریغ کنید هر که از خویشان خود دست

کشد یک دست از آنان باز گرفته اما دستهای فراوانی از خود کنار زده است و آن کس که با قوم و

خویشان خود نرمخو و مهربان باشد دوستی و محبت همیشگی آنان را به دست آورد.

- وابستگان خود را گرامی بدار، چه آنان پر و بال پرواز تو هستند و ریشه‌ای که به آن برمی‌گردد

و دستی که با آن حمله می‌کند.

هیچ چیز پیوند خویشاوندی را نمی‌برد.

- ابو بصیر: از امام صادق(ع) پرسیدم: آیا انسان می‌تواند با خویشاوندی که (مذهب) حق را

نمی‌شناسد قطع رابطه کند؟ حضرت فرمود: نباید از او ببرد.

- جهم بن حمید به امام صادق(ص) عرض کرد: خویشاوندانی دارم که عقیده و مذهب مرا ندارند

امتحانات الهی

با این حال آیا آنان را بر من حقی هست؟ حضرت فرمود: آری، حق خویشاوندی را هیچ چیز از بین نمی برد در صورتی که با تو همباور بودند دو حق داشتند: حق خویشاوندی و حق مسلمانی.

پیامدهای صله رحم.

- امام باقر(ع): صله رحم اعمال را پاک می کند، داراییها را فزونی می بخشد، بلا را می گرداند،

کار حسابرسی (در قیامت) را آسان می کند و مرگ را به تاخیر می اندازد.

- صله رحم خلق و خوی را نیکو، دست را بخشنده، جان را پاکیزه و روزی را زیاد می کند و اجل را به تاخیر می اندازد.

- امام صادق(ع): صله رحم و نیکوکاری حساب را آسان می سازند و از گناهان نگه می دارند پس،

صله ارحام به جای آورید و به برادران خود نیکی کنید، اگر چه با سلام کردنی نیکو و جواب سلام دادن باشد.

- امام هادی(ع): آن گاه که خدای عزوجل با موسی بن عمران (ع) سخن گفت، موسی عرض کرد

: پاداش کسی که صله رحم کند چیست؟ خداوند فرمود: ای موسی! مرگ او را به تاخیر می اندازم و سختیهای جان دادن را براو آسان می کنم.

- فاطمه زهرا(ع): خداوند صله ارحام را به جهت فزونی نفقات مقرر داشته است.

- پیامبر خدا(ص): از خدا بترسید و صله رحم به جای آورید، زیرا این کار مایه پایداری بیشتر شما در دنیا است و در آخرت برای شما بهتر است.

- صله رحم، عمر را زیاد می کند و فقر را از میان می برد.

- هر که خوش دارد روزیش زیاد شود و مرگش به تاخیر افتد، صله رحم کند.

- امام حسین(ع): هر که دوست دارد مرگش به تاخیر افتد و روزیش افزایش یابد، صله رحم به

جای آورد.

- پیامبر خدا(ص): صله رحم، خانه‌ها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند، هر چند به جا آورندگان

صله رحم از نیکان نباشند.

- صله رحم، حساب (قیامت) را آسان می‌کند و از مرگ بد نگه می‌دارد.

- مردمان بد کردار صله رحم به جای می‌آورند پس دارایی‌هایشان زیاد و عمرهایشان

طولانی می‌شود، چه رسد که اگر نیکوکار و نیک باشند.

صله رحم و طول عمر.

- امام علی(ع) - به نوف فرمود: - ای نوف! صله رحم به جای آر تا خداوند بر عمرت بیفزاید.

- پیامبر خدا(ص): گاهی می‌شود از عمر کسی سه روز باقی مانده است، اما صله رحم به

جای می‌آورد پس خداوند آن را تا سی سال به تاخیر می‌اندازد و گاه می‌شود که از عمر کسی سی

سال باقی مانده است اما قطع رحم می‌کند، پس خداوند آن را به سه روز تبدیل می‌کند.

- امام صادق(ع) به میسر فرمود: ای میسر! عمر تو زیاد شده است، چه کاری انجام داده‌ای؟ عرض

کردم: زمانی که نوجوان بودم پنج درهم مزد می‌گرفتم و آن را خرج دایی خود می‌کردم.

- نیز به همو، فرمود: ای میسر! بارها اجل تو سر رسید اما هر بار خداوند، به سبب صله رحم و

نیکی به خویشان، آن را از تو دور کرد.

یک سال راهپیمایی برای به جا آوردن صله رحم.

- پیامبر خدا(ص): برای به جا آوردن صله رحم (حتی اگر شده) یک سال راهپیمایی کن.

- به حاضران و غایبان امت خود و آنهایی که از امروز تا روز قیامت در پشت مردها و زهدانهای زنان

هستند، سفارش می‌کنم که صله رحم به جای آورند هر چند خویشان یک سال راه فاصله داشته

باشد ، زیرا صله رحم جز دین است.

پیوند با خویشاوندی که قطع رحم کرده است.

- پیامبر خدا(ص) : با خویشاوندی که از تو بریده پیوند برقرار کن و به آن کس که به تو بدی کرده

است خوبی کن و حق را ، هر چند به زیان خود ، بگو.

- از خویشاوند خود مبر گرچه او از تو ببرد.

- ابوذر : رسول خدا(ص) به من سفارش فرمود که و صله رحم به جای آورم هر چند او به من پشت

کرده باشد.

- امام علی(ع) : با خویشان خود پیوند برقرار کنید هر چند آنان از شما ببرند.

- امام حسین(ع) : آن کس بیش از همه صله رحم به جا آورده که با خویشاوند بریده از خود پیوند

برقرار کند.

- امام سجاد(ع) : هیچ گامی نزد خدای عزوجل محبوبتر از دو گام نیست : گامی که مؤمن با

آن در راه خدا صف(جنگ) می بندد و گامی که برای پیوند با خویشاوندی بر می دارد که قطع رحم

کرده است.

- امام صادق(ع) : مردی خدمت پیامبر(ص) آمد و عرض کرد : ای رسول خدا ، خویشاوندانی دارم

که با آنان رفت و آمد دارم ولی آنها مرا می آزارند لذا تصمیم دارم آنان را رها کنم رسول خدا(ص)

فرمود : در این صورت خداوند همه شما را رها می کند.

عرض کرد : پس چه کنم؟ فرمود : به کسی که دست رد به سینه تو زده عطا کن و با کسی که از تو

بریده پیوند برقرار کن و از کسی که به تو ستم کرده درگذر ، اگر چنین کنی خداوند

عزوجل پشتیبان تو در برابر آنها خواهد بود.

برحذر داشتن از قطع رحم.

قرآن.

((و آنان که پیمان خدا را پس از استوار کردنش می شکنند و آنچه را که خدا به پیوستنش فرمان

داده می گسلند و در زمین فساد می کنند ، لعنت بر آنهاست و سرای بد نصیبشان)).

((آیا اگر به حکومت رسیدید ، می خواهید در زمین فساد کنید و پیوند خویشاوندیتان را ببرید؟

اینانند که خدا لعنتشان کرده است و گوشه‌هایشان را کر و چشمانشان را کور ساخته است)).

- امام باقر(ع) : در کتاب رسول خدا(ص) دیدیم که : هرگاه مردم پیوند خویشاوندی یکدیگر را

ببرند اموال و داراییها در دست بدکاران قرار گیرد.

- امام علی(ع) : هرگاه مردم قطع رحم کنند، ثروتها در دست تبهکاران قرار گیرد.

- پیامبر خدا(ص) : سه گروه به بهشت نمی روند : شرابخواره ، جادوگر و کسی که

پیوند خویشاوندی را ببرد.

- امام صادق(ع) : از جمله گناهایی که مرگ و نابودی را شتاب می بخشد ، قطع رحم است.

- امام علی(ع) : پناه می برم به خدا از گناهایی که مرگ و نیستی را شتاب می بخشد عبدالله

بن کوا یشکری برخاست و عرض کرد : یا امیر المؤمنین! آیا گناهایی هم هست که مرگ را

تسریع کند؟ حضرت فرمود : وای بر تو! آری ، قطع رحم.

- امام صادق(ع) : از حالقه پرهیزید که آن مردان را به نابودی می کشاند عرض کردم :

حالقه چیست؟ فرمود : قطع رحم.

- امام علی(ع) : زشت ترین گناهان بریدن پیوند خویشاوندی است و نافرمانی از پدر و مادر.

- با قطع رحم (و بریدن پیوند خویشاوندی) خشم و انتقامها فرود می آید.

- پیامبر خدا(ص): رحمت (خداوند) بر مردمی که در میان آنها قطع کننده رحم باشد ،
فرود نمی آید.

- فرشتگان بر مردمی که در میان آنها قطع کننده رحم باشد ، فرود نمی آیند.

- هیچ گناهی به اندازه قطع رحم و خیانت و دروغ سزامند آن نیست که خداوند ، علاوه بر کیفر
اخروی ، در همین جهان نیز مرتکب آن را بزودی کیفر دهد.

کمترین مصداق صله رحم.

- پیامبر خدا(ص): به خویشانتان نیکی کنید ، گرچه به سلامی.

- صله رحم کنید ، گرچه با سلامی.

- امام علی(ع): گرچه با سلامی ، صله ارحام کنید ، زیرا خدای تبارک و تعالی می فرماید : ((از

خدایی که به نام او از یکدیگر چیزی می طلبید بترسید و از بریدن خویشاوندیها پروا کنید ، همانا
خداوند ناظر بر اعمال شماست)).

- امام صادق(ع): حتی اگر شده بانوشاندن جرعه ای آب به خویشاوند صله رحم به جای آر و
بهترین صله رحم آزار نرساندن به خویشاوند است.

**مومن اجازه قطع رابطه با فامیل را ندارد.و باید تا پایان عمر با همه فامیل در ارتباط باشد.جتنی اگر
انان به خانه او نیایند.**

21-امتحان با بخل

علی علیه السلام بعد از پیامبر،بخشنده ترین افراد بود.شبها کیسه های غذا بر دوش بطور ناشناس،به درخانه فقراء
و نیازمندان می رفت و به آنان کمک می کرد.

در حال رکوع،به فقیر انگشترش را بخشید که در شانش آیه نازل شد:سرپرست شما،خدا و رسول هستند وهمچنین
سرپرست شما آنان هستند که به خدا ایمان آورده و نماز برپا می دارند و در حال رکوع ،صدقه می دهند.مائده 55

گفته اند که پیغمبر(ص) برای عروسی دخترش فاطمه (س)، لباسی به اوداد. اما روز بعد وقتی او را دید، مشاهده کرد که لباس کهنه به تن دارد. سبب را پرسید. فاطمه(س) گفت: دیشب در خانه را زدند. وقتی در را باز کردم، زنی را دیدم که از من لباس می خواست. خواستم لباس کهنه را به او بدهم، اما بیاد این آیه افتادم:

«لن تنالوا البرَّ حتّٰی تنفقوا ممّا تحبّون.» آل عمران 92

«بدرجه نیکو کاری نمی رسید مگر زمانی که آنچه را خود دوست دارید، انفاق کنید.»

لذا پیراهن عروسی را به آن فقیر دادم.

«عربی نزد امام حسن(ع) رفت ولی قبل از اینکه درخواست خود را بگوید، امام دستور داد هر چه پول در خانه بود، آورده اند. مبلغ بیست هزار درهم پول بود که همه را به آن شخص بخشیدند! او گفت: مولایم! چرا نگذاشتید که ابتدا مدح و ثنای شمارا بگویم و تقاضای خود را مطرح کنم؟ فرمود: ما خاندانی هستیم که قبل از اینکه فقیر آبرویش ریخته شود، به او کمک می کنیم.»

بخیل و سه پسرش!

آورده اند در اصفهان مردی پولدار بود که بخیل بو و دست کسی به غذای او نرسیده و شامه روزگار بوی شوربای او نشنیده، مصداق این شعر:

از بخیلی که هست امساکش گریزند دست ناپاکش

نیست ممکن که نیم قطره خون آید از دست ممسکش بیرون! سه پسر داشت. چون موقع مرگش رسید خواست امتحان کند کدامیک از پسرانش از جهت بخل از خودش بخیل تر هستند تا او را جانشین خود سازد. ابتدا پسر بزرگتر را خواست و گفت: پسر! نان چگونه خوری؟ گفت نان با پنیر خورم! بخیل گفت برو که بدبختی! و تو را از دولت بهره ای نیست! بعد پسر دوم را طلبید و گفت نان چگونه خوری؟ گفت نان به پنیر می مالم و می خورم! گفت تو نیز بدبختی و از سعادت بهره ای نداری! پسر سوم را خواست و گفت نان چگونه خوری؟ گفت من پنیر را در خیال خود گذرانده و نان را با پنیر خیالی می خورم! پدر گفت تو پسر منی! آنگاه کلید اموال خود را به او داد!

شیطان به یحیی(ع) چه گفت؟

نقلست که حضرت یحیی(ع)، روزی شیطان را به صورت اصلی خود دید و از او پرسید:

کدام دسته از مردم را دوست داری؟ و با کدام دسته دشمن هستی؟

شیطان گفت:

دوست ترین شخص نزد من مؤمن بخیلست و دشمن ترین شخص نزد من فاسق سخاوتمند است.

امیر المؤمنین(ع): «قوت جسم به غذا می باشد و قوت روح به غذا دادن به مؤمنین می باشد.»

امیر المؤمنین (ع): «هر مؤمنی که مهماندوست باشد، وقتی از قبر محشور می شود، صورتش مانند ماه شب چهارده می باشد. در این حال مردم می گویند: این شخص حتماً پیامبر است! فرشته ای جواب می دهد: این مؤمنی است که مهمان دوست بوده و مهمان را عزیز می شمرده است. این مؤمن را فقط به بهشت می برند.»

22- آزمایش با ریاکاری

- اخلاص.
- قرآن.
- ((گفت : سوگند به عزت تو که همه آنان را گمراه می کنم مگر بندگان مخلص تو را)).
- ((فقط تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می خواهیم)).
- امام علی (ع) : اخلاص عالیترین هدف است.
- اخلاص ، نهایت است.
- اخلاص نهایت دین است.
- اخلاص عبادت مقربان است.
- اخلاص ملاک و معیار عبادت است.
- اخلاص ، اوج ایمان است.
- اخلاص خوی برترین مردمان است.
- رقابت خردمندان و صاحبان در خالص گردانیدن اعمال است.
- رهایی و نجات در اخلاص است.
- پیامبر خدا (ص) : جبرئیل از جانب خدای عزوجل خبر داد که اخلاص سری از اسرار من است و من آن را به دل بندگان که دوستشان دارم ، می سپارم.
- امام علی (ع) : هر عملی را که خالص انجام دهی در آخرت به هدفی دست می یابی.
- پیامبر خدا (ص) : تفاوت و برتری درجات مؤمنان بر یکدیگر به اخلاص است.
- برای خدا کار کن ، تو را از همگان کفایت می کند.
- امام علی (ع) : غایت یقین اخلاص است.
- مصباح الشریعه : امام صادق (ع) فرمود : بنده باید در تمام حرکات و سکنات خود نیت خالص داشته باشد ، زیرا اگر چنین نباشد غافل است و غافلان را خداوند چنین وصف کرده است که ((آنان همچون چارپایانند و بلکه گمراه ترند)).
- امام صادق (ع) : خداوند عزوجل نعمتی بالاتر از این به بنده اش نداده است که در قلبش جز خدا نباشد.
- امام علی (ع) : خوشا آن که عمل و علمش، دوستی و دشمنی اش ، انجام دادن و رها کردنش ، سخن و سکوتش و کردار و گفتارش فقط برای خدا باشد.
- خوشا آن که عبادت و دعایش را برای خدا خالص گرداند و آنچه می بیند دلش را به خود مشغول نسازد و آنچه می شنود او را از یاد خدا غافل نکند و به سبب آنچه به دیگران داده شده سینه اش را غم

و اندوه نگیرد.

- امام سجاد (ع) - در مناجات - : جهاد ما را در راحت و کوشش ما را مصروف طاعت خود گردان و در معامله با خودت نیتهایمان را خالص کن.

- پیامبر خدا (ص) : سه چیز است که دل مرد مسلمان در آنها آمیخته با ناخالصی نمی شود: کارمخلصانه برای خدا، خیر خواهی و نصیحت رهبران مسلمانان و همراهی با جامعه مسلمانان. - همانا خداوند این امت را به سبب ناتوانان آنها و دعا و اخلاص و نمازشان یاری و پیروزی داد. دشوار بودن اخلاص.

- امام علی (ع) : پاک کردن عمل (از ناخالصیها) بهتر از خود عمل است.

- خالص گردانیدن عمل سخت تر از خود عمل است و پاک کردن نیت از فساد و ناخالصی برای عمل کنندگان از جهاد طولانی دشوارتر است.

- امام صادق (ع) : پایداری بر عمل تا آنجا که خالص شود، سخت تر از خود عمل است. کافی بودن کار اندک اما مخلصانه.

- پیامبر خدا (ص) : دلت را خالص گردان، کار اندک تو را بس است.

- دینت را خالص گردان، کار اندک تو را کفایت است.

- از سخنان خدای تعالی به موسی (ع) : ای موسی! هر کاری که برای من انجام شود اندکش زیاد است و آنچه برای غیر من انجام گیرد زیادش ناچیز است. مخلص.

- پیامبر خدا (ص) : خوشا به حال مخلصان، آنان چراغهای هدایتند و هر فتنه تیره ای به سبب آنها زدوده می شود.

- امام عسکری (ع) : اگر همه دنیا را یک لقمه کنم و آن را در دهان کسی گذارم که از روی اخلاص خدا را عبادت می کند، به نظرم در حق او کوتاهی کرده ام.

- امام علی (ع) : خدا را بندگان است که با دل و درونی خالص با وی معامله می کنند و خداوند نیز پاداش خالص خود را به آنان می دهد، اینان در روز قیامت نامه های اعمالشان خالی است و چون در برابر او بایستند آنها را از رازی که با او در میان گذاشته اند پر کند.

- امام صادق (ع) - به مفضل بن صالح - : همانا خداوند را بندگان است که خالصانه با وی معامله کنند و خدا نیز از اجر و پاداش خالص خود به ایشان دهد اینان کسانی هستند که در روز قیامت نامه های اعمالشان خالی است و چون در برابر خدای تعالی بایستند آنها را از رازی که با وی در میان گذاشته اند پر کند (راوی می گوید): عرض کردم : سرورم! چرا چنین است (نامه های اعمالشان سفید و خالی است) ؟ فرمود : زیرا خداوند شان آنان را بالاتر از این قرار داده که فرشتگان نگهبان از رابطه میان خود و ایشان آگاه شوند.

- امام علی (ع) : کجایند آنان که اعمال خود را برای خدا خالص گردانیدند و دلهایشان را با جایگاههای یاد خدا پاک کردند.

- جبرئیل (ع) - در پاسخ به سؤال پیامبر از اخلاص - : مخلص کسی است که از مردم هیچ نخواهد تا خود بدان دست یابد و هرگاه بدان دست یافت خشنود شود و هرگاه چیزی از آن نزدش باقی ماند به دیگران بخشد، زیرا کسی که از مخلوق چیزی نخواهد به عبودیت برای خدای عز و جل اقرار کرده است و چون به نیاز خود رسید و خشنود گشت از خدا خشنود شده است و خدای تبارک و تعالی از او خشنود است و هرگاه آنچه برایش باقی مانده برای خدای عز و جل ببخشد به مرتبه

اعتماد به پروردگارش رسیده است.

- امام هادی (ع): اگر مردمان هریک به وادی و دره‌ای روند من به وادی آن مردی قدم می‌گذارم که خدای یگانه را مخلصانه عبادت می‌کند.

- پیامبر خدا (ص): عالمان همه به هلاکت درافتند مگر آنان که به علم خود عمل کنند و عاملان همه هلاک شوند، مگر آنان که از روی اخلاص کار کنند و مخلصان درخطرند. اخلاص موسی (ع).

- در داستان موسی و شعیب (ع) آمده است: زمانی که موسی نزد شعیب رفت، شعیب آماده خوردن شام بود پس، به موسی گفت: ای جوان! بنشین شام بخور موسی گفت: پناه به خدا شعیب گفت: چرا؟ مگر گرسنه نیستی؟ موسی گفت: چرا، اما می‌ترسم این پاداش آبی باشد که به دخترانت دادم، من از خاندانی هستم که اگر همه زمین پر از طلا شود کمترین کار آخرت را به آن نمی‌فروشیم شعیب گفت: ای جوان! به خدا این پاداش آن کار تو نیست، بلکه میهمان نوازی و اطعام رسم و عادت ما و پدران ماست در این هنگام موسی نشست و شام خورد. نقش اخلاص در پذیرفته شدن اعمال.

- پیامبر خدا (ص): هرگاه کاری کردی، آن راتنها برای خدا انجام ده، زیرا او تنها اعمال خالص بندگانش را می‌پذیرد.

- اعمال خود را برای خدا خالص گردانید، زیرا خداوند نپذیرد مگر آنچه را که خالص برای او باشد. - خدای تعالی تنها آن عمل را می‌پذیرد که خالص و محض رضای او باشد.

- امام علی (ع): نماز به قیام و قعود تو نیست، بلکه نماز آن است که از روی اخلاص و تنها از روی خدا خواهی باشد.

- امام صادق (ع): خدای تعالی فرموده است: من بهترین شریک هستم، هر کس در عمل خود برای من شریک بیاورد هرگز آن را نپذیرم، مگر عملی را که خالص برای من باشد. غیر مخلص.

- امام علی (ع): اگر هوی و هوس از میان برود، غیر مخلص از عمل شانه خالی کند.

- اعمال همه بر باد است مگر آنچه از روی اخلاص باشد.

هر که مقصدی جز خدا داشته باشد گم و تلف شود.

موانع اخلاص.

- امام علی (ع): کسی که هوی و هوس بر او چیره باشد، چگونه اخلاص تواند داشت.

ابو حامد غزالی در توضیح حقیقت اخلاص نوشته است: همچنان که اگر عشق خدای عز و جل و

آخرت بر جان کسی چیره شود رفتارهای معمولی او نیز رنگ آن را به خود می‌گیرد و مخلصانه

می‌شود، کسی که حب دنیا و برتری و ریاست - و به طور کلی محبت غیر خدا - بر جانش مستولی

گردد نیز همه حرکات و رفتارهای عادی و ویژگی آن را به خود می‌گیرد و نماز و روزه و سایر

عبادتش سالم نمی ماند مگر به ندرت بنابراین ، برای درمان درد بی اخلاصی باید لذت های نفسانی را در هم شکست و چشم طمع از دنیا برید و یکسره آخرتی شد ، به طوری که این خوی بر دل چیره شود در چنین وضعی اخلاص کاری آسان می شود چه بسیار اعمالی که انسان برای انجام آنها خود را به رنج و زحمت می اندازد و گمان می برد که برای خدا می کند حال آن که سعی بیهوده می برد ، زیرا از آفت آنها بی خبر است از قول یکی از همین افراد نقل می شود که گفت : من نماز های سی سال خود را که در مسجد در صف اول جماعت خوانده بودم قضا کردم ، زیرا یک روز به دلیلی در آمدن به مسجد تاخیر کردم و در صف دوم جماعت به نماز ایستادم و از این که مردم مرا در صف دوم دیدند خجالت کشیدم از آن جا فهمیدم که من از این که مردم مرا در صف اول ببینند ناخود آگاه خوشحال می شده ام و آرامش دل پیدا می کرده ام.

آثار و پیامدهای اخلاص.

- پیامبر خدا (ص) : هیچ بنده ای چهل بامداد برای خدا اخلاص نورزید مگر آن که چشمه های حکمت از دلش به زبانش جاری شد.

- خدای عز و جل فرماید : هرگاه دل بنده ام را بنگرم و دریابم که از روی اخلاص و برای خشنودی من طاعت می به جا می آورد ، راستگردانی و تدبیر او را خود به عهده گیرم.

- امام صادق (ع) : همه اشیا در برابر مؤمن خاشعند و از هیبت او می هراسند سپس فرمود: اگر

برای خدا اخلاص ورزد خداوند همه چیز ، حتی گزندگان و درندگان زمین و پرندگان هوا را از او بترساند.

- امام سجاد (ع) : حق خدای بزرگ بر تو این است که او را بپرستی و شریکی برایش قائل نشوی ،

اگر از روی اخلاص چنین کنی ، (خداوند) کفایت کردن کار دنیا و آخرت تو را به عهده گیرد.

- امام علی (ع) : غایت اخلاص رهایی و خلاص است.
- مخلص سزاوار اجابت (دعا) است.
- چون اخلاص تحقق یابد دیده بصیرت روشنی گیرد.
- به سبب اخلاص ، اعمال (به درگاه خدا) بالا می رود.
- اگر نیتها خالص شود اعمال پاکیزه گردد.
- هر که نیت را خالص گرداند از پستی دور ماند.
- موفقیت کارها به خالص کردن نیتهاست.
- اخلاص داشته باش ، کامروا می شوی.
- هر که اخلاص ورزد به آرزوهایش برسد.
- امام کاظم (ع) : مسیح (ع) فرمود : ای بندگان بد ! گندم را پاک و تمیز کنید و خوب آردش نمایید تا طعم آن را بچشید و گوارایتان گردد همچنین ایمان را خالص و کامل گردانید تا شیرینی آن را بیابید و سرانجامش شما را سود رساند.
- در کتاب ادریس (ع) آمده است : آن که ایمانش خالص باشد، دینش سالم و در امان ماند.
- امام سجاد (ع) - در دعا - : خدایا ! بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که در میان خانه های ستمگران (برای نابود کردن آنها) جستجو می کنند و از همدمی با نادانان می گیرند و با روشنایی اخلاص به سوی مراتب عالیه بالا می روند.
- امام علی (ع) : خداوند با اخلاص و یکتاپرستی گره حقوق مسلمانان را محکم کرد (زیرالازمه اخلاص و یکتاپرستی حفظ حرمت حقوق مسلمانان و زیر پا نگذاشتن آنهاست).
- میان اخلاص و ریا.

امتحانات الهی

- امام باقر (ع) : میان حق و باطل جز کم خردی (حایل) نیست عرض شد : چگونه، ای زاده رسول خدا؟ فرمود : بنده کاری را که موجب رضای خداست برای غیر خدا انجام می دهد در صورتی که اگر آن را محض رضای خدا انجام می داد، زودتر به هدف خود می رسید تا برای غیر خدا انجام دهد ریاکاری..

نکوهش ریاکاری.

قرآن.

((همانند آن کسان مباشید که سرمست غرور و ریاکارانه از دیار خویش بیرون آمدند و دیگران را از راه خدا بازداشتند و خدا به هر کاری که می کنند احاطه دارد)).

- امام باقر (ع) : هر که (کفه) ظاهرش سنگینتر از باطنش باشد ترازوی (اعمال) او سبک است.

- امام علی (ع) : چه زشت است که آدمی باطنی بیمار و ظاهری زیبا داشته باشد!

- ریاکار ، ظاهرش زیبا و باطنش بیمار است.

- پیامبر خدا(ص) : ای اباذر! از خدا بترس و در حالی که دلی تبهکار داری ، برای جلب احترام مردم نزد آنان خود را خدا ترس وانمود مکن.

- امام علی (ع) : خداوندا! به تو پناه می برم از این که ظاهرم در نگاه مردم نیکو باشد و باطنم که بر تو آشکار است زشت و خود را ریاکارانه نزد مردم بیارایم به چیزی که تو بهتر از من بدان دانایی ، پس ظاهر نکویم را برای مردم آشکار دارم و بدی کردارم را نزد تو آورم و بدین سان به بندگان تو نزدیک شوم و از خشنودی تو به دور مانم.

- پیامبر خدا(ص): ای پسر مسعود! مبادا در برابر مردم، خدا ترس و فروتن جلوه کنی، در حالی که میان خود و پروردگارت بر نافرمانی‌ها و گناهان پای فشاری، خدای تعالی می‌فرماید: ((خداوند نگاههای دزدانه و آنچه را سینه‌ها پنهان می‌دارند می‌داند)).

بر حذر داشتن از ریاکاری.

- امام باقر(ع): ای کسانی که ظاهری آراسته و خوشایند دارید و چون شترانی تشنه گرد آب زانو زده‌اید! چه شده است که ظاهر شما را آباد و دل‌هایتان را ویران می‌بینم، هان! به خدا سوگند اگر آنچه را دیدار خواهید کرد و به سویش رهسپار هستید می‌دیدید، هر آینه می‌گفتید: ((کاش برگردانده می‌شدیم و آیات پروردگار خود را دروغ نمی‌شمردیم و از مؤمنان بودیم)).

- پیامبر خدا(ص): وای بر کسانی که دین را وسیله کسب دنیا می‌کنند و با زبان نرم خود در برابر مردم به لباس میش در می‌آیند، گفتارشان از عسل شیرین‌تر است و دل‌هایشان دل‌گرگ است خدای تعالی می‌فرماید: آیا به (رحمت) من مغرور می‌شوند؟!.

- امام علی(ع): و برخی از مردم با کار آخرت دنیا را می‌طلبند و با کار دنیا آخرت را نمی‌جویند خود را با وقار نشان می‌دهند و با گامهای نزدیک به هم (و سنگین) راه می‌روند، دامن جامه خود را بالا می‌زنند و خود را امین مردم وانمود می‌کنند پرده پوشی خدا را وسیله گناه قرار می‌دهند.

- پیامبر خدا(ص): مبعوضترین بنده نزد خداوند کسی است که جامگانش بهتر از کردارش باشد، جامه‌اش جامه پیامبران باشد و کردارش کردار جباران و گردنکشان.

- سخت‌ترین عذاب را در روز قیامت کسی دارد که به مردم نشان دهد آدم خوبی است، اما هیچ خوبی در وجود او نباشد.

عمل ریاکار(به درگاه خدا) بالا نمی‌رود.

امتحانات الهی

- پیامبر خدا(ص): فرشته با خوشحالی عمل بنده را بالا می‌برد و چون کارهای نیکش را بالا برد،

خدای عزوجل می‌فرماید: آنها را در سجين گذاريد، اين کارها برای من انجام نشده‌است.

- فرشتگان نگهبان (اعمال) با خوشحالی عمل بنده را بالا می‌برند حجابها را یکی پس از دیگری

طی می‌کنند تا آن که در برابر خدای سبحان می‌ایستند و می‌گویند عملی صالح و دعایی

آورده‌اند خدای تعالی می‌فرماید: شما نگهبانان عمل بنده من هستيد و من ناظر درون اويم او اين

عمل را برای من انجام نداده است، لعنت من بر او باد.

هر کس کاری را برای غیر خدا کند.

خداوند او را به همو واگذارد.

- امام صادق(ع): از ریاکاری بپرهیز، زیرا هر که برای غیر خدا کاری کند، خدا او را به همان کسی

که برایش کار کرده است واگذارد.

- پیامبر خدا(ص): روز قیامت به ریاکار ندا می‌شود: ای نابکار! ای فریبکار! ای ریاکار! عملت بر

باد شد و مزدت از بین رفت، برو و مزد خود را از همان بگیر که به خاطر او کار می‌کردی.

- امام صادق(ع): بنده را چه زیان که هرگاه خدا او را بشناسد، مردم نشناسندش هر که برای

چشم مردم کار کند پاداشش به عهده مردم است و هر که برای خدا کار کند پاداشش با خداست هر

گونه ریایی شرک است.

- پیامبر خدا(ص): خدای سبحان می‌فرماید: همانا من بی‌نیازترین شریکم پس، هر که کاری بکند

و کسی جز مرا در آن شریک گرداند من از آن کار بیزارم و از آن کسی باشد که او را شریک من قرار

داده است.

عمل ریا کار پذیرفته نشود.

امتحانات الهی

- پیامبر خدا(ص) : خداوند عملی را که در آن به وزن ذره‌ای ریا باشد نمی‌پذیرد.

ای پسر مسعود! اگر کار خوبی کردی و در آن نیتی جز خدا داشتی امید پاداش از خداوند نداشته

باش ، زیرا می‌فرماید : ((در روز قیامت ما برای آنان منزلتی قائل نیستیم)).

امام صادق(ع) : خدای عزوجل فرموده است : من بهترین شریک هستم هر کسی در کاری که

می‌کند شریکی برای من قرار دهد آن کار را نپذیرم جز عملی که خالص برای من باشد.

- خدای عزوجل فرموده است : هر که برای من و غیر من کار کند آن کار برای کسی باشد که از بهر

او انجام داده است.

راه نجات.

- مردی از رسول خدا (ص) پرسید : ای رسول خدا ، نجات در چیست؟ حضرت فرمود : در این که

بنده طاعت خدا را به خاطر مردم انجام ندهد.

- امام باقر(ع) : از پیامبر خدا سؤال شد که فردا(ی قیامت) نجات در چیست؟ رسول خدا(ص)

فرمود : راه نجات فقط این است که با خدا از در نیرنگ در نیایید که در این صورت با شما از در

خدعه در آید ، زیرا هر که بخواهد خدا را گول زند خداوند نیز با او خدعه کند و ایمانش را بگیرد او

اگر فهم داشته باشد در حقیقت خود را گول زده است عرض شد : چگونه با خداوند خدعه

می‌کند؟ فرمود : به فرمان خدا عمل کند ، اما نیتش غیر خدا باشد.

ریا و شرک (۱).

قرآن.

((هر که به دیدار پروردگارش امید بسته است باید کاری شایسته کند و هیچکس را شریک

پروردگارش قرار ندهد)).

- امام صادق (ع) : درباره آیه ((هر که امید دیدار پروردگارش را دارد)) ، فرمود : آدمی کار ثوابی می‌کند اما خدا را در نظر ندارد ، بلکه ستایش مردم در نظر اوست و مشتاق است که آن را به گوش مردم برساند چنین کسی در پرستش پروردگار خود شرک آورده است.
- مردی خدمت رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد : من صدقه می‌دهم و صله رحم به جامی آورم و این کارها را جز به خاطر خدا انجام نمی‌دهم و مردم از کارهای من یاد می‌کنند و به خاطر آنها از من تعریف و تمجید می‌شود و این کار مرا شادمان می‌سازد و از آن خوشم می‌آید رسول خدا سکوت کرد و چیزی نگفت پس این آیه نازل شد : ((هر که به دیدار پروردگارش امید بسته است)).
- امام باقر (ع) : از رسول خدا (ص) درباره آیه ((پس هر که امید دیدار پروردگارش را دارد)) سؤال شد ، حضرت فرمود : هر که برای چشم مردم نماز گزارد مشرک است و هر که یکی از فرمان‌های خدا را برای خودنمایی به مردم به جای آورد مشرک است.
- امام صادق (ع) : نیز در تفسیر همین آیه ، فرمود : این شرک ، شرک ریاست.
- در پاسخ به سؤال علا بن فضیل از تفسیر این آیه ((پس هر که امید)) فرمود : هر که به خاطر تعریف مردم نماز خواند یا روزه گیرد یا بنده آزاد کند یا حج رود ، در کار خود شرک آورده است گر چه مشرکی آمرزیده است.
- ریا و شرک (۲).
- امام علی (ع) : بدانید که اندکی ریا ، شرک است.
- شداد بن اوس ، رسول خدا (ص) را در حال گریه دید علت را جویا شد حضرت فرمود : از ترس شرک ، نسبت به امتم نگرانم نه این که آنان بت و خورشید و ماه را بپرستند بلکه اعمال خود را ریا کارانه انجام دهند.

- پیامبر خدا(ص) : بیشترین نگرانی من برای شما شرک کوچک است عرض کردند: ای رسول خدا!

شرک کوچک چیست؟ فرمود: ریا.

- امام صادق(ع) : هر گونه ریایی شرک است هر که به خاطر مردم کار کند پاداشش به عهده مردم

باشد.

فرجام بد ریاکاران.

- پیامبر خدا(ص) : همانا دوزخ و دوزخیان از دست ریاکاران فریاد بر می آورند عرض شد : ای

رسول خدا! آتش چگونه فریاد بر می آورد؟ فرمود : از گرمای آتشی که (ریاکاران) با آن عذاب

می شوند.

- هر که برای شهرت طلبی و به دست آوردن چیزی قرآن بخواند در روز قیامت با چهره ای از

استخوان بدون گوشت خدای عزوجل را دیدار کند و قرآن همواره در پس گردنش زند تا آن که

به دوزخش در آورد و با دیگر دوزخیان در آن سقوط کند.

- روایت شده است که خدای عزوجل دستور می دهد افرادی را به آتش افکنند ، پس به مالک

(دوزخ) فرماید : به آتش بگو پاهای آنها را نسوزاند ، زیرا با آنها به مساجد می رفتند و دستهایشان را

نسوزاند ، زیرا آنها را برای دعا به سوی من بالا می آوردند مالک گوید : ای تیره بختان! پس چه

گناهی کرده بودید؟ گویند : ما برای غیر خدا کار می کردیم ، بنابر این به ما گفته شد : پاداش

خود را از همانان بگیری که برایشان کار می کردید.

حسابرسی ریاکار.

- امام صادق(ع) : در روز رستاخیز بنده ای را که نماز خوانده ، می آورند او می گوید: پروردگارا!

من برای رضای تو نماز خواندم ، اما به او گفته شود : نه ، بلکه برای آن نماز خواندی که گفته

شود چه نماز خوبی می خواند او را به دوزخ برید.

- پیامبر خدا(ص) : نخستین کسی که در روز قیامت فرا خوانده می شود مردی است که «آیات»

قرآن را در سینه خود گرد آورده و مردی که در راه خدا کشته شده است و مرد ثروتمند پس

خدای عزوجل به قاری قرآن فرماید: آیا آنچه را بر فرستاده خود نازل کردم به تو نیاموختم؟ عرض

کند: چرا، ای پروردگار من فرماید: با آنچه آموختی چه کردی؟ عرض کند: پروردگار! در

نیمه های شب و اوقات روز آن را تلاوت می کردم پس خداوند فرماید: دروغ می گویی فرشتگان

نیز گویند: دروغ می گویی خدای تعالی فرماید: هدف تو این بود که گفته شود: فلانی قاری

قرآن است و این هم گفته شد.

- در روز رستاخیز نخستین کسی که محاکمه می شود مردی است که به شهادت رسیده است او را

می آورند و خداوند او را از نعمتهایی که عطایش کرده بود آگاه می کند و او آگاه می شود

سپس می فرماید: با این نعمتها چه کردی؟ عرض می کند: در راه و دینروایم

تو جنگیدم تا به شهادت رسیدم خداوند می فرماید: دروغ می گویی بلکه جنگیدی تا گفته شود

چه دلیر است و این هم گفته شد سپس دستور می دهد او را در حالی که به رو افتاده است بکشند

تا در آتش افکنده می شود.

نشانه های ریاکار.

- پیامبر خدا(ص) : ریاکار را چهار نشانه است: در حضور دیگران خود را بر طاعت خدا حریص نشان

می دهد، در تنهایی سستی و تنبلی می ورزد، در هر کاری شیفته ستایش است و در ظاهر سازی

می کوشد.

- امام علی(ع) : ریاکار چهار نشانه دارد: در تنهایی تنبل است، در میان مردم کوشا و فعال است،

امتحانات الهی

اگر در کاری از او ستایش کنند ، آن را بیشتر انجام می دهد و اگر ستایش نکنند کم انجام می دهد .

- ریاکار را سه نشانه است : وقتی چشمش به مردم می افتد کوشا می شود ، وقتی تنه است سستی و تنبلی می ورزد و دوست دارد که در هر کاری ستایش شود.

- امام صادق (ع) : لقمان به فرزندش گفت: ریاکار سه علامت دارد : وقتی تنه است تنبل است ، وقتی مردم نزدش هستند کوشاست و هرکاری را برای ستایش (مردم از خود) انجام می دهد.
بحثی پیرامون ریا.

- زراره از امام باقر (ع) درباره شخصی که کار خوبی انجام می دهد و انسانی او را می بیند و او خوشحال می شود ، پرسید حضرت فرمود : اشکالی ندارد - همه دوست دارند کار نیکشان در میان مردم نمایان شود به شرط این که آن کار خوب را به این منظور انجام نداده باشد.

- مردی خدمت پیامبر خدا (ص) آمد و عرض کرد : من صدقه می دهم و صله رحم به جامی آورم و این کارها را جز برای خدا نمی کنم اما مردم به سبب این اعمال مرا می ستایند و من خوشم می آید و خوشحال می شوم رسول خدا (ص) سکوت کرد و چیزی نفرمود ، پس این آیه نازل شد : ((هر که امید دیدار پروردگارش را دارد باید کار شایسته کند و در عبادت پروردگارش هیچ کس را شریک نکند)).

- به رسول خدا (ص) عرض شد : کسی کار خوبی انجام می دهد و مردم او را به سبب آن می ستایند حضرت فرمود : این نوید زود رس مؤمن است ، یعنی نویدی که زودتر در دنیا بدو دهند و نوید دیگر این سخن خدای سبحان است که : ((در آن روز بشارتتان به بهشتهایی است که در آن نهرها روان است)).

امتحانات الهی

- عبید از امام صادق (ع) پرسید: کسی نمازش را با قرائت و نیکو به جا می‌آورد به امید آن که بیننده را به این کار (نماز درست و با قرائت) بکشاند؟ حضرت فرمود: این کار ریا نیست.

وسوسه ریا داشتن.

- پیامبر خدا (ص): هرگاه یکی از شما مشغول نماز بود و شیطان به سراغش آمد و گفت: تو ریا می‌کنی، تا جایی که می‌تواند نمازش را طول دهد به شرط آن که وقت فریضه فوت نشود و اگر مشغول کاری آخرتی بود، تا جایی که می‌تواند آن را به درازا کشاند و اگر سرگرم کاری دنیوی بود آن را رها کند.

- امام علی (ع): عرض کردیم ای رسول خدا! کسی از ما با زبان روزه مشغول خواندن نماز می‌شود و شیطان به سراغش می‌آید و می‌گوید: تو ریاکاری رسول خدا (ص) فرمود: آن کس در چنین حالتی بگوید: خدایا به تو پناه می‌برم که دانسته چیزی را شریک تو قرار دهم و اگر ندانسته چنین کنم از تو آمرزش می‌خواهم.

یاد کردن کارهای نیک و ریا.

- امام باقر (ع): نگهداری عمل از خود عمل دشوارتر است راوی عرض کرد: منظور از نگهداری عمل چیست؟ حضرت فرمود: آدمی برای خدای یگانه بی‌انبار بخشش و انفاق می‌کند و این عمل پنهانی برایش نوشته می‌شود اما سپس کارش را به زبان می‌آورد که در نتیجه آن، ثواب پنهانی (که بیشتر است) پاک می‌شود و برایش آشکار می‌نویسند، بار دیگر آن را به زبان می‌آورد که در این بار عملش پاک می‌شود و ریا نوشته می‌گردد.

- امام صادق (ع): هر که در نهان کار نیک انجام دهد، برایش پنهانی نوشته می‌شود و چون آن را به زبان آورد، آن عمل پنهانی پاک می‌شود و عملی آشکار نوشته می‌گردد و اگر برای دومین بار به

زبان آورد عمل آشکار هم پاک می شود و برایش ریا می نویسند.

عظمت عبادت پنهانی.

- پیامبر خدا(ص) : آن عبادت اجرش بزرگتر است که مخفیانه تر باشد.

- امام رضا(ع) : کار نیک پنهانی با هفتاد کار نیک برابری می کند.

- امام علی(ع) : مخفی داشتن عمل و شکیبایی در برابر ناملایمات و نهان داشتن مصیبتها

و گرفتاریها از گنجهای نیکوکاری است.

- امام صادق(ع) : در روز رستاخیز ، رضوان نگهبان بهشت گروهی را می بیند که از

برابرش نگذشته بودند به آنها می گوید : شما کیستید و از کجا وارد شدید؟! می گویند : دور شو از

ما ما گروهی هستیم که خداوند را مخفیانه پرستیدیم و او نیز مخفیانه ما را به بهشت در آورد.

- عیسی(ع) به حواریان می فرمود : هرگاه یکی از شما روزه گیرد سر و ریش خود را خوش بو کند

و لبهایش را روغن مالد تا مردم پی نبرند که روزه دارد و هرگاه با دست راست خود بخشش کرد

آن را از دست چپش مخفی دارد ، و چون نماز خواند پرده در اتاقش را بپندازد ، زیرا خداوند است

که ستایش را تقسیم می کند ، چنانکه همو روزی را تقسیم می کند.

- پیامبر خدا(ص) : (عبادت و حسنه) نهانی بهتر از آشکار است انجام آشکار (این کارها) برای کسی

(خوب) است که بخواهد الگو قرار گیرد.

- امام صادق(ع) : صدقه و نماز و روزه و کلیه کارهای خوب اگر مستحبی باشد بهتر است پنهانی

صورت گیرد و اگر واجب و فریضه باشد بهتر است که آشکارا انجام پذیرد.

ریا (متفرقه).

- امام صادق(ع) : ریا کردن با منافق در خانه او عبادت است و با مؤمن شرک.

امتحانات الهی

- امام علی(ع) ، در وصف مؤمن : هیچ کار خوبی را به خاطر ریا انجام نمی‌دهد و از روی شرم آن را فرو نمی‌گذارد.

- به امیر المؤمنین(ع) عرض شد : کدام انسان کور دل تر است؟ فرمود : کسی که برای غیر خدا کار کند و ثواب و پاداش عمل خود را از خداوند عزوجل بخواهد.

- پیامبر خدا(ص) : خدای تعالی بهشت را بر هر ریاکاری حرام کرده است.

- بهشت به سخن در آمد و گفت من بر هر بخیل و ریا کاری حرام هستم.

- امام علی(ع) : هر کار نیکویی که برای رضای خدای تعالی انجام نگیرد ، زشتی ریا بر آن است و میوه‌اش زشتی کیفر باشد.

«حقیقتاً خداوند تعالی ، عملی را که یک ذره در آن ریا باشد، قبول نمی‌نماید.»

یکی از علما می گفت در قم زمانی که گاز نبود و نفت برای سوخت استفاده می شد یه اقای برای ما نفت می آورد و ما خیلی او را تحویل می گرفتیم. اما وقتی گاز آمد دیگه با این آقای نفت فروش سلام و علیک مختصر شد. روزی از من پرسید حاج اقا گاز کشیدید؟ گفتم بله! گفت از احوالپرسی شما متوجه شدم

ناگهان متوجه شدم این همه با ایشان احوالپرسی گرم می کردم بخاطر خدا نبود بخاطر نفت بود!..... آقای قاضی به سید هاشم می فرمودند: من به تو و به همه شمایی که می آید این جا می گویم که من هم یکی هستم مثل شما. از کجا معلوم که شما چند نفر در کار من مبالغه نمی کنید و روز قیامت آن جاسم جارو کش کوچه ها رد شود و من هنوز تو آفتاب قیامت ایستاده باشم؟..... شیخ جعفر شوشتری دید الاغی بارش را خالی کرد..... پیامبر به ابوذر فرمودند خواب و خوراکت هم برا خدا باشه..... ﴿﴾ علامه حسن □□ زاده می فرماید

□□ بنده حدود سی سال پیش صحبتی داشتم با یک ریاضیدان معروف تا که بحث کشید به یک شکل هندسی قطاع □

من از او، به خاطر غرض الهی که در نظرم داشتم ، سؤال کردم : عزیز من ! از این شکل چند حکم هندسی می توان استفاده کرد ؟

□□ گفت : شاید هفت تا ده تا حکم

گفتم : مثلاً بیست تا چطور ؟

□□ گفت: شاید. ممکن است

□ گفتم: دویست تا چطور؟ به من نگاه می کرد که آیا دویست حکم هندسی می توان از آن استنباط کرد و توقف کرد

گفتم: دویست هزار چطور؟ خیال می کرد که من سر مطایبه و شوخی دارم و به مجاز حرف می زنم. بعد به او گفتم: آقا! این

□□ خواجه نصیر الدین طوسی کتابی دارد به نام کشف القناع عن اسرار شکل القطاع

و جناب خواجه از این شکل، چهارصد و نود و هفت هزار و ششصد و شصت و چهار حکم هندسی استنباط کرده؛ یعنی قریب نیم میلیون. شکل هندسی قطاع؛

بعد به او گفتم: این خواجه نصیر طوسی که راجع به یک شکل هندسی، یک کتاب نوشته و قریب پانصد هزار حکم از آن استنباط کرده، شما آن کتاب و خود خواجه را می شناسی؟

□ گفت: نخیر

بعد راجع شخصیت خواجه صحبت کردیم و به او گفتیم: این خواجه وقتی که در بغداد حالش دگرگون شد و دید دارد از این

□ نشانه به جوار الهی ارتحال می کند، وصیت کرد

مرا از کنار امام هفتم، باب الحوائج الی الله، از این معقل و پناهگاه بیرون نبرید و در عیبه به خاک بسپارند و روی قبر در پیشگاه امام □ هفتم؛

□□□ مثلاً نوشته نشود، آیت الله علامه، این امام است، حجه الله. قرآن ناطق و امام ملک و ملکوت است. روی قبر من بنویسید

وَ كَلْبُهُمْ بِأَسْطُ ذِرَاعِيهِ بِالْوَصِيدِ. «و سگ آنها، دست های خود را بر دهانه غار گشوده بود». (سوره کهف، ایه 18) مربوط به حکایت □ اصحاب کهف و سگ آنها است که در دم غار نشسته است

و این عالمی است صاحب این همه کتاب در حکمت، فلسفه، عرفان، ریاضیات، فقه و اصول، علوم غریبه، معماری و مهندسی و

□□ بنا کننده رصدخانه مراغه و صاحب زیج ایلخانی و بالاخره خواجه نصیر الدین طوسی و استاد بشر و استاد کل فی الكل

اما در پیشگاه امام هفتم این طور وصیت می کند که روی قبرش بنویسند

23-آزمایش با دنیاطلبی

علی علیه السلام نمونه یک انسان زاهد و پرهیز کار بود. لباس خود را آنقدر وصله زد که دیگر از وصله کننده خجالت می کشید. نان جو غذای امام، آنقدر خشک و سفت بود که گاهی ناچار می شد آنرا با سر زانوی خود، خورد کند! او می فرمود: که شکم خود را مقبره حیوانات نکنید!

درنامه به فرماندار مصر می نویسد: اگر می خواستم که غذای خود را غسل تصفیه شده و مغز گندم و لباسم را ابریشم قرار دهم می توانستم اولی هیئات که هوا و هوس بر من غلبه کند شاید که در حجاز و یمامه کسی باشد که نان نداشته باشد، آنوقت من باشکم سیر بخوابم؟

علی(ع) در مسجد معتکف بود که عربی که امام را نمی شناخت، وارد مسجد شد. در هنگام افطار خدمت حضرت آمد. امام از کیسه غذای خود مقداری نان جو به او داد. او نانهارا نخورد بلکه آنها را به گوشه عمامه بست و برای صرف غذا از مسجد خارج شد. در کوچه ها به خانه حسنین(ع) رسید و مهمان آنان گردید. او بعد از خوردن غذا، به حسنین(ع) گفت: در مسجد کسی را دیدم که غذای نامناسبی داشت. اجازه بدهید از این غذا مقداری برای او ببرم؟ حسنین(ع) به گریه افتادند و فرمودند: او پدر ما امیر مؤمنان است که بادنی و نفسش مبارزه می کند.

آثار زیانبار دنیا طلبی

- 1- ثروت اندوزی مایه عذاب می شود.
«به کسانی که طلا و نقره ها را انبار می کنند و آنها را در راه خدا خرج نمی کنند، بشارت عذاب دردناک داده. در روز قیامت همین ثروتها بصورت عذاب بر پشت و پیشانی آنها فرود می آید» «توبه 34»
- 2- ثروت اندوزی مایه سرگرم شدن و از خدا غافل گردیدن است.
«ثروت اندوزی شمارا مشغول کرد تا زمانیکه از دنیا رفتید و شمارا دفن کردند.» «تکاثر 1»
- 3- دنیا طلبی باعث زحمت بی پایان، آرزوی دست نیافتنی و امید بی حاصل می شود
- 4- دنیا طلبی عقل را فاسد و دل را از شنیدن حکمت، کر می کند.
- 5- هر چه ثروت انسان بیشتر باشد، حجت های الهی علیه او در قیامت بیشتر است.
- 6- دنیا طلبی مانع عبادت و اطاعت خداست.
- 7- پول و ثروت طبق نظر امام رضا(ع) بایکی از اسباب زیر جمع می شود: بخل شدید، آرزوی طولانی، حرص زیاد، قطع رابطه فامیلی، ترجیح دنیا بر آخرت
- 8- ریشه های لذت های اصلی دنیا طبق نظر امام باقر(ع) هفت چیز پست است:
نوشیدنی ها که بهترین آن آب معدنی است که از لابلای خاکها و حشرات و فاضلابها بالا آمده و کم صاف و زلال می شود.
خوردنی ها که بهترین آن عسل طبیعی است که عسل مدفوع زنبور است،
پوشیدنی که بهترین پوشیدنی ابریشم است که از آب دهان کرم ابریشم به عمل می آید!

بوئیدنی‌ها که بهترین بوئیدنی مُشک است که از ناف آهو بعمل می‌آید!،
شنیدنی‌ها که بهترین آن غنا و طرب است که صدای شیطان می‌باشد،
سواریه‌ها که بهترین آن در زمان گذشته اسب و حالا ماشین است که آنهم گاهی قاتل صاحبش می‌باشد،
عمل جنسی که از همه لذات برتر است و آنهم که مبال اندر مبال است!
9- اگر کسی بت پرست نباشد ولی دنیا طلب باشد بگفته ابلیس، همین برای گمراهیش کافی است.
10- بفرمایش پیامبر(ص) دنیا طلبی اولین عامل معصیت خدا بوده است.
زهر دارد در درون، دنیا چومارگر چه دارد در برون، نقش و نگار
زهر این مار منقش قاتل است می‌گریزد زوهر آن کس عاقل است.

24- آزمایش با ولایت یا دشمنی اهل بیت علیه السلام

پیامبر (ص) فرمود:

«ای سلمان! هر که فاطمه را دوست داشته باشد، با من در بهشت است و هر که با او دشمنی بورزد، در جهنم است. ای سلمان! دوستی فاطمه در مواقع بسیاری بکار می آید که راحت ترین آنها در هنگام مرگ و در قبر و در محشر و در صراط و در حساب است.

پس هر که دخترم فاطمه از او راضی باشد، من از او راضی هستم و هر که من از او راضی هستم، خدا از او راضی است و هر که فاطمه بر او خشم بگیرد، من بر او خشم می گیرم و هر که من بر او خشم بگیرم، خدا بر او غضب می کند. ای سلمان! وای بر کسی که به فاطمه و ذریه او ظلم نماید

عبادت بی ولایت؟ پیامبر اکرم (ص) فرمود: هنگامیکه به معراج رفتی، خدا بمن وحی کرد که:

ای محمد! من نظری بسوی زمین کردم و تو را از آن اختیار کردم و پیغمبر ساختم و اسم تو را از نام خود برگزیدم که من محمود و تو محمدی! دوباره بر زمین نظری افکندم و علی را از آن برگزیدم و او را جانشین و داماد تو قرار دادم و نام او را از نام خود برگزیدم که من علیّ اعلی هستم و او علی است. سپس فاطمه و حسن و حسین را از نور شما خلق کردم. آنگاه ولایت شما را بر فرشتگان عرضه کردم، تا هر که پذیرفت در پیشگاه من از مقربین شود.

ای محمد! اگر بنده ای آنقدر عبادت من کند تا خسته شود و بدنش مانند مشک پوسیده گردد ولی در حالی از دنیا برود که منکر ولایت شما باشد، او را در بهشت جای نخواهم داد و در زیر عرش سایه نخواهم بخشید.

ای محمد می خواهی آنان را ببینی؟

عرض کردم: آری پروردگارا!

فرمود: سرت را بلند کن.

وقتی سرم را بلند کردم ناگاه انوار علی وفاطمه وحسن وحسین وعلی بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد وحسن بن علی را دیدم ومحمد بن الحسن القائم رادر وسط آنان مانند ستاره درخشانی دیدم.
عرض کردم: اینها کیانند؟

فرمود: اینها امامان هستند واین قائم است. آنکه حلال مرا حلال وحرام مرا حرام کند وبوسیله او از دشمنانم انتقام کشم واوبرای دوستانم، مایه راحتی است واوست که دل شیعیان وپیروان تور را از ظالمین وكافرین شفا می بخشد ودوئبت لات وعزّی را ترو تازہ بیرون می آورد وآنهارا می سوزاند. البته فتنه وامتحان مردم در آنروز بوسیله این دو بت، سخت تر از فتنه گوساله سامری خواهد بود! «مکیال المکارم ج 1 ص 75»
از اهل تسنن نقل شده که:

از امام احمد بن حنبل وغیر او نقل شده که پیامبر (ص) فرمود: من وعلی، چهارده هزار سال قبل از خلقت آدم از یک نور خلق شدیم. وقتی آدم (ع) خلق شد، خدا ما را در صلب او قرار داد.
بعد از آن، نور من وعلی باهم بود تا اینکه در صلب عبدالملک از هم جدا شدیم. آنوقت در من نبوت ودر علی، خلافت وجانشینی مقرر گردید. (شبهای پیشاور)
ابراهیم (ع) وملکوت آسمانها رسول خدا (ص): وقتی خداوند، ملکوت آسمانها را به ابراهیم (ع) نشان داد، ابراهیم (ع) نوری را در عرش دید.
پرسید: خدایا! این چه نوری است؟

خطاب رسید: ای ابراهیم! این نور، محمد برگزیده من است.
پرسید: نور دیگری که پهلوی اوست، چیست؟
فرمود: این نور علی، یاری کننده دین من است.
پرسید: نور دیگری هم پهلوی ایشان مشاهده می کنم!
فرمود: این فاطمه است که پهلوی پدر وشوهرش قرار دارد. من دوستان فاطمه را از آتش نجات داده ام.
پرسید: خدایا! دو نور دیگر می بینم!
فرمود: آنها حسن وحسین هستند.

پرسید: نورهای دیگری هم می بینم!
فرمود: آنها علی بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد وحسن بن علی ومهدی آل محمد می باشند.
پرسید: خدایا! غیر از این چهارده نور، نورهای بسیاری در اطراف آنها می بینم!
فرمود: اینها شیعیان ودوستان محمد وآل محمدند.
پرسید: شیعیان را با چه علامتی می توان شناخت؟

فرمود: خواندن پنجاه و یک رکعت نماز در شبانه روز (17 رکعت واجب و 34 رکعت نافله)، بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحيم، قنوت قبل از رکوع، سجده شکر و انگشتر بدست راست کردن.
ابراهیم (ع) درخواست کرد که: خدایا! مرا نیز از دوستان و شیعیان محمد و آل محمد قرار بده!
خطاب رسید: من تو را از دوستان و شیعیان آنها قرار دادم. «ستارگان درخشان ج 11 ص 5

قبرش مزار ملائکه است

رسول خدا (ص) فرمود: الا و من مات علی ' حُبَّ آل محمد مات شهیداً. الا و من مات علی ' حُبَّ آل محمد مات مغفوراً له. الا و من مات علی ' حُبَّ آل محمد مات تائباً. الا و من مات علی ' حُبَّ آل محمد مات مؤمناً مستکمل الایمان. الا و من مات علی ' حُبَّ آل محمد مات بشّره ملک الموت بالجنة. الا و من مات علی ' حُبَّ آل محمد مات فتح له من قبره بابان الی الجنة. الا و من مات علی ' حُبَّ آل محمد مات جعل الله قبره مزار الملائكة الرحمة.

آگاه باشید! هر که بر محبت اهل بیت (ع) بمیرد، شهید مرده است.

آگاه باشید! هر که بر محبت اهل بیت (ع) بمیرد، آمرزیده مرده است.

آگاه باشید! هر که بر محبت اهل بیت (ع) بمیرد، توبه کننده بمیرد.

آگاه باشید! هر که بر محبت اهل بیت (ع) بمیرد، عزرائیل به او بشارت بهشت می دهد.

آگاه باشید! هر که بر محبت اهل بیت (ع) بمیرد، از قبرش دو در به بهشت باز می شود.

آگاه باشید! هر که بر محبت اهل بیت (ع) بمیرد، خداوند قبرش را زیارتگاه ملائکه رحمت قرار

می دهد.

بانویی که به خاطر محبت علی بن ابیطالب (ع) دست او را قطع کردند

در تحفة المجالس آمده است که تاجری در بغداد ورشکسته شد و کارش به گرفتن صدقه از مردم

افتاد. روزی او در شهر بصره به مغازه مردی رفت و گفت تو را به محبت علی بن ابیطالب (ع) و برای خدا به

من درهمی برای تهیه غذا بده! صاحب مغازه که از دشمنان اهل بیت بود گفت چون رافضی و شیعه هستی حتی

خاک هم بتو نمی دهم! تاجر بانا راحتى از آنجا دور شد و در کوچه ها می گذشت تا اینکه به خانه ای رسید و زنی

را در طبقه دوم خانه مشاهده کرد. تاجر به زن گفت تو را به محبت علی بن ابیطالب (ع) به من کمک کن. زن

که از دوستان اهل بیت بود بلافاصله گوشواره هایش را در آورد و به تاجر داد. تاجر به در مغازه مرد برگشت

و گفت تو از زنی کمتر هستی که به من درهمی ندادی ولی یک زن این گوشواره ها را به من بخشید. آن مرد

دید که این گوشواره ها شبیه گوشواره زنش است. فوراً به خانه رفت و به زنش گفت گوشواره هایت

کجاست؟ گفت آنها ما خودم بودند و در راه محبت علی بن ابیطالب (ع) صدق دادم. آن مرد کاردی آورد و دست زنش را قطع کرده و او را طلاق داد و از خانه بیرون کرد و گفت برو دستت را از علی بن ابیطالب (ع) بگیر. خانواده‌ای از دوستان اهل بیت آن زن را که خون از دستش سرازیر بود به خانه بردند و به مداوای زخمهایش پرداختند. سپس تصمیم گرفتند که آن زن را نزد خود نگه دارند. زن بعد از مداوای زخمهایش روز و شب را به عبادت خدا می‌گذراند. بعد از مدتی تاجری او را دید و با ظرفی پر از طلا به خواستگاریش آمد. زن مهلت خواست و شب برای عبادت برخاسته به خداوند عرض کرد خدایا من دستم را در راه محبت علی بن ابیطالب (ع) دادم تو را به آن آقا قسم می‌دهم که مرا در نزد خواستگارم خوار نسازی. سپس مقداری گریه کرد و بخواب رفت. وقتی از خواب برخاست دستهای خود را سالم دید. فریادی کشید و به سجده شکر رفت. اهل خانه خبردار شدند و آنها هم شکر خدا را نموده و بر اعتقادشان به علی بن ابیطالب (ع) افزوده شد. زن با تاجر ازدواج کرد و به همراه او به شهر شوهرش رفت و زندگی جدیدی را شروع نمودند. روزی زن و شوهر سر سفره غذا بودند که گدایی در خانه آنان را به صدا درآورد. وقتی زن در را باز کرد دید شوهر سابقش است که ورشکست شده و به گدایی افتاده است

شهادت میثم تمار

میثم را به جرم حق‌گویی و حمایت از خط راستین علوی و سازش نکردن با سلطه جبارانه یزیدی به طرف چوبه دار بردند.

میثم را به دار آویختند. میثم مرگ را به چیزی نمی‌گرفت و چنان عادی و بی‌اعتنا، آن را تلقی می‌کرد که بر خشم دشمن می‌افزود. میثم تمار بر فراز دار با صدایی رسا مردم را برای شنیدن حقایق اسلام و احادیث سری علی (ع) فرا می‌خواند. ⁽²⁶⁾ میثم می‌گفت: هر کس می‌خواهد حدیث مکنون و ارزشمند علی (ع) را بشنود، پیش از آن که کشته شوم بیاید. من شما را از حوادث آینده تا پایان جهان، خبر می‌دهم. مردم مشتاق، پیرامون او جمع

می شدند. میثم از فراز منبر «دار» برای انبوه جمعیت، سخن می گفت. فضایل و شایستگیهای اهل بیت پیامبر و دودمان

علی (ع) را بازگو می کرد و خیانتها و فسادهای بنی امیه را فاش می ساخت.

بیان حقایق و افشاگریهای میثم، در آن آخرین لحظه های حیات و از بالای دار، چنان مؤثر و تکان دهنده بود که

به «ابن زیاد» خبر دادند: این بنده، شما را رسوا کرد. گفت: به دهانش لجام بزنید. و میثم، اولین کسی بود که در راه

اسلام بر دهانش لجام زده شد. پس از آن، زبان حقگوی او را، که به صراحت روز و به برندگی شمشیر بود، بریدند.

آن کس که مامور بریدن زبانش بود، به میثم گفت: هر چه می خواهی بگو! امیر فرمان داده است که زبانت را قطع

کنم. میثم گفت: فرزند زن تبهکار - عییدالله بن زیاد - خیال کرده است که می تواند من و مولایم را دروغگو معرفی

کند! این است زبان من.

و آن مزدور، زبان میثم را از کامش برآورد....

میثم به همان حالت بود، تا این که فردایش، از بینی و دهان او خون غلیظ می آمد و بدین صورت، طبق آن

پیشگویی، موی سفید صورتش با خون سرخ، رنگین شد.

روز سوم، مردی نزدیک میثم آمد و با نیزه به او اشاره کرد و گفت: به خدا قسم می دانم که اهل عبادت بودی و شبها را به مناجات به سر می بردی. آن گاه با نیزه، چنان ضربتی بر پهلوی یا شکم میثم فرود آورد که پیکرش دریده شد و جان پاک آن اسوه صبر و مقاومت و رشادت به افلاک شتافت و میثم با روح بلندش معراجی والاتر را آغاز کرد؛

امام باقر ع:

«اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.

زراره پرسید: کدامیک مهمتر است؟

فرمود: ولایت بالاتر است زیرا ولایت کلید بقیه است و راهنمای واجبات است.»

«از زمانی که خدا، آدم (ع) را آفرید، زمین از حجت الهی خالی نمانده است چه حجت آشکار و چه حجت پنهانی و غایب!»

□ ولایت، امانت است

در حدیثی می خوانیم که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هنگامی که خداوند ارواح پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و فاطمه زهرا (علیها السلام) و ائمه معصومین (علیهم السلام) را آفرید، سخنانی فرمود: از جمله این که: «وَلَا يَتُّهُمْ أَمَانَةٌ عِنْدَ خَلْقِي»؛ ولایت آنها امانتی است □ در نزد خلق من

در طول تاریخ تشیع عده زیادی ولایت را که امانت الهی است پاس داشتند. شخصیهایی چون مالک اشتر، حجر بن عدی، ابن سکیت، حبیب بن مظاهر، قنبر، و هزاران عاشق دیگر. گه تا آخر با ولایت بودند. اینها در کنار علی (ع) بودند. بعد از علی (ع) در کنار □□ امام حسن (ع) و بعد از او در کنار امام حسین (ع)

قنبر سالها در خانه علی (ع) خدمت نمود و از شیعیان مخلص بود. روزی حجاج خونخوار به اطرافیانش گفت: امروز دوست دارم که یکی از شیعیان ابوتراب را بیاورم و خونش را قربۀ الی الله! بریزم! به او گفتند: غیر از قنبر کسی را سراغ نداریم! بدستور حجاج، قنبر را آوردند. حجاج به او گفت: از علی بیزاری بجو! قنبر امتناع کرد. حجاج او را در نحوه مردن مخیر کرد. قنبر گفت: مولایم بمن خبر داد که □ من مظلومانه ذبح می شوم! حجاج دستور داد سر او را بریدند

□ تن شهدای کربلا هم خوب از ولایت پاسداری کردند □□

ولی عده ای هم بودند که به ولایت خیانت کردند. از جمله اینها شخصی بنام شلمغانی است که وکیل امام عصر (ع) بود و دانشمندی بود که رساله او در همه خانه های شیعیان وجود داشت. اما وقتی قرار شد حسین بن روح نوبختی نایب خاص حضرت شود. شلمغانی

دچار حسادت شد و نتوانست این مسئله را تحمل کند و شروع به توطئه کرد تا اینکه از طرف حضرت مهدی علیه السلام توقیعی

صادر شد و حضرت او را لعن کردند. و عاقبت هم شلمغانی به طرز فجیعی کشته شد

یا احمد بن هلال کرخی که وکیل امام هادی و امام عسکری بود و 54 بار به سفر حج رفت که بیست بار آن پیاده بود

ولی بخاطر ادعای دروغین نیابت، مورد لعن امام زمان عجل قرار گرفت

در زمان ابتدای انقلاب اسلامی عده ای در کنار امام بودند و عده ای هم با حضرت امام مخالفت کردند از جمله منتظری! بعد از

رحلت امام، اکثر یاران امام با رهبری بیعت کردند و حامی نظام هستند. صدها مجتهد و انسانهای مخلص. ولی در این بین افرادی بودند

که از یاران امام بودند اما بعد از رحلت حضرت امام، به مخالفت با رهبری پرداختند. آقای موسوی خوئینی ها می گوید من زمان امام

هم ولایت فقیه را قبول نداشتم ولی از ابهت امام جرات مخالفت نداشتم! اینها کسانی هستند که مورد لعن خدا و پیامبر و امام زمان

هستند زیرا همانطور که دولت مصر و امثال آن که دولت یک کشور اسلامی است به جهان اسلام خیانت کرده و همراه اسرائیل

و آمریکا و جنایتکارها شده و حامی ظالم و علیه مظلومین فلسطین عمل می کند، افرادی در کشور ما هستند که این چنین هستند و همگام

با دشمن و حامی استکبار جهانی و دشمن ملت مظلوم ایران هستند که اینها همان ظلوما جهولا هستند که نتوانستند امانت الهی را پاس

بدارند. و این خسران و بدبختی است که کشاورز و بازاری و کارمند و بسیجی نیشابور و ورامین کفن پوش به تهران بروند و از ولایت

حمایت کند اما شخصیکه چند سال در کنار امام بوده ناگاه علیه ولایت توطئه نماید. راه اینها راه منافقین و شیاطین می باشد

اصلاح طلب ها مصداق ظلوما جهولا هستند! اینها بجای خدمت به نظام اسلامی، به استکبار جهانی خدمت می کنند و همواره تلاش

داشته اند چوب لای چرخ نظام اسلامی بگذارند

دولت خاتمی و دولت روحانی که اصلاح طلب بودند چقدر به اقتصاد کشور و از همه مهم تر به فرهنگ کشور عزیز ما ضربه

زدند. که حتما اینها در دادگاه الهی گرفتار خواهند شد و شهدا و امام عزیز از اینها نخواهند گذشت

ولایت فقیه

ولی فقیه در زمان غیبت امام عصر، جانشین حضرت بوده و اوامر و نواهی او همانند اوامر و نواهی امام معصوم علیه السلام است. و

هر که از او حمایت کند گویا امام معصوم علیه السلام را حمایت کرده و هر که با او مخالفت کند گویا با خدا و رسولش و امامان

علیهم السلام مخالفت نموده است.

25- امتحان با پدر و مادر

با اینکه قران روی احسان به والدین چقدر تاکید کرده و پیامبر خدا و اهل بیت گرامش بارها مردم را به نیکی به والدین توصیه کرده اند ولی می بینیم عده از فرزندان نمک شناسند و والدین را اذیت می کنند!

ازدواج باعث عاق والدین شد!

اقایی می گفت برادری دارم تهران زندگی می کند. همینکه ازدواج کرد ارتباطش را با پدر و مادر و ما قطع کرد. مادرم در حال مردن بود و می گفت میشود حسین بیاید و یکبار دیگر او را ببینم؟ و با این حسرت از دنیا رفت و برادرم برای تشییع جنازه مادر هم نیامد! این فرزند ناخلف! در قیامت به جهنم برده میشود حتی اگر تمام عمر عبادت کرده باشد. چون عاق والدین امرزیده نمیشود.

چهار سال است مادرم را ندیده ام!

اقایی می گفت چهار سال است مادرم را ندیده ام؟ گفتم مادرت جای دوری است؟ گفت نه در همین شهر است. گفتم پس مانع چیست؟ گفت زنم نمی گذارد بروم مادرم را ببینم! زنم گفته اگر به دیدار مادرت بروی من طلاق می گیرم!

پسر مادر را بیرون کرد!

مادری می گفت بعد از فوت شوهرم، پسرم گفت خانه را به اسم من کن من هم این کار را کردم حالا پسرم مرا از خانه بیرون کرده است!

از خانه سالمندان در شهری بازدید می کردیم

پیرزنی به من گفت. فرزندانم با اینکه در همین شهر هستند حاضر نیستند به من سرزنند. من از آنها پولی نمی خواهم فقط چند دقیقه ای پیش من باشند.

چرا این مومن چاقو به همراه داشت؟

مدتی بود یکی از نمازگران مسجد نمی آمد. به دیدار او در مغازه اش رفتم. موقع دیدار متوجه شدم چاقوی بزرگی با خود دارد! علت را پرسیدم. گفت بخاطر پسر هست! پسر قلدری دارم می اید و بزور از من پول میخواهد.

حق زن می خواهم!

پدر و پسری به ما مراجعه کردند و پدر گفت از مال دنیا، فقط یک خانه کوچک دارم. پسر می گوید خانه را بفروش و به من حق زن بده!

من به پسر گفتم ما چیزی بنام حق زن نداریم!

ولی پسر قبول نکرد و می گفت من حق زن می خواهم!

و مانند این نمونه، فراوان داریم که پسر باعث اذیت والدین می شوند در حالی که فرزند به هیچ وجه اجازه ندارد والدین خود را اذیت نماید. حتی اگر والدین، فرزند را اذیت کنند یا به او ظلم نمایند.

امام حسین (ع) به جوان تبسم نمود!

«یکی از اهل علم وقتی در کربلا بود و به حرم رفت و آمد می کرد، متوجه شد که جوانی با حضرت امام حسین (ع) ارتباط معنوی دارد. از او جریان را پرسید. جوان گفت خانه ما در چند فرسخی کربلا است. مدتی بود که هر شب جمعه بنوبت پدر و مادرم را به کربلا برای زیارت می آوردم. شب جمعه ای باران می آمد و بنا بود که پدرم را سوار الاغ کرده و به کربلا بیاورم. همینکه عازم شدیم، مادرم از من خواست که او را هم بیاوریم. با اصرار مادرم، او را بر کولم سوار کردم و پدرم سوار الاغ بود و در زیر باران، با زحمات زیادی به حرم مشرف شدیم. وقتی وارد صحن حضرت شدیم، دیدم که امام در ضریح ایستاده و بمن تبسم می کند. و این حالت هر شب جمعه تکرار می شود.»

از طرفی اذیت رساندن و حتی نگاه با خشم به پدر و مادر نمودن باعث خشم خداوند می شود. در روایت است که اگر با عصبانیت به والدین نگاه کنید حتی اگر آنها به او ظلم کرده باشند، باعث عدم قبولی نماز می شود.

«ابامهزم گوید که: شبی از حضرت باقر (ع) خدا حافظی کردم و با مادرم به منزلمان می رفتیم. در راه با مادرم دعوا مان شد و من به او تندی کردم. وقتی فردا خدمت امام رفتم ناگاه فرمود: ای ابامهزم! دیشب بین تو و مادرت چه گذشت؟ آیا او تو را در شکمش حمل نمود و از سینه اش تو را شیر نداد و تو را در دامنش بزرگ نمود؟ دیگر این عمل را تکرار نکن.» [بحار ج 74]

اذیت کردن والدین گاهی در همین دنیا مجازاتش ظاهر میشود.

جوان با نفرین پدر شل شد!

«روزی علی (ع) در حال طواف بود که صدای التجاء و مناجات و التماس جوانی را شنید و از گرفتاری او سؤال کرد. او گفت: من سالم بودم ولی آنقدر پدرم را اذیت نمودم که او مرا نفرین کرد و من فلج شدم. بعد از آن پدرم تصمیم داشت تا روزی به کنار کعبه بیاید، و برای شفایم دعا کند ولی قبل از این کار از دنیا رفت. حال من مانده ام این پاهای شل!

امام به او دعای مشلول را یاد دادند که آنرا بخواند. او این دعا را خواند و پیامبر را در خواب دید که حضرت دستی بر پاهای او کشید و او شفایافت. «مفاتیح الجنان»

جوان زبانش لال شد!

«روزی پیامبر بر بالین جوانی که در حال احتضار بود، حاضر شد. وقتی شهادتین را به او تلقین نمود، جوان نتوانست زبانش را به شهادتین باز کند و گویا لال شده بود. حضرت، مادرش را خواستند. و از مادرش پرسیدند که آیا از پسر ت راضی هستی؟ زن گفت: یا رسول الله! چهار سال است که باو حرف نزده‌ام!

پیامبر از او خواستند که از فرزندش راضی شود. او هم راضی شد و جوان زبانش باز گردید و شهادتین را جاری کرد و از دنیا رفت»
عاق والدین

«پیامبر (ص): بوی بهشت از مسیر پانصد سال راه بمشام می رسد ولی بمشام عاق والدین نمی رسد.»

قصری که ویران گردید!

«ملا علی کازرونی شبی در خواب دید که قصری با عظمت در باغی

قرار دارد. از صاحب قصر سؤال کرد. گفتند: مال فلان نجار شیرازی است. ناگاه صاعقه ای آمد و قصر را تبدیل به خاکستر کرد.

روز بعد ملا علی کازرونی سراغ نجار رفت و گفت: دیشب چه کار کردی؟ گفت: هیچ! ملاً او را قسم داد. نجار گفت: شب قبل با مادرم دعوا کردم و کار به زدن و کتک کاری کشید.» «داستانهای شگفت»

شهید در جهنم؟

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شد که حضرت موسی بن عمران به پروردگار عرض کرد که آن دوست من که شهید شد حالش چگونه است؟ خطاب رسید او در جهنم است. عرض کرد پروردگارا مگر شهید را وعده بهشت نداده‌ای؟ فرمود: چرا ولی او اصرار داشت به آزردن پدر و مادر و من عمل کسی را که بر پدر و مادر ستم روا دارد قبول نمی کنم.

26- آزمایش با شنیدن

1- «پیامبر اسلام (ص): غنا پله کان زنا است.»

2- «امام صادق (ع): خبیث ترین مخلوق خدا، غنا است. و بدترین مخلوق خدا غنا است که باعث فقر و نفاق می شود.»

3- «امام صادق (ع): خانه‌ای که در آن غنا باشد، از فاجعه ایمن نمی باشد و دعا در این خانه مستجاب نمی شود و ملائکه به این خانه وارد نمی گردند.»

4- «پیامبر (ص): کسیکه لهو را گوش دهد، خدا در گوشش تخم باطل می کارد»

5- «پیامبر (ص): روز قیامت صاحب طنبور در حالیکه صورتش سیاه و در دستش طنبوری از آتش است، محشور می شود»

6- «پیامبر (ص): روز قیامت، مغنی بصورت کور و کر و لال از قبر محشور می شود»

7- «پیامبر (ص): من شمارا نهی می کنم از زقن (رقص) و مزمار (نی) و کوبات (ساز و آواز) و کبرات (طبله های کوچک و بزرگ)»

8- «شخصی به امام صادق (ع) گفت: همسایه ای دارم که اهل غناست. وقتی من برای قضاء حاجت به دستشویی می روم، برای شنیدن از صدا های غنای همسایه، بیشتر می مانم! آیا این اشکال دارد؟

امام فرمود: نباید بیشتر بمانی که خدا فرموده است: همانا گوش و چشم و دل مورد سؤال واقع می شوند. «اسراء 36» او گفت: گویا تاکنون این آیه را نشنیده بودم و انشاء الله توبه می کنم!

امام فرمود: حال بلند شو و نماز بخوان که گناهت بزرگ است و اگر در چنین حالی اجلت رسیده بود، خیلی برایت بد بود»

9- «امام باقر (ع): غنا از آن کارهایی است که خداوند به انجام دهنده آن وعده آتش داده است»

10- «امام خمینی: از جمله چیزهایی که مغز جوانهارا تخدیر می کند، موسیقی است... انسان را از جدیت بیرون می برد. یک جوانی که عادت کرده روزی چند ساعت را با موسیقی سروکار داشته باشد، از مسائل جدی به کلی غافل می شود.»

صحیفه نور ج 8 ص 197 تا 201 - ج 9 ص 155

پرهیز کن از لهو از آنکه هرگز سرمایه نکرده است هیچ لاهی «ناصر خسرو

27- امتحان با زبان!

- هر کس از برادر مسلمان خود غیبت کند، روزه اش باطل شود و وضویش بشکند و اگر در آن حال بمیرد در حالی مرده است که حرام خدا را حلال شمرده است.

- هر که میان دو کس سخن چینی کند، خداوند در قیامت آتشی را بر او مسلط کند که تا روز قیامت وی را بسوزاند و آن گاه که از گورش بیرون آید خداوند از دهنایی سیاه بر او مسلط گرداند که پیوسته گوشت بدن او را بگزد تا وارد دوزخ شود.

- هر کس خشم خود را فرو خورد و از برادر مسلمان خود در گذرد و در برابر برادر مسلمان خود بردباری نشان دهد، خداوند متعال اجر یک شهید به او عطا فرماید.

- هر کس به تهیدستی زور بگوید یا بر او گردنکشی و بزرگی کند و حقیرش شمارد، خداوند در روز قیامت او را به اندازه مورچه امادر شکل آدمی محشور فرماید و به دوزخ رود.

- هر کس در مجلسی بشنود که از برادرش غیبت می شود و جلو آن را بگیرد، خداوند عز و جل هزار باب شر و بدی را در دنیا و آخرت از او بگرداند، اما اگر مانع غیبت او نشود و از این که از او غیبت کنند خوشش بیاید برای او نیز همانند گناه کسی باشد که غیبت کرده است.

- هر کس به مرد یا زن پاکدامنی تهمت زند، خداوند اعمال (نیک) او را باطل گرداند و روز قیامت هفتاد هزار فرشته از پیش رو و پشت سرش بر او تازیانه زنند و مارها و کژدم ها بدنش را بگزند و آن گاه امر شود او را به آتش برند.

«علی (ع): از کلام زشت و ناروا دوری کنید که باعث می شود که پستان و رذلان بشما نزدیک شده و افراد بزرگوار از شما بگریزند.»

«پیامبر (ص): فحش دادن به مؤمن مثل نزدیک شدن به مرگ است»
 «امام صادق (ع): شنید که مسلمانی به غلامش فحش داد. به این خاطر امام با او قطع رابطه کردند.»
 «امام صادق (ع): فحش دادن ظلم است و ظالم در آتش جهنم است»

«علی (ع): مسخرگی، تفریح سفیهان و کار نادانان است»

«پیامبر (ص): کسیکه مؤمنی را ذلیل کند و یا بخاطر فقرش او را تحقیر نماید، خداوند او را در کنار پل جهنم رسوا می سازد.»

«نقل شده که روزی مالک اشتر، سردار سپاه علی (ع) از بازار عبور می کرد. شخصی از بازاریان که او را نمی شناخت، برای مسخره کردن او، پوست خربزه ای به طرف مالک پرتاب کرد. اما مالک اعتنائی به او ننمود و براه خود ادامه داد. بازاریان به آن مرد خبر دادند که این فردیکه تو او را مسخره کردی، مالک اشتر سردار نظامی لشکر اسلام است. آن مرد هراسان شد و برای عذرخواهی بدنبال مالک رفت. او مالک را در مسجد یافت و عذرخواهی کرد. مالک گفت: من قصد نداشتم به مسجد بیایم. ولی وقتی این حرکت را از تو دیدم، به مسجد آمده و نماز خواندم و برایت دعا کردم تا خدا تو را بیامرزد.»

«پیامبر (ص): بدنبال لغزشهای مؤمنین نباشید که هر که بدنبال این مطلب باشد، خداوند عیبهای او را آشکار کند»

«علی (ع): از عیجویان دوری کنید که دوستانشان هم از آنها در امان نیستند.»

«امام صادق (ع): کسیکه اسرار ما را فاش کند، گویا ما را به قتل رسانده است»

«امام صادق (ع) در تفسیر آیه «پیامبران را به ناحق می کشند» فرمود: بخدا سوگند! پیامبران را با شمشیر نکشتند، بلکه اسرار آنان را فاش کردند و آنها کشته شدند.»

بعضی از حافظین اسرار «وقتی قیس بن مسهر، سفیر امام حسین (ع) برای مردم کوفه، توسط مأمورین دشمن محاصره شد، نامه امام را پاره کرد و خورد. وقتی او را دستگیر کردند، برای اینکه اسرار امام را فاش کند او را شکنجه کردند ولی او لب به سخن نگشود و عاقبت او را بشهادت رساندند.»

28- امتحان با چشم

کنترل چشم

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «النَّظَرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ نَگاه [به نامحرم] تیر زهرآلودی از تیرهای شیطان است.»

و در روایت دیگر فرمود

لِكُلِّ عَضْوٍ مِنْ بَنِي آدَمَ حَظٌّ مِنَ الزَّنى وَالْعَيْنُ زِنَاهُ النَّظَرُ وَاللِّسَانُ زِنَاهُ الْكَلَامُ وَالْأُذُنَانِ زِنَاهُمَا السَّمْعُ وَالْيَدَانِ زِنَاهُمَا الْبَطْشُ وَالرِّجْلَانِ زِنَاهُمَا الْمَشْيُ

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ تَرَوْنَ الْعَجَائِبَ

و امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ نَظَرَ إِلَى امْرَأَةٍ فَرَفَعَ بَصَرَهُ إِلَى السَّمَاءِ أَوْ غَمَضَ بَصَرَهُ لَمْ يَرْتَدْ إِلَيْهِ بَصَرُهُ حَتَّى يُزَوِّجَهُ اللَّهُ مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ

نَ السَّمْعِ وَالْبَصَرِ وَالْفَوَادِ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا؛ به راستی که درباره هر یک از گوش و چشم و قلب سوال می شود (اسراء، آیه 36).

: امام زین العابدین علیه السلام

«كُلُّ عَيْنٍ سَاهِرَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَ عَيُونٍ: عَيْنٌ سَهَرَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَعَيْنٌ فَاضَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ»
والبته چشمی که برای حسین بگرید

سید رضی و سید مرتضی نوجوان بودند که برای درس نزد شیخ مفید آمدند. شیخ فقط روز اول به آنها نگاه کرد و دیگر تا چند سال که به آنها درس می داد صورت آنها را ندید تا اینکه مادرشان روزی آمد و گفت شیخ! فرزندان من ریش و سیل درآورده اند! وقت ازدواجشان است. شیخ نگاه کرد دید اری اینها بزرگ شده و محاسن دارند

: حاج شیخ عبد الکریم حائری

آنقدر مراقب چشم خود بودم که حتی اگر در خواب هم نامحرم می دیدم در همان عالم رویاء هم چشمم را می بستم

آقا سید هاشم حداد می فرمودند: «من در تمام مدت سلوک در خدمت مرحوم آقا (قاضی) نامحرم نمی دیدم، چشمم به زن نامحرم نمی افتاد

یک روز مادرم به من گفت: عیال تو از خواهرش خیلی زیباتر است

من گفتم: من خواهرش را تا به حال ندیده ام، گفت: چطور ندیده ای در حالی که بیشتر از دو سال است که در اطاق ما می آید و می رود و غالباً بر سر یک سفره غذا می خوریم؟! به رسم اعراب که زنانشان حجاب درستی ندارند و در منزل غالباً همه با هم محشورند؛ در عین عصمت تام و عفت کامل. من گفتم: والله! که یک بار هم چشم من به او نیفتاده است!! و این عدم نظر نه از روی حفظ و خودداری چشم بوده است؛ طبعاً حالشان اینطور بوده است

نظیر این مطلب را مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس قوچانی از خودشان نقل کردند؛ البته در یک اربعین یا بیشتر، مرحوم قاضی دستوراتی برای ذکر و ورد و فکر به ایشان داده بودند که از جمله آثارش این بود که: هر وقت در کوچه و بازار که می رفتم چشمم به زن نامحرمی می افتاد، بدون اختیار پلکهایم به روی هم می آمد؛ و این مشهود بود که بدون اراده و اختیار من است

آیت الله مرعشی نجفی: هفتاد سال است که نگاه به نامحرم نکرده ام

عالم از او پرسید: چند دختر سرراه خود دیدی؟؟

جوانی از عالمی پرسید

من جوان هستم و نمی توانم نگاه خود را از نامحرم منع کنم؟

چاره ام چیست؟ □!؟

عالم کوزه ای پراز شیر به اودادوبه او توصیه کرد که کوزه را سالم به جایی ببرد و هیچ چیز از کوزه بیرون نریزد و از شخصی درخواست

!کرد او را همراهی کند و اگر شیر را ریخت؛ جلوی همه مردم او را کتک بزند

جوان کوزه را سالم به مقصد رساند و چیزی بیرون نریخت

عالم از او پرسید: چند دختر سرراه خود دیدی؟؟

!جوان جواب داد: هیچ! فقط به فکر آن بودم که شیر را نریزم که مبادا جلوی مردم کتک بخورم و خار و خفیف بشوم

عالم گفت این حکایت مومنی است که همیشه خدا را ناظر بر کارهایش می بیند

و از روز قیامت و حساب و کتابش که مبادا در نظر مردم خوار و خفیف شود بیم دارد!

«آمده است که جوان عربی در زمان پیامبر (ص) در کوچه مشاهده کرد که زن جوانی از روبرو می آید! این جوان شروع

به چشم چرانی به زن نمود بطوریکه حواسش پرت شد و متوجه استخوانی که در سوراخ دیوار فرو شده بود، نشد

و استخوان به گونه اش اصابت کرد و خون جاری شد! جوان با همین حالت نزد پیامبر بعنوان طیب الهی رفت

و ماجرای این حادثه را گفت. حضرت فرمود: همانا نگاه به نامحرم تیری از تیرهای شیطان است»

«روزی حضرت عیسی (ع) بایارانش برای دعای طلب باران از شهر خارج شدند. موقع دعا، عیسی (ع) گفت: هر که گناهی

مرتکب شده برگردد. همه بجز یک نفر باز گشتند. حضرت به او گفت: تو گناهی مرتکب نشده ای؟ گفت: خیر بجز اینکه

روزی در حال عبادت بودم که زنی از مقابلم عبور کرد و من ناخواسته بتماشای او مشغول شدم. ناگاه بخود آمدم و بخاطر

این کار زشتم، چشم خود را در آوردم و بطرفی که زن رفت بود، پرتاپ کردم!

حضرت فرمود: پس تو دعا کن تا من آمین گویم! او دعا کرد و عیسی (ع) آمین گفت و باران آمد.»

یکی از نشانه‌های پاکی چشم، دور ماندن چشم از نگاه‌های شهوانی است. لذا وقتی دختر شعیب (ع) نزد موسی (ع) آمد و گفت: پدرم تو را به خانه دعوت کرده و مرا فرستاده تا تو را راهنمایی کنم. موسی (ع) چند قدمی بدنبال دختر رفت و گفت: ما خاندانی هستیم که پشت سر زن نگاه نمی‌کنیم. پس من جلو می‌روم و تو از پشت سر بیا و هر کجا نیاز به راهنمایی شد، با انداختن سنگ علامت بده!

«ای رسول! به مردان مؤمن بگو چشم خود را بر حرام ببندند و عورت خود را از حرام حفظ کنند که این مسئله برای پاک پودنشان لازمتراست و به زنهای مؤمنه هم بگو که چشمهای خود را بر حرام ببندند و عورت خود را از حرام حفظ کنند...» نورآیه 30 و 31

«رسول خدا (ص): هیچ وسیله برای پاکی باندازه پاک بودن چشم و بستن آن بر روی حرام نیست. که هر که چشم خود را بر حرام بست، خدا به دلش توفیق مشاهده عظمت الهی را می‌دهد»

«رسول خدا (ص): هر که چشمش را از حرام پُر کند، خداوند روز قیامت چشمش را از آتش پر کند، مگر اینکه توبه کند و دیگر عمل حرام را انجام ندهد.»

«در روایت است که هر که به نامحرمی برخورد و برای رضای الهی، چشم خود را از او برگرفت و دیگر نگاه نکرد، اگر مرد باشد در همان ساعت، حورالعینی باز دو جاش در می‌آورند و اگر بر این صفت خوب مداومت کند، خداوند شیرینی مناجاتش را به او می‌چشاند و ملکوت خود را بردلش باز می‌کند.»

29- امتحان با لقمه حلال

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

یعنی ای مردم غذای حلال و پاکیزه زمین را بخورید و از گامهای شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست

عبادت هفتاد جزء است که بهترین جزء آن طلب روزی حلال است

هر کس لقمه حلال بخورد، فرشته ای بالای سر او می‌ایستد و برای او طلب مغفرت می‌نماید تا زمانی که از خوردن دست بکشد

هر کس غذای حلال بخورد خداوند قلب او را تا چهل روز نورانی می‌گرداند

فلینظر الانسان الى طعامه.... لقمه حرام انسان را زیر و رو می‌کند.... لقمه حرام انسان را پیامبر کش می‌کند امام گش می‌کند.... اثار لقمه حلال در سلامت روح و جسم خانواده و تربیت فرزندان..... و اگر از غذای

نجس و آلوده و حرام استفاده شود، اثر منفی بر معنویات انسان می‌گذارد. حتی تا هفت نسل اثر لقمه حرام باقی ماند! خیلی مواظب باشیم که ابدا لقمه حرام نخوریم
در نهمین فراز دعای امام عصر (عج) چنین می‌خوانیم: «وَطَهَّرْ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشَّبَهَةِ؛ خدایا! اندرون ما را از ~ غذاهای حرام و شبهه ناک پاک کن

لقمان در نصیحت به پسرش می‌گوید: من در راستای طول عمر و سفرهای خود با چهارصد پیامبر (ص) ملاقات کردم، به نصایح و اندرزهای آنها گوش فرا دادم، و از میان آن همه پندهای آنها چهار موعظه را گزینش نمودم، یکی از آنها این است: «هرگاه کنار سفره غذا نشستی، مراقب حلق خود باش که غذای حرام نخوری

! لقمه حرام عابد را بدبخت کرد

در تاریخ آمده مهدی عباسی (سومین خلیفه بنی عباس) نیاز به قاضی داشت، شخصی به نام شریک که عابد و زاهد بود را به حضور طلبید، و منصب قضاوت را به او پیشنهاد کرد او ابتدا قبول نکرد ولی بعد که غذای خلیفه را خورد قبول کرد و عاقبت به شر شد.

اثر لقمه حرام: لقمه حرام نماز را باطل می‌کند! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً حَرَامًا لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةُ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً؛ وَ لَمْ تُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا وَ كُلُّ لَحْمٍ يُنْبِتُهُ الْحَرَامُ فَالْنَارُ أَوْلَى بِهِ» نماز کسی که لقمه‌اش حرام است تا چهل روز از ارزش چندانی برخوردار نیست؛ و تا چهل روز دعای او مستجاب نمی‌گردد و هر مقدار از بدن که پرورش یافته لقمه حرام باشد سزاوار آتش و سوختن است
: سنگدلی و قساوت قلب

سنگدلی و قساوت قلب، یکی دیگر از آثار شومی است که بر اثر مال و لقمه حرام، وجود انسان را فرا می‌گیرد و او را در ورطه شقاوت و بدبختی گرفتار می‌کند. روایتی وجود دارد که اگر آن را در کنار این روایت قرار دهیم نتیجه‌ای حاصل می‌شود که آن را حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در کربلا و در تحلیل جنایات کوفیان بیان فرمودند (فَقَدْ مَلِئْتُ بَطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَ طَبِحَ عَلَى قُلُوبِكُمْ) و امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبٍ قَاسٍ» خداوند متعال دعایی را که از قلبی سخت و بی رحم برخاسته باشد اجابت نمی‌کند

حرام خواری.

- پیامبر خدا (ص): هر کس یک لقمه حرام بخورد نماز چهل شبش پذیرفته نشود.
- خدای عز و جل بهشت را بر بدنی که از مال حرام تغذیه شود حرام کرده است.
- کسی که گوشتش از حرام بروید، به بهشت نمی‌رود آتش به او سزاوارتر است.
- هرگاه لقمه حرام به اندرون بنده وارد شود، تمام فرشتگان آسمانها و زمین او را نفرین کنند.

- عبادت کردن با وجود حرام خواری مانند ساختن بنایی است بر روی شن ((و به قولی : بر روی آب)).
- امام علی (ع) : بد خوراکی است خوراک حرام.
- امام باقر (ع) : هرگاه انسان مالی از حرام به دست آورد نه حجتی از او پذیرفته شود ، نه عمره‌ای و نه صله رحمی و حتی در ازدواج و زناشویی او تاثیر سوء می‌گذارد.
- پیامبر خدا (ص) : دور افکندن یک دانگ ((۴)) حرام، نزد خدا برابر است با هفتاد هزار حج پاک و پذیرفته.
- امام صادق (ع) درباره آیه ((و به اعمالی که کرده‌اند پردازیم و همه را چون ذرات خاک بر باد دهیم)) فرمود : به خدا سوگند گرچه اعمالشان سفیدتر از کتان مصری بود اما چنان بودند که هرگاه با حرامی روبه می‌شدند آن را فرو نمی‌گذاشتند.
- پیامبر خدا (ص) : رها کردن یک دانگ حرام نزد خدای تعالی، دوست داشتنی‌تر است از صد حج که از مال حلال صورت گیرد.
- فرو گذاشتن یک لقمه حرام، نزد خدا محبوبتر است از خواندن هزار رکعت نماز مستحبی.
- امام علی (ع) : خرمایی از نامرغوبترین نوع آن تناول کرد و روی آن آب نوشید و دستی به شکمش زد و فرمود : هرکس آتش وارد شکم خود کند خداوند او را (از رحمت خود) دور سازد.
- امام کاظم (ع) : اهل صفة میهمان رسول خدا (ص) بودند آنها خان و مان خود را رها کرده به مدینه هجرت کرده بودند پیامبر خدا (ص) آنان را که چهل مرد بودند در صفة مسجد اسکان داد آن حضرت هر صبح و شام نزد ایشان می‌رفت و بر آنان سلام می‌داد روزی بر صفة نشینان وارد شد، دید یکی کفش خود را پینه می‌کند ، دیگری لباسش را وصله می‌زند و عده‌ای هم جامه‌های خود را از شپش پاک می‌کنند پیامبر خدا (ص) هر روز یک مد (تقریباً یک چارک) خرما به آنها می‌داد مردی از میان آنها برخاست و عرض کرد : ای رسول خدا ! خرمایی که به ما می‌دهی معده‌های ما را سوزاند پیامبر (ص) فرمود : بدانید که اگر می‌توانستم دنیا را خوراک شما کنم این کار را می‌کردم اما کسانی از شما که پس از من زنده بمانند صبح و شام غذای سیر خواهند خورد هر کدام صبح یک پیراهن خواهید پوشید و شب پیراهنی دیگر و خانه‌هایتان را ، همانند کعبه ، برافراشته و آراسته خواهید کرد.
- مردی برخاست و گفت : ای رسول خدا ! من مشتاق چنان روزی هستم ! کی فرا خواهید رسید؟.
- فرمود : این زمان شما بهتر از آن زمان است شما اگر شکمهای خود را از حلال پر کنید هیچ بعید نیست که از حرام نیز آن را پر نمایید.
- ثواب کسی که توانایی ارتکاب حرام را داشته باشد و آن را انجام ندهد.
- پیامبر خدا (ص) : هرکس این امکان برایش پیش آید که با زن یا کنیزی به حرام نزدیکی کند اما از ترس خدا دست به این کار نزند، خداوند عز و جل آتش را بر او حرام گرداند و او را از آن هراس بزرگ ایمن دارد و به بهشتش برد.
- هر مردی بتواند کار حرامی انجام دهد و آن را فقط به خاطر ترس از خدا فرو گذارد خداوند ، یش از آخرت ، در همین دنیا بهتر از آن را به وی عوض دهد.
- هر کس ربا خورد خداوند به اندازه ربایی که خورده است شکم او را از آتش دوزخ پر کند و چنانچه از مال ربوی ثروتی به دست آورد خداوند متعال هیچ عمل نیکی را که از آن مال انجام دهد نخواهد پذیرفت و تا زمانی که قیراطی از آن مال نزد او باقی است همواره مورد لعنت خدا و فرشتگان باشد.

- هر کس در دنیا به امانتی خیانت کند و آن را به صاحبش برنگرداند، بر غیر آیین اسلام خواهد مرد و خدای عزوجل را در حالی دیدار کند که بر او خشمگین است و آن گاه امر شود او را به دوزخ برند و برای ابد الابد در گوشه‌ای از جهنم ببندازند.

مرگ سخت تاجر!

یکی از طلاب قم بنام سید مهدی کشفی می گوید: یکشب برای نماز شب بلند شدم و خواستم که آفتابه را بردارم ناگاله دیدم خانه ما که پنجاه، شصت متر بیشتر نبود خیلی بزرگ است و بصورت کاروانسرای خیلی بزرگی است که حجره‌های فراوانی دارد! ناگاه از یکی از حجره‌ها صدای دلخراشی شنیدم. وقتی بطرف آنجا رفتم دیدم که در حجره یک نفر را خوابانده و سنگی به بزرگی اتاقی روی سینه‌اش گذاشته اند و یک نفر هم بالای سنگ خوابیده و یک میله آهنی در دست دارد که آن را توی گلوی این شخص فشار می دهد. من هر چه کردم در را باز کنم تا کمک او بروم نشد. آن شخص را می شناختم از تجار تهران بود. مایوس برگشتم و بعد از چند ساعت خدمت آیه الله میرزا جواد ملکی تبریزی رفت و ما چرا را تعریف کرد. ایشان گفت آن کسی که دیدی در حال جان کندن بوده و آن سنگ هم تعلق به دنیایش است و آنی هم که روی سنگ میله در دست داشته ملک الموت بوده است. بعد از چند روز خبر فوت آن تاجر رسید که مطابق بود با تاریخی که من آن صحنه را در خانه دیدم.

۳۰- امتحان با هوس

خطر هوی و هوس.

قرآن:.

((نه، (این چنین نیست) بلکه کسانی که ستم کرده‌اند، بدون هیچ گونه دانشی هوس‌ها خود را پیروی کرده‌اند پس آن کس را که خدا گمراه کرده، چه کسی هدایت می‌کند؟ و برای آنان یاورانی نخواهد بود)).

((آیا کسی که بر حجتی از جانب پروردگار خویش است، چون کسی است که بدی کردارش برای او زیبا جلوه داده شده و هوس‌های خود را پیروی کرده‌اند)).

- امام علی (ع): هوس، شالوده محنت‌هاست.

- فرمانبری از نفس و پیروی از هوس‌های آن، شالوده هر رنج و سرچشمه هر گمراهی است.

- هوس، مرکب فتنه است.

- در حقیقت نقطه آغاز فتنه‌ها پیروی از هوس‌ها و بدعت نهادن احکامی است که.

- هوس، فرو افتادن در پست‌ترین پستی‌هاست.

- پیامبر خدا (ص): هوا را بدان سبب هوا نامیده‌اند که صاحب خود را فرو می‌افکند.

- امام علی(ع): هوس، بزرگترین دشمن است.
- در پاسخ به این سؤال که چیره‌ترین و نیرومندترین سلاطین کیست، فرمود: هوس.
- هوس، همدمی مهلک است.
- هوس، جهالت جوانی است.
- هوس، (انسان را) به نابودی می‌افکند.
- پیامبر خدا(ص): از هوا و هوس به خداپناه برید.
- امام علی(ع): آفت خرد، هوس است.
- مهلک‌ترین چیز، هوس است.
- پیامبر خدا(ص): ابلیس گفت: من باگناهان آنان را به هلاکت افکندم و آنان با استغفار مرا هلاک کردند پس، چون چنین دیدم، آنان را به واسطه هوس‌ها به هلاکت انداختم، زیرا (در این صورت) خیال می‌کنند رهیافته‌اند و از این رو دیگر استغفار نمی‌کنند.
- آزار خود را از نفست باز دار و در معصیت خدا از هوس‌های آن پیروی مکن، زیرا در این صورت، روز قیامت نفس تو با تو به‌مخاصمه برمی‌خیزد و یکدیگر را لعن و نفرین می‌کنید، مگر این که خداوند متعال به رحمت خود بیمارزد و پرده پوشی کند.
- خطر شهوت‌ها.
- قرآن:
- ((آن گاه، پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساختند و از شهوت‌ها پیروی کردند و به زودی گمراهی را خواهند دید)).
- ((و خدا می‌خواهد تا بر شما ببخشد و کسانی که از شهوت‌ها پیروی می‌کنند، می‌خواهند شما دستخوش انحرافی بزرگ شوید)).
- امام علی(ع): شهوت‌ها، زهرهایی کشنده‌اند.
- شهوت‌ها دامهای شیطان است.
- شهوت یکی از دو گمراه کننده‌است.
- از شهوت‌ها دور شوید، زیرا که شهوت‌ها شما را به سوی ارتکاب گناهان و هجوم آوردن به سوی بدی‌ها می‌کشانند.
- شهوت‌ها آفت‌اند.
- هر که به سوی شهوت‌ها بشتابد، آفت‌ها به سویش بشتابند.
- نفس خود را از شهوت‌ها باز دار تا از آفت‌ها سالم مانی.
- در شهوت و خشم خود از حد تجاوز مکن، که تو را بدنام می‌کنند.
- شیرینی شهوت را، ننگ رسوایی منغص می‌کند.
- از اندرزهای خداوند متعال به عیسی(ع): ای عیسی، زنه‌ار در حال بیداری گناه مکن و در گناه هشیاری غافل مباش و (کودک) نفس خود را (از شیر) شهوت‌های هلاکت‌بار بازگیر و از هر شهوتی که تو را از من دور می‌کند، دور شو.
- امام علی(ع): بدانید که هیچ طاعتی از طاعت‌های خداوند نیست، مگر این که به جا آوردنش ناخوشایند است و هیچ معصیتی از معاصی او نیست، جز این که به جا آوردنش خوشایند و با شهوت همراه است.
- بهشت به امور ناخوشایند در پیچیده شده است و دوزخ به شهوت‌ها.

خطر لذت‌ها.

- امام علی(ع): لذت‌ها تباه کننده‌اند.
- لذت، باعث غفلت (از یاد خدا و آخرت) است.
- سرآمد آفت‌ها، شیفتگی به لذت‌هاست.
- کمتر پیش می‌آید که کسی آزمند لذت‌ها شود و به واسطه آن‌ها نابود نشود.
- به اندازه هر لذتی، اندوهی است.
- بسا لذتی، که در آن مرگ است.
- هر که از معصیت‌های خدا لذت برد، خداوند او را خوار گرداند.
- خدایی است که پرستیده می‌شود.
- قرآن: ((آیا آن کس که هوای خود را معبود خویش گرفته است دیدی؟ آیا (می‌توانی) ضامن او باشی؟)).
- ((پس، آیا دیدی کسی را که هوای خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او دلش مهر زده و بر دیده‌اش پرده نهاده است؟ آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی‌گیری؟)).
- امام علی(ع): هوا، خدایی پرستیده‌است خرد دوستی پسندیده است.
- پیامبر خدا(ص): در زیر این آسمان هیچ معبودی که به جای خداوند پرستیده شود، نزد خدا منفورتر از هوای نفس نیست.
- امام علی(ع): نادان، بنده شهوت خویش است.
- هوس دیده بصیرت را کور می‌کند.
- قرآن: ((ای داود، ما تو را در زمین خلیفه (و جانشین) قرار دادیم پس میان مردم به حق داوری کن و از هوس پیروی مکن، که تو را از راه خدا منحرف می‌سازد (و) کسانی که از راه خدا منحرف می‌شوند، به سزای آن که روز حساب را فراموش کرده‌اند، عذابی سخت خواهند داشت)).
- امام علی(ع): شما را به دوری گزیدن از هوس سفارش می‌کنم، زیرا هوس به کوری فرا می‌خواند و آن (باعث) گمراهی در آخرت و دنیا است.
- هوس، شریک کوری است.
- اگر از هوس خود پیروی کنی تو را کور و کور می‌کند و آخرت را تباه می‌گرداند و تو را به نابودی می‌افکند.
- اگر هوس را بر خود فرمانروا کنی، شما را کور و کور می‌سازد و نابودتان می‌گرداند.
- هر که از هوس خود پیروی کند، هوس او را کور و کور و خوار و گمراه می‌سازد.
- ای بندگان خدا، از محبوب‌ترین بندگان خدا نزد او بنده‌ای است که خداوند او را در برابر نفسش یاری کرده است جامه‌های شهوت‌ها را برکنده و (جانش) از هر خواسته‌ای تهی گشته، مگر یک خواسته که خود را وقف آن کرده است بدین سبب از کوری (باطنی) و مشارکت با هوسرانان بیرون آمده است.
- آغاز و فرجام هوس.
- امام علی(ع): مبادا هوس بر شما چیره آید، زیرا که آغاز آن فتنه (و گمراهی) است و فرجامش رنج.

- آغاز شهوت، سرمستی است و فرجامش نابودی.
- زنهار از چیره آمدن شهوت‌ها بر دل‌هایتان، زیرا که آغاز آن‌ها بندگی است و انجامشان نابودی.
- کسی که همدم شهوت باشد جان‌ش پیوسته بیمار است.
- امام علی (ع): کسی که همدم شهوت باشد، جان‌ش بیمار و خردش علیل است.
- کسی که شهوت خود را با ترک آن درمان نکند، پیوسته بیمار باشد.
- شهوت‌ها بیماری‌هایی کشنده‌اند و بهترین داروی آن‌ها، پایداری در برابر آن‌هاست.
- فرمانبری از شهوت بدترین درداست.
- پرهیز از بندگی شهوت.
- امام علی (ع): شهوت‌ها، نادان را به بندگی می‌کشند.
- بنده شهوت، خوارتر از بنده زرخرد است.
- هر که شهوت اختیاردار او شد و طمع‌ها به بندگی‌اش کشید، خود را بدنام کرد.
- بنده شهوت، اسیری است که از اسارت رها نمی‌شود.
- بسا خردی که در پنجه هوس فرمانروا، اسیر است!
- پرهیز از شهوت‌های نهانی.
- پیامبر خدا (ص): از شهوت نهانی بپرهیزید، (مانند این که) عالم دوست داشته باشد در مجلس او بنشینند (او جلوس کند و مردم به حضورش رسند).
- امام علی (ع): بار خدایا، اشاره‌های نیم‌نگاه‌ها و بیهوده‌گویی‌ها و شهوت‌های دل‌ولغزش‌های زبان مرا بر من بیخشای.
- پیروی از هوس.
- قرآن: ((و خبر آن کس را که آیات خود را به او داده بودیم برای آنان بخوان، که از آن عاری گشت و آن گاه شیطان او را دنبال کرد و از گمراهان شد و اگر می‌خواستیم، قدر او را به وسیله آن (آیات) بالا می‌بردیم، اما او به زمین (دنیا) گرایید و از هوس خود پیروی کرد از این رو داستانش چون داستان سگ است که اگر بر او حمله‌ور شوی زبان از کام برآورد و اگر رهایش کنی (باز هم) زبان از کام برآورد این، مثل آن گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند پس، این داستان را حکایت کن، شاید که آنان بیندیشند)).
- امام علی (ع): هر که از نفس خود در شهوت‌هایش فرمان برد، او را در راه هلاکتش کمک کرده است.
- هر که از هوس خود فرمان برد، آخرت خویش را به دنیایش فروخته است.
- زنهار از فرمانبری هوس، زیرا این کار تو را به سوی هر رنج و محنتی می‌کشاند.
- امام رضا (ع): زنهار از بلندی که بالا رفتن از آن دشوار و پایین آمدنش سخت و وحشتناک است و مبادا که از هوای نفس پیروی کنی، زیرا در هوای نفس نابودی آن نهفته است.
- امام کاظم (ع) - به عبدالرحمن بن حجاج - از بلندی که بالا رفتن از آن آسان و پایین آمدنش دشوار است، بپرهیز.
- (عبدالرحمن) گفت: و حضرت صادق (ع) می‌فرمود: نفس را با هوسش وامگذار، زیرا هوای نفس باعث هلاکت آن است و رها کردن نفس با آن چه هوس می‌کند، برای آن مایه درد و رنج است و بازداشتن نفس از آن چه هوس می‌کند درمان آن می‌باشد.

- امام علی(ع): این نفس‌ها را سرکوب کنید، زیرا که نفس‌ها گرایش شدید به شهوت‌های خود دارند، اگر از آن‌ها اطاعت کنید، شما را به سوی بدترین فرجام منحرف می‌کنند.
- امام صادق(ع): همان گونه که از دشمنان خود حذر می‌کنید، از هوس‌هایتان حذر کنید، زیرا برای مردان دشمنی بدتر از پیروی از هوس‌هایشان و درویده‌های زبان‌هایشان (سخنان بیهوده و یاوه) نیست.
- پیامبر خدا(ص): چه بسیار شهوتی که ساعتی بیش نپاید، اما اندوهی طولانی در پی آورد.
- امام علی(ع): بسا شهوتی که ساعتی بیش نپاید، اما اندوهی دراز در پی آورد.
- مخالفت با هوای نفس.
- قرآن:.
- ((و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید و نفس خود را از هوس بازداشت پس، جایگاه او همان بهشت است)).
- امام علی(ع): مخالفت کردن با هوس، شفاعت خرد است.
- هر که با هوس خود مخالفت کند، از دانش فرمان برده است.
- نگهداری از خرد، در گرو مخالفت با هوس و روی برتافتن از دنیا است.
- مخالفت با هوس، در راس دین است.
- اساس دین، مخالفت با هوای نفس است.
- مبارزه با هوس، در راس خرد است.
- با هوس مخالفت کن، تا به سلامت مانی.
- با نفس خود مخالفت کن، تا در راه راست قرارگیری.
- امام صادق(ع) - در پاسخ به این پرسش که راه آسایش در چیست - : در مخالفت با هوس عرض شد: پس، بنده کی به آسایش دست می‌یابد؟ فرمود: در نخستین روزی که به بهشت می‌رود.
- امام علی(ع): از خرد راهنمایی بخواه و با هوس ناسازگاری کن تا کامیاب شوی.
- بازداشتن نفس از هوس، جهاد اکبر است.
- پیامبر خدا(ص): خوشا به حال کسی که شهوت نقد را به خاطر وعده‌ای که آن را ندیده است رها کند.
- امام علی(ع): خدا رحمت کند انسانی را که از شهوت خود باز ایستد و هوای نفسش را سرکوب کند، زیرا که این نفس خیلی دیر (از شهوت و نافرمانی) باز می‌ایستد و همواره مشتاق نافرمانی و هوس است.
- در وصف برادری دینی که داشت - : و هرگاه ناگهان در برابر دو عمل قرار می‌گرفت، نگاه می‌کرد کدام یک به هوای نفس نزدیکتر است، با همان مخالفت می‌کرد.
- خردمند کسی است که شهوت خود را بمیراند.
- در وصف پرهیزگاران، می‌فرماید: شهوت در وجود او مرده است.
- برترین مردم در پیشگاه خداوند، کسی است که خردش را زنده کند و شهوت خود را بمیراند و برای آباد کردن آخرتش نفس خود را به رنج افکند.
- در وصف رهرو راه خدای سبحان - : خرد خویش را زنده کرده و نفسش را میرانده است، چندان که پیکر درشت و سستبر او لاغر و نزار گشته است.
- چگونه به حقیقت زهد رسد، کسی که شهوت خود را نمیرانده است؟.

- امام سجاده (ع) در دعا : خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که در شهوت را به روی دل هایشان بستند و خود را از غفلت رهانیدند و تلخی زندگی را به کام خود شیرین کردند و زمین را بستر نرم خود ساختند و به ریسمان نجات و دستگیره سلامت دست یازیدند.
- در مناجات : خدایا، دل و زبانم از آن توست و رهایی و امانم به دست توست و تویی دانا به نهان و آشکار من پس صفحه دلم را از دشمنی و کینه پاک ساز و زبانم را از زشتگویی خاموش گردان و نهادم را از تعلقات هوس های پیرای و مرا با امان خود از گزندها و ناملایمات حفظ کن و درون مرا بر مراقبت از خودت بگمار و بیرونم را با فرمانبری از خودت سازگار نما و مرا پیکری روحانی و دلی آسمانی و همتی پیوسته به خودت عطا فرما.
- جنگیدن با هوای نفس.
- امام علی (ع): با شهوت ضدیت کنید، همچون ضدیت دو ضد با هم و با آن بجنگید، همانند جنگیدن دو دشمن با یکدیگر.
- بر هوس چنان چیره جویی کن، که خصم برای چیره آمدن بر خصمش می کند و با آن چنان بجنگ، که دشمن با دشمن خود می جنگد.
- خردمند وظیفه دارد که هوس خود را پیش از دشمن خود، مقهور سازد.
- با نفس های خود بر سر ترک عادت ها بستیزید تا بر آن ها چیره آید و با هوس های خود مبارزه کنید، تا بر آن ها تسلط یابید.
- خدا رحمت کند انسانی را که بر هوای نفس خود چیره آمد و آرزوی خویش را دروغ شمرد.
- خدا رحمت کند انسانی را که بر هوس خود چیره آمد و از دام های دنیا گریخت.
- بر هوس های خود چیره آید و از با آن ها بجنگید، زیرا اگر شما را به بند کشند به بدترین مهلکه تان می اندازند.
- بر شهوت خود، پیش از آن که ولع آن قدرت گیرد، چیره آی، زیرا اگر قدرت گیرد، بر تو مسلط شود و تو را به دنبال خود بکشد و نتوانی در برابرش ایستادگی کنی.
- رستگاری در مخالفت با شهوت است.
- امام علی (ع): با پشت کردن به نفس خود، به آن روی آور.
- خدمت کردن به نفس با نگهداشتن آن از لذت هاست و پروردن آن با دانش ها و حکمت ها و کار کشیدن از آن به عبادت ها و طاعت هاست و این کارها باعث نجات نفس است.
- هر که شهوت خود را بر آورده نسازد، به رستگاری خود دست یافته است.
- رستگاری، در مخالفت با شهوت است.
- رستگاری نفس، در مخالفت کردن با آن است.
- امام کاظم (ع): هرگاه دو کار برای پیش آمد که ندانستی کدام یک بهتر و درست تر است، بنگر که کدام یک از آن ها به هوس تو نزدیکتر است، با همان مخالفت کن، زیرا در مخالفت کردن با هوای نفست صواب بسیار نهفته است.
- چیره آمدن هوس بر خرد.
- امام علی (ع): هر که هوای نفسش نیرومند شود، اراده اش سست گردد.
- چیره آمدن هوس، دین و خرد را تباه می کند.
- علت شر و بدی، چیره آمدن خواهش های نفسانی است.

- هر که زمام خود را به دست هوس سپارد، شیطان بر او مسلط گردد.
- هر که شهوتش بر او چیره آید، نفسش سالم نماند.
- رستگان از آتش اندکند، چون هوس و گمراهی غلبه دارد.
- پیامبر خدا(ص): بر هر دلی که شیفته شهوتها باشد، حرام است که پارسایی در آن منزل کند.
- امام علی(ع): بر هر خردی که بسته به زنجیر شهوت باشد، حرام است که از حکمت بهره مند شود.
- پیامبر خدا(ص): بر هر دلی که به شهوتها آرام گرفته باشد، حرام است که در ملکوت آسمانها گردش کند.
- امام علی(ع): هر که هوس او بر خردش چیره آید، رسوا شود.
- کسی که فرمانبر شهوت خویش باشد، هوس بر او پیروز شود.
- چیره آمدن شهوت، مصونیت از گناه را از بین می برد و به هلاکت می افکند.
- برافروخته شدن شهوت، باعث تلف شدن جان می شود.
- زنه از حاکم شدن شهوتها بر شما، زیرا حال آنها (یا در دنیا) نکوهیده است و آینده شان (یا در آخرت) وخیم.
- پرهیزگاری را چیزی جز چیره آمدن شهوت، تباه نمی سازد.
- شوربخت ترین مردم، کسی است که هوسش بر او چیره آید و در نتیجه دنیایش بر او مسلط شود و آخرت خود را تباه سازد.
- درباره بعثت پیامبر(ص) - : خداوند در روزگاری او را برانگیخت که مردم گمراه و سرگردان بودند و در فتنه و فساد دست و پامی زدند هوسها آنان را دلباخته خود کرده و از راه به درشان برده بود.
- پیامبر خدا(ص): خداوند عزوجل می فرماید: به عزت و جلالم سوگند هیچ بنده ای دلخواه خود را بر دلخواه من مقدم ندارد، مگر این که کار او را پریشان سازم و دنیایش را بر وی نابسامان کنم و دلش را به آن مشغول گردانم و از دنیا به او ندهم، مگر همان چه برایش مقدر کرده ام.
- چیره آمدن خرد بر هوس.
- امام علی(ع): بردباری پرده ای پوشان است و خرد شمشیری بران پس عیبهای خود را با بردباری بپوشان و با خرد خود به جنگ هوست برو.
- رستگار شد، آن که بر هوس خویش چیره گشت و انگیزه های نفسانی اش را مهار کرد.
- هر که دوستدار رسیدن به درجات بلند است، باید بر هوس خویش چیره آید.
- امام باقر(ع): با راهنمایی عقل، خودت را از خطر هوس نگه دار و در هنگام چیرگی هوای نفس بارهجویی از دانش، ایستادگی کن.
- امام علی(ع): بنده هرگز حقیقت ایمان را کامل نگرداند، مگر آن گاه که دینش را بر هوس خود ترجیح دهد و هرگز به هلاکت نیفتد، مگر آن گاه که شهوت خود را بر دینش برگزیند.
- پس، ای بندگان خدا، بر حذر باشید، همچون حذر کردن کسی که بر نفس خویش چیره است و شهوت خود را جلوگیری است و با دیده خردش می نگرد.
- ولیکن، هیئات که هوا و هوس من بر من چیره آید و آزمندی و طمع مرا به برگزیدن غذاهای لذیذ بکشانند.
- ای بندگان خدا، از محبوبترین بندگان خداوند در پیشگاه او کسی است که خدا او را در برابر

نفسش یاری رساند او از معدن های دین خدا و پایه های استوار زمین است، خویشتن را ملزم به پیروی از عدالت کرده و نخستین گام عدل او، زدودن هوا و هوس از نفس خود است. قویترین مردم کسی است که بر هوس خود پیروز شود.

- امام علی (ع): هر که بر نفس خود زور شود، به اوج زورمندی رسیده است.

- پیامبر خدا (ص): شجاعترین مردم، کسی است که بر هوس خود چیره آید.

- سلیمان (ع): کسی که بر هوس خود پیروز شود، نیرومندتر از کسی است که به تنهایی شهری را فتح کند.

- امام علی (ع): زورمندترین مردم، کسی است که با دانش خود بر هوای نفسش زور شود.

- پیامبر خدا (ص): پهلوان کسی نیست که بر مردم زور شود، بلکه پهلوان کسی است که بر نفس خود زور شود.

- به عده ای برخورد کرد که در میان آنان مردی در حال بلند کردن سنگی به نام سنگ پهلوانان بود و مردم از (نیروی) او تعجب می کردند پیامبر (ص) فرمود: آیا به شما بگویم پهلوانتر از این مرد کیست، مردی که دیگری او را دشنام دهد و او بردباری ورزد و بر نفس خود چیره آید و بر شیطان خود و شیطان او غلبه کند.

آن چه که شهوت را ناتوان می کند.

- امام علی (ع): هر چه حکمت (و خرد) قویتر گردد، شهوت ناتوانتر می شود.

- کسی که خردش کامل باشد، شهوت ها را خوار شمارد.

- هرگاه توانایی (در رسیدن به چیزی) زیاد شود، شهوت (به آن) کاستی گیرد.

- هرگاه خرد کمال پذیرد، شهوت، کاستی گیرد.

- خویشنداری، شهوت را ناتوان می کند.

- هر که خویشتن را ارج نهد، شهوت هایش در نظر او بی ارج گردد.

- پس، ای بندگان خدا، از خدا پروا کنید، همچون پروای خردمندی که اندیشیدن (درباره مبدا و

معاد) دل او را مشغول ساخته و زهد به دنیا جلو شهوت هایش را گرفته است.

- خداوند متعال به موسی (ع) وحی فرمود: به یاد داشته باش، که تو ساکن قبر خواهی بود این یادآوری تو را از بسیاری شهوت هاباز می دارد.

- امام علی (ع): هر که سرای ماندگار را دوست داشته باشد، لذت ها را از یاد برد.

- هر که مشتاق بهشت باشد، از شهوت ها چشم پوشد.

- همواره به یاد داشته باش که هر لذتی به سر می آید و هر نعمتی از کف می رود و هر گرفتاری و

بلایی برطرف می شود، زیرا این یادآوری در پایداری نعمت و زدودن شهوت و از بین بردن

گردنکشی مؤثرتر است و به گشایش نزدیکتر و در برطرف ساختن غم و اندوه و رسیدن به آرزو

سزاوارتر می باشد.

آن چه خرد را تقویت می کند.

- امام علی (ع): با سرکوب کردن نفس در برابر آن ایستادگی کن، تا پیروزی شوی.

- در سفارش به شریح بن هانی هنگامی که او را سالار سپاه اعزامی خود به سوی شام کرد، فرمود:

بدان که اگر از ترس مواجه شدن با امری ناخوشایند، نفس خود را از بسیاری از آن چه دوست

می دارد باز نداری، هوس هاتو را به سوی زیان های فراوانی کشانند پس جلو نفس خود را بگیر و آن

را باز دار.

- نفست را از خودت باز دار، تا فرمانبردار تو شود.
- چگونه از شهوت باز ایستد، کسی که نگهداری (و لطف خداوند) او را یاری نکرده باشد؟.
- برترین طاعت‌ها ترک شهوت‌هاست.
- امام علی (ع): برترین پارسایی، دوری کردن از شهوت‌هاست.
- ترک شهوت در راس پرهیزگاری است.
- برترین طاعت‌ها، دوری کردن از لذت‌هاست.
- ترک شهوت‌ها، برترین عبادت و زیباترین عادت است.
- امام صادق (ع): هر کس وقتی خشم می‌گیرد یا به چیزی رغبت پیدا می‌کند یا می‌ترسد و یا هوس چیزی را می‌کند خویشتنداری کند، خداوند پیکر او را بر آتش حرام گرداند.
- امام علی (ع): جان‌های خود را از آلودگی شهوت‌ها پاک سازید، تا به درجات بلند دست یابید.
- بهترین مردم، کسی است که جان خود را از شهوت‌ها پاک گرداند و خشم خویش را سرکوب کند و پروردگارش را خشنود سازد.
- هر که بر شهوت خود غلبه کند خردش آشکار شود.
- امام علی (ع): هر که بر شهوت خود غالب آید، خردش آشکار گردد.
- خرد را در برابر هوس یاری رسان، تا اختیاردار عقل شوی.
- پیامبر خدا (ص): هر که علم او بر هوای نفسش چیره آید، این علم سودمند است و هر که شهوت خود را زیر پایش نهد، شیطان از سایه او بگریزد.
- امام علی (ع): کسی که اختیاردار شهوت خود نباشد، اختیاردار خرد خود نخواهد بود.
- بر شهوت چیره آی، تا حکمت برایت کامل شود.
- با شهوت، عقلی نیست.
- در هیچ دلی حکمت با شهوت، همنشین نمی‌شود.
- شهوت و حکمت، با هم جمع نمی‌شوند.
- هر که بر شهوت خود غلبه کند اختیاردار نفس خود شود.
- امام علی (ع): نگاهدارنده نفس خود از انگیزه‌های لذت‌ها مالک (آن) است و رها کننده آن به حال خود، هلاک شده.
- چیرگی شهوت بزرگترین هلاکت است و پادشاهی بر آن، بالاترین پادشاهی است.
- بزرگترین پادشاهی، پادشاهی بر نفس است.
- ارجمندترین امیران، کسی است که هوس بر او امیر نباشد.
- هر که بر نفس خود مسلط شود، کارش بالا گیرد هر که نفسش بر او مسلط گردد، قدر و منزلتش پست شود.
- خوشا به حال کسی که بر نفس خود غلبه کند و نفسش بر او غالب نشود و مالک هوس خود باشد و هوسش مالک او نباشد.
- پیراستگی از هر عیبی، با تسلط بر شهوت حاصل می‌شود.
- هر که بر هوس خود چیره شود دنیا ناگزیر به او رو می‌کند.
- پیامبر خدا (ص): خداوند عزوجل می‌فرماید: سوگند به عزت و جلالم که هیچ بنده‌ای دلخواه مرا بر دلخواه خودش ترجیح ندهد مگر این که فرشتگانم را به نگهبانی از او بگمارم و آسمان‌ها و زمین‌ها را ضامن روزی او گردانم و در پس تجارت هر تاجری به فکر او باشم و دنیا به رغم میل

خود (یا ذلیلانه) به او رو آورد.

- خدای متعال می‌فرماید: به عزت و جلال و علو و شکوه و بلندی مقام خود سوگند، که هیچ بنده‌ای خواست مرا بر خواست خودش ترجیح ندهد، مگر این که اجل او را در جلو چشم او نگه دارم و آسمان و زمین را ضامن‌روزش کنم و از پس تجارت هر تاجری به فکر او باشم.

- امام علی (ع): خدای متعال می‌فرماید: سوگند به عزتم که هیچ بنده‌ای دلخواه مرا بر دلخواه خودش برنگزیند، مگر این که هم و غم او را متوجه آخرت کنم و دلش را توانگر گردانم و آسمان‌ها و زمین را ضامن‌روزی او سازم و دنیا به رغم میل خود (یا ذلیلانه) به او رو کند.

- امام باقر (ع): خداوند عزوجل می‌فرماید: به عزت و جلال و عظمت و شکوه و بلندی جایگاهم سوگند، که هیچ بنده مؤمنی در چیزی از امور دنیا خواست مرا بر خواست خودش مقدم ندارد، مگر این که به او غنای نفس بخشم و هم و غمش را مصروف آخرت سازم و آسمان‌ها و زمین را ضامن‌روزی او قرار دهم و از پس تجارت هر تاجری به فکر او باشم.

- خداوند عزوجل می‌فرماید: به عزت و جلال و عظمت و علو و بلندی مقامم سوگند، که هیچ بنده‌ای خواست مرا بر خواست خودش برنگزیند، مگر این که شغل و زندگی او را رو به راه کنم و آسمان‌ها و زمین را ضامن‌روزش گردانم و در پس تجارت هر تاجری به فکر او باشم.

- امام کاظم (ع) از پندهای آن حضرت به هشام بن حکم: ای هشام، خداوند عزوجل می‌فرماید: سوگند به عزت و جلالم که هیچ بنده‌ای خواست مرا بر خواست خود برنگزیند، مگر این که به او غنای نفس بخشم و هم و غمش را متوجه آخرت گردانم و کار و بار او را رو به راه کنم و آسمان‌ها و زمین را ضامن‌روزش قرار دهم و از پس تجارت هر تاجری به فکر او باشم.

امام علی (ع): بازداشتن شهوت، برایش نابودکننده‌تر است و بر آوردنش نیرومندتر می‌کند.

۳۱- امتحان با غیبت امام عصر (عج)

و...

عده ای از کسانی که در آزمایش الهی موفق شدند:

پیامبران، امامان، علماء ربانی، عده زیادی از اصحاب ائمه علیهم السلام، عده زیادی از مسلمانان در طول تریخ وعده زیادی از مسیحیان در زمان عیسی ع وعده کمی از یهود در زمان موسی ع وعده دیگری از پیروان حجت‌های الهی.

عده ای از کسانی که در آزمایش الهی موفق نبودند:

شش ماه قبل از هجرت به مدینه، شبی پیامبر ص در خانه فاطمه بنت اسد، مادر امیر مؤمنان (ع) بود که جبرئیل با وسیله‌ای آسمانی بنام «بُراق» نازل شد و حضرت را بر آن سوار نمود و ابتدا به مسجد الاقصی 'برد و از آنجا به آسمانهای هفت گانه سپس به دیدار بهشت و جهنم و بعد به سدره المنتهی ' و مقام قاب قوسین و هنگام سحرگاه او را به خانه‌اش باز گردانید. در این سفر آسمانی، حضرت عجایبی دید. حضرت در روایتی در مورد جهنم فرمودند: 1- در جهنم دیدم که عده‌ای در مقابلشان گوشت پاکیزه و گوشت مردار است! ولی فقط از مردار می‌خورند! از جبرئیل علت را پرسیدم. فرمود: اینها در دنیا حرام خوار بوده‌اند! 2- جماعتی را دیدم که لبهای آنان مانند شتر بود و ملائکه از گوشت پهلوی آنان بریده و در دهانشان می‌گذاشتند که اینها عیجوب بودند 3- گروهی را دیدم که سرشان را می‌کوبیدند که اینها نماز عشاء نمی‌خواندند. 4- گروهی را دیدم که ملائکه آتش بدانشان انداخته و از مقعدشان در می‌آمد! اینها مال یتیم خور بودند. 5- عده‌ای را دیدم که شکمشان آنقدر بزرگ بود که نمی‌توانستند، برخیزند! اینها ربا خوار بودند. 6- عده‌ای از زنهارا به پستانشان آویزان کردن بودند! اینها زناکار بودند. 7- عده‌ای را دیدم که با نخ و سوزن آتشین، بدنهایشان را می‌دوختند! اینها هم زناکار بودند. 8- مردی را دیدم که می‌خواست پشته هیزمی را بردارد و نمی‌توانست! با این حال بر پشتش هیزم می‌گذاشت! او قرضدار بوده است. 9- زنی را دیدم که به موی سرش آویزان کرده و مغز سرش را می‌جوید! این زن موی سر خود از نامحرم نمی‌پوشانده است. 10- زنی را دیدم که به زبانش آویزان کرده بودند! او در مقابل شوهرش زبان درازی می‌کرده است. 11- زنی را به پاهایش آویخته بودند! این زن بدون اجازه شوهر از خانه بیرون می‌رفته است. 12- زنی را دیدم که گوشت بدن خود را می‌خورد! این زن خود را برای دیگران آرایش می‌کرده است. 13- زنی را دیدم که پاهایش را بدستهایش بسته بودند و مار عقرب بر او مسلط بودند! او غسلهایش را نمی‌کرده است. 14- زنی را دیدم که گوشت بدنش را می‌بردند! او خود را به مردان عرضه می‌نموده است. 15- شخصی را دیدم که صورت و بدنش را می‌سوزانیدند و روده‌های خود را می‌خورد! او واسطه زنا بوده است. 16- کسی را دیدم که سرش مثل خوک و بدنش مثل الاغ بود! او سخن چینی می‌کرده است. 17- کسی را دیدم که صورتش مثل سگ بود و آتش بر او وارد می‌کردند! او خواننده و حسود بوده است و...

منابع:

میزان الحکمه

بحار الانوار

خوبیها و بدیها

و.....